

# رمز پیشرفت

حافظ نجفی



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

نجفی، حافظ، ۱۳۴۳.

رمز پیشرفت / مؤلف حافظ نجفی. - قم: امیرالبیان، ۱۳۸۹.

۱۹۹ ص.

ISBN: 978 -964 - 94300 - 6-5 ریال: ۲۸۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه: ص. (۱۹۷) - ۱۹۹؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. اسلام و کار. ۲. اسلام و اقتصاد. الف. عنوان.

۲۹۷ / ۴۸۳

B p ۲۳۰ / ۱۳ / ۳ ن

#### شناسنامه کتاب

نام کتاب: ..... رمز پیشرفت  
مؤلف: ..... حافظ نجفی  
ناشر: ..... انتشارات امیرالبیان  
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: ..... چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب  
تاریخ نشر: ..... بهار ۸۹  
نوبت چاپ ..... اول  
شمارگان: ..... ۲۰۰۰  
قطع ..... رقی  
تعداد صفحات ..... ۱۹۹  
قیمت ..... ۲۸۰۰۰ ریال

شابک: ۵ - ۶ - ۹۴۳۰۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 -964 - 94300 - 6-5

حق طبع و نشر مجدد محفوظ و مخصوص ناشر است.

تلفن تماس: ۳۷۲۵ - ۱۵۱ - ۰۹۱۲

## سال همت مضاعف و کار مضاعف

رهبر کلام تو حجت ز مصحف است  
 هر کس به قدر وسع و توانش موظف است  
 امید آنکه یوسف زهرا کند ظهور  
 امسال سال همت و کار مضاعف است

\*\*\*\*\*

ما پیام عید رهبر را چو مصحف می‌کنیم  
 مثل دستور العمل همواره مصرف می‌کنیم  
 کوری چشم سران فتنه و بیگانگان  
 چشم آقا، کار و همت را مضاعف می‌کنیم

## اهداء

در این کتاب، به صورت علمی و مستند، به موضوع کار و نقش مثبت آن در زندگی انسان، پرداخته شده است. این قلم کوشیده است با الهام از کلام وحی و استفاده از سیره و سخن پیامبر اکرم و ائمه طاهرين عليهم السلام به ندای رهبر فرزانه انقلاب (مد ظله العالی)، که سال ۸۹ را سال «کار مضاعف و همت مضاعف» نامیدند، لیک بگوید.

ثواب این اثر معنوی را به پیشگاه مقدس چهارده معصوم عليهم السلام و علمای ربانی بویژه حضرت امام خمینی رحمته الله و اساتید و حق داران خودم و همچنین به روح منور شهدای راه حق و فضیلت تقدیم می‌نمایم.

همت عالی ز فلک بگذرد      مرد، به همت ز ملک بگذرد  
 همت اگر سلسله جنبان شود      مور تواند که سلیمان شود

## فهرست مطالب

درآمد:	۱۱
امت برتر	۱۱
فصل نخست: نقش کار در پیشرفت مادی و معنوی انسان . ۱۵	
□ - کار و تلاش، کلید معنویت	۱۷
□ - کار، تکلیف دینی است	۱۸
□ - کار و تلاش عامل نزول رحمت پروردگار است	۲۲
□ - کار عبادت است	۲۳
□ - پیشه‌وران، نزد خدا مقام والایی دارند	۲۴
□ - کار، همانند جهاد در راه خداست	۲۵
□ - آمرزیده شدن افراد زحمتکش	۲۵
□ - کار، وسیله کمک به دین و امور معنوی است	۲۵
□ - کار و تلاش، عامل سعادت اخروی	۲۷
□ - کار، عامل حفظ شخصیت و آبرو	۳۵
□ - کار، عامل عزت و سربلندی	۳۹
□ - کار، عامل سلامت جسم و جان	۴۵
□ - نقش تربیتی کار	۴۹

- - کار، وسیله مبارزه با مفسد ..... ۵۴
- - داستان غیبت کردن خانم‌ها ..... ۵۷
- - کار، عامل رشد و توسعه علم و فرهنگ ..... ۵۹
- - کشف استعداد ..... ۶۰
- - کسب تجربه و مهارت ..... ۶۲
- - رشد علمی ..... ۶۲
- - نقش ایرانیان در گسترش علم و ایمان ..... ۶۳
- - ضرورت کوشش برای گسترش فرهنگ قرآن و عترت ..... ۷۲
- - کار، عامل استقلال و خودکفایی ..... ۷۶
- - داستان کسی که از رسول خدا کمک خواست ..... ۸۲
- - کار، عامل رفاه و آسایش خانواده ..... ۸۵
- - کار، وسیله مبارزه با فقر و محرومیت ..... ۹۲
- - کار، عامل توسعه کشاورزی ..... ۱۰۳
- - نقش کار، در عرصه بازرگانی ..... ۱۰۸
- - کار، زمینه ساز تولید و رشد صنعتی ..... ۱۱۵
- - کارگاه‌های تولیدی زود بازده ..... ۱۱۹
- - کار، در عرصه گردشگری ..... ۱۲۱
- - کار، وسیله عمران و آبادی ..... ۱۲۷
- - نقش کار در افزایش درآمدهای مالیاتی ..... ۱۳۳

- فصل دوم: عوامل و شرایط توسعه کار و تلاش ..... ۱۳۷
- - برنامه‌ریزی ..... ۱۳۹
- - کلان‌نگری و داشتن دید بلند ..... ۱۴۱
- - استفاده از تجربیات دیگران ..... ۱۴۳
- - دانش محوری ..... ۱۴۴
- - عزم و اراده قوی ..... ۱۴۵
- - مدیریت قوی ..... ۱۴۶
- - استفاده بهینه از زمان ..... ۱۴۷
- - همت مضاعف ..... ۱۴۸
- - پشتکار و جدیت ..... ۱۴۹
- - تحمل سختی و مشقت کار ..... ۱۵۳
- - ترویج فرهنگ کار ..... ۱۵۶
- - دلسوزی و احساس مسئولیت ..... ۱۵۸
- - بالا بودن کیفیت کار (رقابتی بودن) ..... ۱۵۹
- - اعتماد به نفس ..... ۱۶۱
- - نظارت ..... ۱۶۲
- - لزوم حلال بودن کار و کسب ..... ۱۶۳
- - توکل و تکیه بر لطف خداوند ..... ۱۶۵
- - برنامه‌ریزی برای دنیا و آخرت توأمأ ..... ۱۶۶

- فصل سوم: پیامدهای سستی و کم‌کاری ..... ۱۷۳
- - نکوهش بیکاری و کم‌کاری در روایات ..... ۱۸۴
- - نکوهش بی‌برنامگی ..... ۱۸۹
- - برخی عوامل ناموفق بودن کار ..... ۱۹۲
- پایان ..... ۱۹۴
- منابع و مآخذ ..... ۱۹۷

### درآمد:

### امت برتر

به نام آنکه هستی نام از او یافت

فلک جنبش، زمین آرام از او یافت  
قرآن و روایات، تصویر بسیار دل‌انگیز و رشد یافته از امت اسلامی  
ارائه داده است. از دیدگاه قرآن، امت اسلامی امتی است که بسترهای  
لازم برای رشد و بالندگی را دارد و از قابلیت و توانمندی در عرصه‌های  
مختلف برخوردار است، از این رهگذر، قرآن کریم این امت را امت برتر  
نام نهاده است. **وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ**<sup>۱</sup>  
این برتری و برازندگی را پیامبر اکرم ﷺ نیز پیش بینی کرده و وعده  
داده بود.

**بَشِّرْ هَذِهِ الْأُمَّةَ بِالسَّنَاءِ وَالِدِينِ وَالرَّفْعَةِ وَالنَّصْرِ وَالتَّمَكِينِ فِي  
الْأَرْضِ.**<sup>۲</sup>

بشارت باد بر این امت، ارزشمندی و دین داری و سربلندی و پیروزی  
و جایگاه رفیع در روی زمین.

۱-سوره آل عمران، ۱۳۹. سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید اگر  
ایمان داشته باشید!  
۲-کنز العمال، حدیث شماره ۶۱۲۵.

از آنجا که قرآن و اولیای معصوم علیهم السلام سخن به گزاف و مبالغه نمی‌گویند، ناچار باید این امت، یک ویژگی و نقاط برجسته‌ای داشته باشد که موجب شده است، به عنوان بهترین امت،<sup>۱</sup> امت با برکت،<sup>۲</sup> و امت مورد توجه و عنایت الهی،<sup>۳</sup> شناخته شود. قطعاً امت اسلامی از نظر اندیشه و عمل این قابلیت و شایستگی را دارا هست و ما باید نشانه‌های برتری را بر اساس شواهد تاریخی و مستندات علمی بدست بیاوریم که به فرصت دیگری موکول می‌شود. البته برخی از نقاط برجسته آن در سخنان اولیای دین مورد توجه قرار گرفته است مثلاً به عنوان نمونه، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در بیان عوامل عزت و سربلندی امت خود فرمودند: اگر بین امت محمد، عناصری چون، محبت و امانت‌داری، گسترش احترامات خانوادگی و اجتماعی، معنویت (عبادت خداوند و اطاعت از فرامین الهی) توجه به محرومین (مانند پرداخت زکات)، پرهیز از ناپاکی‌ها و آلودگی‌های اخلاقی و اجتماعی، دوری از خیانت، عدم سازش با بدکاران و... به عنوان اصول قطعی زندگی، حاکم باشد و عالمان این امت، فاسق نباشند و نیکان جامعه با بدکاران، مسامحه و سازش

۱-کنتم خیر امة اخرجت للناس... سورة آل عمران، ۱۱۰.

شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید...

۲-رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اُمّتی امة مبارکة. کنز العمال، حدیث شماره ۳۵۲۴.

امت من مبارک است.

۳-امتی هذه امة مرحومة. کنز العمال، حدیث شماره ۸۱۲۷.

این امت من، مشمول رحمت الهی است!

نداشته باشند، این امت شاهد خوشبختی و سعادت‌مندی خواهد بود.<sup>۱</sup> آموزه‌های این دین آسمانی به ما می‌گوید: تک تک افراد این امت بزرگ باید با عقل و خرد خویش، به سمت جلو و روزهای آینده بنگرند و از آفریده‌های خداوند به نیکی استفاده کرده و برای رونق و طراوت زندگی کوشش نمایند. باید وجود انسان همانند درخت، پرثمر، و همانند باران، حیاتبخش باشد. معارف دینی به ما می‌گوید: روزهای عمر انسان نباید با هم مساوی باشند؛ بلکه هر روز انسان باید بهتر از روز قبل باشد. امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس، دو روزش مساوی باشد مغبون است. هر کس، روز دومش بدتر از روز اول باشد، ملعون است. هر کس، در وجودش پیشرفت نبیند، گرفتار کاستی و نقصان شده است. هر کس، رو به نقصان باشد، مرگ برایش بهتر از زندگی است.<sup>۲</sup>

بدیهی است که پیشرفت هر کشور مرهون تلاش عالمانه و دلسوزانه

۱-رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لا تزال امتی بخیر ماتحباوا و تهادوا و أدوا الأمانة و اجتنبوا الحرام، و قروا الضیف و أقاموا الصلاة و أتوا الزکاة.

عیون أخبار الرضا علیه السلام ج ۲ ص ۲۹.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لا تزال امتی بخیر ما لم یتخاونوا و أدوا الأمانة و أتوا الزکاة فاذا لم یفعلوا ذلك ابتلوا بالقحط و السنین. بحار الانوار، ج ۷۵ ص ۷۲.

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: لا تزال هذه الامة تحت ید الله و فی کفہ ما لم یداهن قراءها امراءها و لم یزل علماءها فجارها و ما لم یهن خیارها أشرارها فاذا فعلوا ذلك رفع الله عنهم یده ثم سلط علیهم جبابرتهم. تنبیہ الخواطر، ج ۱ ص ۸۴.

۲-مَنْ اسْتَوَى یوماه فَهُوَ مَغْبُوتٌ. و مَنْ كَانَ آخِرُ یومِیهِ شَرُّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ. و مَنْ لَمْ یَعْرِفِ الزَّیَادَةَ فِی نَفْسِهِ فَهُوَ فِی نَقْصَانٍ. و مَنْ كَانَ لِیِ التَّقْصَانِ فَالْمَوْتُ خَیْرٌ لَهُ مِنَ الْحَیَاةِ. بحار الانوار، ۷۸، ۳۲۷.

مردم و مسؤولان آن است. رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران (حفظه الله) بر اساس روشی که طی چندین سال گذشته در خصوص فرهنگ سازی و ارائه خط مشی سالانه برای مردم و مسؤولان کشور دارند، در پیام نوروزی خود، سال هشتاد و نه را سال همت مضاعف و کار مضاعف، نام گذاری کرده و مردم و مسؤولان را به مسابقه در کار و تلاش برای ساختن و آباد کردن کشور فرا خواندند. این امر می طلبد عرصه های کار و تلاش، و اولویت های آن از نظر علمی هم مورد کاوش و بررسی قرار گیرد. آنچه پیش روی شما قرار دارد، گشت و گذاری است در منابع دینی جهت ارائه دیدگاه های دین در خصوص ارزش و ضرورت کار و تلاش مضاعف و مستمر که در سه بخش به حضورتان تقدیم می شود.

۱- بخش نخست: نقش کار در پیشرفت مادی و معنوی انسان.

۲- بخش دوم: عوامل و شرایط توسعه کار و تلاش.

۳- بخش سوم: پیامدهای سستی و کم کاری و کم همتی.

امید است که حقیر با نگارش این کتاب، توانسته باشم به ندای رهبر عزیز انقلاب (دام ظلّه الشریف) لبیک گفته و نیز مطالبی که ارائه کرده ام بتواند در نهادهای کار و تلاش در کشور، مؤثر و مفید واقع گردد. إِنَّهُ وَلِيُّ التَّوْفِيقِ.

حافظ نجفی

فروردین ۱۳۸۹

## فصل نخست:

### نقش کار در پیشرفت مادی

### و معنوی انسان



▣ - کار و تلاش، کلید معنویت

قرار دهی در این صورت به تکلیف خود عمل کرده‌ای.<sup>۱</sup>

\* - مردی به نام طیار می‌گوید: امام باقر علیه السلام از من پرسید در خصوص کسب و کار چه می‌کنی؟ گفتم: آقا فعلا هیچی! امام فرمود: اتاقی را بگیر (یعنی مغازه اجاره کن) آب و جارو کن و جنس به آنجا بریز وقتی چنین کنی وظیفه‌ات را انجام دادی! وی می‌گوید: من دستور امام را اجرا کردم چقدر هم وضع مالیم خوب شد.<sup>۲</sup>

\* - در روایت دیگر آمده است ابو عماره طیار از وضع نامناسب زندگی و خرج سنگین عائله به امام صادق علیه السلام شکوه کرد امام فرمود: وقتی رفتی، مغازه‌ات را باز کن و ترازو بگذار و کارت را شروع کن خداوند روزی را می‌رساند. وی به دستور امام عمل کرد یکی از ثروتمندان معروف شد.<sup>۳</sup>

\* - ادیم بیاع هروی می‌گوید: نزد امام صادق بودیم علاء بن کامل با هیجان و اضطراب، به حضور امام صادق علیه السلام آمد و گفت: یابن رسول الله! در باره من دعایی بفرماید تا خداوند به من وسعت روزی بدهد، که خیلی فقیر و تنگدست شده‌ام! امام فرمود: هرگز دعای منم! وی با تعجب گفت: چرا دعای منم کنی؟ امام فرمود: برای اینکه خداوند راهی برای این کار معین کرده است، خداوند امر کرده که روزی را پی جویی کنی، و طلب نمایند. اما تو می‌خواهی در خانه خود بنشینی، و باد عا، روزی را به خانه خود بکشانی!<sup>۴</sup>

از نظر دین اسلام، ضرورت دارد انسان برای تامین معیشت و رفاه زندگی خود و خانواده‌اش، کار کند، برخلاف نظر افراد ناآگاه، که می‌کوشند دین را خارج از متن زندگی معرفی کنند، دین مقدس اسلام در متن زندگی است، در حقیقت برنامه زندگی بشر محسوب می‌شود، مطالبی که خواهید خواند نشانگر حقایق ادعای ماست.

#### □ - کار، تکلیف دینی است

\* - رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: **مِنَ الْمُرُوءَةِ اسْتِصْلَاحُ الْمَالِ**.<sup>۱</sup>

اصلاح وضع معیشت، نشانه شخصیت و کمال انسان است.

\* - امام صادق علیه السلام فرمودند: **إِصْلَاحُ الْمَالِ مِنَ الْإِيْمَانِ**.<sup>۲</sup>

رسیدگی به وضع معیشت و سامان دادن به امور مالی، نشانه ایمان است. (زیرا که باعث شرافت، ارزش و بی‌نیازی از دیگران می‌شود).

\* - سدید می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم وظیفه مرد در خصوص طلب روزی چیست؟ امام فرمودند: باید بروی دنبال روزی، مثلا درب مغازه‌ات را باز کنی و اجناس مغازه‌ات را در معرض فروش

۱- همان ص ۵۶.

۲- همان ص ۵۵.

۳- همان ص ۲۱.

۴- همان.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۶۴. ۲- همان.

\* - زُراره می‌گوید: مردی خدمت امام صادق علیه السلام آمد و گفت: من نه بدم کاری با دست انجام بدهم و نه بدم تجارت بکنم و لذا بیچاره و نیازمند هستم! امام در جوابش گفت: ولو شده سنگ بر دوش خود حمل کنی بکن و خود را از دیگران بی نیاز کن (کسی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله بالاتر نیست، آن حضرت نیز کار می‌کرد یکی از کارهای رسول خدا صلی الله علیه و آله اینست که) رسول خدا سنگ‌ها را بر دوش خود حمل می‌کرد و دیوار می‌کشید و آن سنگ‌ها تاکنون در آن دیوار هست.<sup>۱</sup>

\* - ابو حمزه از پدرش نقل می‌کند که من حضرت ابوالحسن (امام کاظم علیه السلام) را دیدم که در روی یک زمین کشاورزی داشت کار می‌کرد آنقدر عرق کرده بود که پاهایش خیس شده بود وقتی من امام را در این حال دیدم گفتم یا بن رسول الله! پس کمک‌هایت کجا هستند تا شما را یاری دهند؟ فرمود: یا علی کسانی که بهتر از من و پدر من بودند با دست خود روی زمین کار کردند گفتم چه کسانی را می‌فرمایید؟ فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و همه اجداد من همه شان با دست خود کار می‌کردند و این سنت و روش همه نبیین و مرسلین و اوصیاء و صالحین بوده است.<sup>۲</sup>

\* - ابو بصیر گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: من در برخی از مزارع کار می‌کنم تا عرق کنم با اینکه کسانی دارم که به من کمک نمایند ولی دوست دارم خودم انجام بدهم تا خدای تعالی تلاش

مرا برای روزی حلال ببیند.<sup>۱</sup>

یکی از ویژگی‌های جالب زندگی پیامبر اکرم و ائمه طاهرين علیهم السلام اینست که آن بزرگواران با وجود اینکه می‌توانستند بوسیله هدایایی که مردم از روی محبت و عشق تقدیمشان می‌کردند و همچنین بوسیله حق شخصی که مثل دیگران از بیت المال داشتند، براحتی زندگی کنند، اما می‌بینیم آن حضرات، تا ممکن بود سعی می‌کردند از بیت المال استفاده نکنند و لذا حق خود را به خاطر رفاه حال مردم بویژه فقرا به آنان می‌بخشیدند و هدایا را هم به فقرا و مستمندان می‌دادند و برای تامین زندگی خود مثل دیگران کار می‌کردند.

علی علیه السلام در نامه ۴۵ نهج البلاغه که به والی خود در بصره به نام عثمان بن حنیف انصاری نوشته و ایشان را به خاطر شرکت در یک میهمانی اشرافی، توبیخ و نصیحت نموده است می‌فرماید:

«من اگر می‌خواستم، می‌توانستم از غسل پاک، و از مغز گندم، و بافته‌های ابریشم، برای خود غذا و لباس فراهم آورم، اما هیئات که هوای نفس بر من چیره گردد، و حرص و طمع مرا وادارد که طعام‌های لذیذ برگزینم، در حالی که در (حجاز) یا (یمامه) کسی باشد که به قرص نانی نرسد، و یا هرگز شکمی سیر نخورد، یا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی که از گرسنگی به پشت چسبیده، و جگرهای سوخته وجود داشته باشد، آیا به همین رضایت دهم که مرا امیرالمؤمنین خوانند؟ ولی در تلخی‌های روزگار با مردم شریک

نباشم؟ و در سختی‌های زندگی الگوی آنان نگردم؟ آفریده نشده‌ام که غذاهای لذیذ و پاکیزه مرا سرگرم سازد...»<sup>۱</sup>

بر این اساس، روش ائمه اطهار علیهم‌السلام این بود که برای امرار معاش خود (بسیاری از وقت‌ها) مثل بقیه مردم کار می‌کردند و از حاصل تولیدات خود، مقدار اندکی خودشان استفاده می‌کردند و مقدار بیشتر آن را دو باره بین فقرا و مستمندان تقسیم می‌نمودند و برخی را نیز برای آیندگان وقف می‌کردند. این روش که سیره عملی آن انوار تابناک است باید بهترین درس برای زندگی امروز و فردای ما باشد.

### □ - کار و تلاش عامل نزول رحمت پروردگار است

\* - فضیل بن یسار می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم: من از کسب و تجارت دست کشیده‌ام فرمود: چرا؟ مگر خسته شده‌ای؟ بدانکه در این صورت سرمایه‌ات از دست می‌رود هرگز از کسب و کار و تجارت کوتاهی نکنید و فضل خدا را درخواست کنید که در این صورت خداوند عنایت خواهد کرد.<sup>۲</sup>

\* - در روایت دیگر فرمود: تجارت را رها نکن، برو محل کار و اجناس را در معرض فروش قرار بده و روزی را از خدا بخواه.<sup>۳</sup>

۱- وَلَوْ شِئْتُ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ إِلَى مُصَفِّي هَذَا الْعَسَلِ وَلِبَابِ هَذَا الْقَمَحِ وَنَسَائِجِ هَذَا الْقَرْزِ وَلَكِنْ هِيَاتٌ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ وَيُقَوِّدَنِي جَشْعِي إِلَى تَخْيِيرِ الْأَطْعِمَةِ. وَلَعَلَّ بِالْحِجَازِ أَوْ الْيَمَامَةِ مَنْ لَا طَمَعَ لَهُ فِي الْقَرْصِ وَلَا عَهْدَ لَهُ بِالشَّيْبَعِ...

نهج البلاغه، نامه ۴۵۴. ۲- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۱۶.

۳- اِفْتَحْ بِابِكَ وَابْسُطْ بِسَاطِعِكَ وَاسْتَرْزُقِ اللَّهَ رَبَّكَ. وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۱۵.

\* - فضل بن ابی قُرّه گفت: امام صادق علیه‌السلام در باره یکی از آشنایان سؤال کرد که آیا امسال حج می‌رود؟ گفتند: خیر! پرسید چرا؟ گفتند: چون ایشان زمان‌های گذشته مشغول تجارت بود و لذا موفق به حج می‌شد اما مدتی است آن را رها کرده و وضع مالیش بد شده است لذا امسال نمی‌تواند حج برود! امام علیه‌السلام که تکیه کرده و نشسته بود وقتی این را شنید بلند شد و فرمود: هرگز کار و کسب (تجارت) را ترک نکنید زیرا ضعیف می‌شوید، باید تجارت کنید و کوشش نمایید تا خداوند به زندگی شما برکت دهد!<sup>۱</sup>

### □ - کار عبادت است

\* - رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود:

الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ.<sup>۲</sup>

عبادت هفتاد جزء دارد که با ارزش‌ترین جزء آن طلب روزی حلال است.

\* - عبد الرحمن بن حجاج از حضرت صادق علیه‌السلام نقل کرد که فرمود: محمد ابن منکدر می‌گفت خیال نمی‌کردم علی بن الحسین جانشینی بتواند مانند خود در علم بگذارد تا خدمت فرزندش محمد بن علی رسیدم خواستم او را پند دهم او مرا پند داد.

دوستانش گفتند: چگونه ترامو عظه کرد. گفت روزی در شدت گرما رفتم بخارج مدینه محمد بن علی (امام باقر علیه‌السلام) را که داشت در باغات اطراف مدینه کار می‌کرد، دیدم. با خود گفتم: شخصی از بزرگان قریش

۱- همان. ۲- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۴.

در چنین ساعتی با این حال در جستجوی دنیا است! بخدا قسم او را مو عظه خواهم نمود. پیش رفته سلام کردم جواب مرا در حالی که نفس نفس می زد و از شدت خستگی عرق می ریخت، داد. عرض کردم آقا شخصیتی بزرگ از خاندان قریش در چنین ساعتی با این حال باید در طلب دنیا باشد؟ اگر مرگ تو را در این حال فرا رسد چه می کنی؟ امام فرمود: بخدا سوگند اگر مرگ در این حال مرا فراگیرد من در حال انجام یک وظیفه دینی مرده ام چون کار می کنم تا خود و خانواده ام را از نیاز پیدا کردن بتو و مردم نگه بدارم! ترس موقعی است که مرگ فرا رسد و مشغول معصیت خدا باشی. عرض کردم آقا من می خواستم شما را نصیحت کنم اما شما مرا پند دادید.<sup>۱</sup>

#### □ - پیشه وران، نزد خدا مقام والایی دارند

روح بن عبد الرّحیم می گوید: در باره آیه شریفه «رِجَالٌ لَّا تُلَهِیْهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَّا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللَّهِ» سؤال کردم که این آیه در باره چه کسانی نازل شده است؟ امام<sup>۲</sup> فرمود: آنها گروهی از تجار بودند که مشغول تجارت و کسب و کار می شدند اما هنگام نماز تجارت را رها می کردند و نماز خود را بجای می آوردند. بدانکه چنین افرادی نزد خداوند خیلی بهتر از کسانی هستند که دنبال دنیا نمی روند و می گویند ما اهل آخرت

۱- همان ص ۱۹.

۲- ظاهراً این سؤال از امام باقر یا امام صادق علیه السلام صورت گرفته است چون در ابواب مربوط به کار، به این صورت نقل شده است که رَوَى عَنْهُ علیه السلام

هستیم.<sup>۱</sup>

#### □ - کار، همانند جهاد در راه خداست

موسی بن بکر گفت: امام موسی بن جعفر علیه السلام به من فرمود: مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ جَلِّهِ لِيَعُوذَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.<sup>۲</sup>

هرکس از راه حلال برای رفاه خود و خانواده اش روزی طلب نماید (ارزش و ثوابش) مانند جهادگران در راه خداست.

#### □ - آمرزیده شدن افراد زحمتکش

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مَنْ بَاتَ كَأَنَّ مِنَ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُوراً لَهُ.<sup>۳</sup>

هر کس از کار کردن در راه طلب روزی حلال خسته شود و شب به استراحت بپردازد در حالی به خواب می رود که خداوند او را آمرزیده است.

#### □ - کار، وسیله کمک به دین و امور معنوی است

از آنجا که در برخی از آیات و روایات، از دنیا و فریبندگی آن نکوهش شده، برخی از مردم در صدر اسلام، مقصود را نفهمیدند و کلاً از کار و تلاش دست برداشتند چون فکر می کردند دین اسلام مخالف مال و ثروت است و فقر و نداری را دوست دارد! پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام برای اینکه موضوع را برای مردم روشن کنند و بگویند مال دنیا

۱- همان ص ۲۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۴.

۳- همان.



فی نفسه بد نیست و اسلام مخالف ثروت و مال دنیا و رفاه زندگی نمی‌باشد، به مردم می‌گفتند شما ثروت داشته باشید اما از آن در راه خیر و کمک به دیگران و امور معنوی و اخروی استفاده کنید و می‌فرمودند دنیا مزرعه برای آخرت است باید در این دنیا کار خیر انجام داد تا در آخرت از آن بهره برداری نمود، مثلاً می‌بینیم:

\* - رسول خدا ﷺ فرمود: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى تَقْوَى اللَّهِ الْغِنَى<sup>۱</sup>.

ثروت و بی‌نیازی، بهترین کمک برای تقوی الهی است.

\* - در حدیث دیگر پیامبر اکرم ﷺ با خداوند عالم چنین استغاثه

کرد: پروردگارا! به نان ما برکت بده و بین ما و آن جدایی مینداز زیرا اگر نان نباشد ما نه نماز می‌خوانیم و نه روزه می‌گیریم و هیچ یک از واجبات دینی را انجام نمی‌دهیم.<sup>۲</sup>

\* - امام صادق علیه السلام فرمود: نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَى الْأَخِرَةِ الدُّنْيَا.<sup>۳</sup>

(مال) دنیا بهترین کمک برای آخرت است.

\* - همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: ثروت و بی‌نیازی که تو را از ستم

و گناه باز دارد بهتر از فقری است که تو را به گناه وادارد.<sup>۴</sup>

□ - کار و تلاش، عامل سعادت اخروی

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۹.

۲- اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَ لَا صُمْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَأَيْضَ رَبَّنَا. وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۳۰.

۳- همان.

۴- غِنَى يَحْجُزُكَ عَنِ الظُّلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَقْرٍ يَحْمِلُكَ عَلَى الْإِثْمِ

وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۳۱.

کنم، صلّه رحم نمایم، صدقه بدهم، حج و عمره بجای آورم، امام صادق فرمود: لَيْسَ هَذَا طَلَبَ الدُّنْيَا هَذَا طَلَبُ الْآخِرَةِ. اینکه طلب دنیا نیست، بلکه این در حقیقت طلب آخرت است.<sup>۱</sup>

\* - همچنین عمر بن سیف از دی می گوید: امام صادق به من گفت: نسبت به جستجوی روزی حلال کوتاهی نکن فَإِنَّهُ عَوْنٌ لَكَ عَلَى دِينِكَ وَ اعْقِلْ رَاحِلَتَكَ وَ تَوَكَّلْ.<sup>۲</sup>

زیرا این، در حقیقت کمک به دین توست! پس مرکب خود را عقال بزن و توکل بر خدا بکن و سراغ کار برو.

\* - آن حضرت همواره می فرمود: از خدا برای دنیا دو چیز بخواهید یک: بی نیازی. دو: عافیت و سلامتی. و برای آخرت نیز دو چیز بخواهید یک: آمرزش. دو: بهشت.<sup>۳</sup>

امام صادق علیه السلام در بیان خدماتی که ارزش جاودانه دارد، فرمودند:

شش چیز (فایده اش) بعد از مرگ به انسان می رسد:

۱ - فرزند صالحی که برای وی دعا و استغفار نماید.

۲ - قرآنی که از خود به یادگار می گذارد.

۳ - درختی که بر زمین می نشاند.

۴ - چاهی که برای استفاده عموم حفر می کند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۳۴. ۲- همان.

۳- اسألوا الله العنی فی الدنیا و العافیة و فی الآخرة المَغْفِرَةَ وَ الْجَنَّةَ.

وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۳۴.

گفتیم، یکی از دستاوردهای کار، رسیدن به معنویت است، زیرا وقتی کسی کار مناسب و درآمد مادی مناسب داشته باشد می تواند در راه خیر مانند ساخت مسجد و مدرسه و کتابخانه و بیمارستان و دیگر مؤسسات عام المنفعه هزینه کند و در انجام فعالیت های مثبت دینی و فرهنگی سهیم باشد اما اگر کسی به نان شب خود نیز محتاج باشد چگونه می تواند به امور معنوی بپردازد! (از قدیم گفته اند: چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است!؟)

نکته جالبی که در برخی از روایات به آن تصریح شده اینست که اگر انسان با کار و تلاش خود مال حلالی را با هدف خرج در راه خیر بدست آورد، اینچنین ثروتی به عنوان مال دنیا محسوب نمی شود بلکه در حقیقت نوعی عبادت و کار آخرتی است، به نمونه هایی که ذکر می شود توجه کنید:

\* - عبدالله بن ابی یعقور می گوید: در حضور امام صادق علیه السلام بودم، یک نفر از امام پرسید: یا ابا عبد الله! ما دنیا را طلب می کنیم و دوست داریم دنیا داشته باشیم! امام فرمود: می خواهی با مال دنیا چه کاری را انجام دهی؟ وی جواب داد می خواهم خرج خود و خانواده ام را تامین

۵ - صدقه جاریه (بنای عام المنفعه که همگان از آن استفاده نمایند).

۶ - روش نیکویی که از خود بجا بگذارد، و مردم به آن عمل نمایند.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام دائماً مردم را سفارش به کار و تلاش می کردند و سپس می گفتند با سرمایه خود به دیگران احسان کنید از مالتان وقف کنید و با انفاق و صدقات، خود را از گرفتاری های قیامت نجات دهید، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت هر کس مستقیماً با خدا سخن می گوید و بین او و خدا واسطه وجود ندارد! این هنگام هر چه به پیش رو و جانب راست خود می نگرد فقط فرستاده خود را می بیند هنگامی که به جانب چپ نگاه می کند آتش سوزانی را مشاهده می کند، ای مردم از آن آتش بترسید و لو با دادن یک خرما و اگر نتوانستید حد اقل با یک سخن نیکو!

جابر بن عبدالله انصاری گفته است:

لَمْ يَكُنْ مِنَ الصَّحَابَةِ ذُو مَقْدَرَةٍ إِلَّا وَقَفَ وَقْفًا.<sup>۲</sup>

(در صدر اسلام) هیچ صحابی توانمندی نبود مگر اینکه بخشی از

مالش را وقف می نمود.

۱ - سِنَّةٌ تَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ بَعْدَ مَوْتِهِ: وَلَدٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ. وَ مُصْحَفٌ يُخْلِفُهُ. وَ غَرَسٌ يَغْرِسُهُ. وَ قَلْبٌ يَحْفَرُهُ. وَ صَدَقَةٌ يَجْرِيهَا. وَ سُنَّةٌ يُؤْخَذُ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ.

خصال صدوق، ۱ ص ۳۲۲. ۲- مستدرک الوسائل، ۱۴، ۴۷.

حیات طیبه معصومان در همه زمینه ها سرمشق ماست ائمه علیهم السلام با داشتن آن مقام معنوی کار می کردند و از دسترنج خود در راه خیر خرج می کردند، بد نیست به چند نمونه از موقوفات علی علیه السلام که با زحمت خود قنات احداث می کرد و یا چاه می کند و آب جاری می ساخت و از محصولات آن در راه فقرا به قصد تقرب به خداوند احسان می کرد، اشاره شود:

□ - ابونیزر<sup>۱</sup> می گوید: من در دو زمین زراعی امام علی بن ابی طالب علیه السلام به نام عین ابی نیزر و بُعْبِغَةَ مشغول کار بودم که امام علیه السلام به آنجا آمد و به من فرمود: آیا غذایی داری؟ گفتم: غذایی است که برای امیرمؤمنان نمی پسندم کدویی است که از همین جا کنده و باروغن پیه سرخ کرده ام. فرمود: همان را بیاور. سپس برخاست بر لب جوی رفت دست خود را شست و اندکی از آن غذا میل فرمود و باز بر لب جوی رفت و دست های

۱ - محمد بن اسحاق می گوید: این ابونیزر که چشمه ای به او منسوب است غلام علی بن ابی طالب علیه السلام بود. وی فرزند نجاشی پادشاه حبشه بود که مسلمانان صدر اسلام هجرت کرده و نزد او رفتند. علی علیه السلام او را در مکه نزد تاجر دید او را از آن تاجر خرید و به پاس خدمتی که پدرش نجاشی به مسلمانان مهاجر کرده بود آزاد نمود. گویند: پس از مرگ نجاشی اوضاع حبشه آشفته شد و مردم آنجا هیتی را نزد ابونیزر هنگامی که در خدمت علی علیه السلام بود فرستادند تا حکومت را به او بسپارند و تاج سلطنت بر سرش نهند و تسلیم بی چون و چرای او باشند ولی او نپذیرفت و گفت: پس از آن که خداوند نعمت اسلام را به من بخشید دیگر خواهان ملک و سلطنت نیستم. ابونیزر بسیار بلند قامت و زیباروی بود و مانند مردم حبشه سیاه پوست نبود بلکه اگر کسی او را می دید مردی از نژاد عرب می پنداشت.



خود را کاملاً تمیز شست. آن‌گاه دستها را مشت کرد و مشت‌های آب از همان جوی نوشید و فرمود: ای ابا نیزر کف دستها پاکیزه‌ترین ظرفهاست آن‌گاه با همان تری دست، بر شکم خود کشید و فرمود: هر که (با خوردن حرام) آتش در شکم خود کند از رحمت حق به دور باد. سپس کلنگ را برداشت و به درون چاه رفت و مشغول کردن شد ولی آب بر نیامد از آنجا بیرون شد در حالی که پیشانی مبارکش خیس عرق بود. عرق از پیشانی پاک کرد و باز کلنگ را برداشت و به درون چاه رفت و پیوسته کلنگ می‌زد به حدی که صدای نفس مبارکش به گوش می‌رسید. ناگهان آب فوران کرد و مانند گردن شتر از زمین بیرون جست. امام به سرعت از چاه بیرون آمد و فرمود: خدا را گواه می‌گیرم که این چشمه آب، صدقه است. کاغذ و قلم برایم بیاور. من به سرعت کاغذ و قلم آوردم آن حضرت وقفنامه‌ای به این صورت نوشت:

بسم الله الرحمن الرحيم

این چیزی است که بنده خدا علی «امیر مؤمنان» صدقه داده است. این دو زمین به نام‌های «عین ابی نیزر و بغیغه» را بر فقرای مدینه و در راه ماندگان صدقه نمود. تا بدین وسیله در روز قیامت چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارد. کسی حق فروش و بخشش آنها را ندارد. تا آن‌گاه (یعنی قیامت) که خدا وارث آنها شود و خدا بهترین وارثان است. مگر آن که حسن و حسین

بدانها محتاج شوند که ملک خالص آنها خواهد بود و هیچ کس دیگر حقی در آنها ندارد.<sup>۱</sup>

محمد بن هشام گوید: زمانی امام حسین علیه السلام بدهکار شد معاویه دویست هزار دینار برای خرید «عین ابی نیزر» نزد امام فرستاد ولی ایشان از فروش آن خودداری نموده فرمود: پدرم آنها را صدقه داد تا چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارد و من آنها را به هیچ قیمتی نخواهم فروخت.<sup>۲</sup>

□ امام صادق و امام باقر علیهما السلام فرمودند:

در یکی از جنگ‌ها رسول خدا صلی الله علیه و آله بالشکر خود به منطقه ینبع رسیدند. هوا بشدت گرم بود. آنحضرت با یارانش زیر سایه درختی به نام سمره<sup>۳</sup> قرار گرفته و اسلحه خود را به شاخه‌های آن آویختند. (آن جنگ از جمله نبردهایی بود که خداوند، پیروزی را نصیب حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود.) رسول خدا آن محلی را که درخت سمره در آن قرار داشت و لحظاتی زیر سایه آن آرمیده بودن به عنوان غنیمت جنگی به علی علیه السلام دادند. آنحضرت بلافاصله دستور داد در آن زمین چاه (چشمه‌ای) حفر کردند. از قدرت خدا آنچنان آب فراوانی پیدا کرد که به دلیل فوران آب به سوی آسمان، نام آن چشمه را «ینبع» نهادند. پیکی نزد علی علیه السلام آمد تا از آب فراوان چاه، به آنحضرت بشارت بدهد، آن حضرت به طنز فرمودند به وارث بشارت بدهید! سپس همانجا وقفنامه‌ای به این صورت

۱- بحار الانوار، ۱۰۳، ۱۸۴. ۲- معجم البلدان، ۱۷۶ ماده عین.

۳- سمره، نوعی درخت صمغ عربی است.

تنظیم شد.

(تمام آن زمین با آبش) صدقه است. با هدف استفاده  
حجاج بیت الله و عابرين. کسی حق فروش و بخشش و  
ارث بردن از آن را ندارد. اگر کسی آن را بفروشد نفرین  
خدا و فرشتگان و مردم بر او باد. خداوند از چنین کسی  
هیچ عملی را نخواهد پذیرفت.<sup>۱</sup>

□ - کار، عامل حفظ شخصیت و آبرو

۱- وسائل الشیعه، ۱۳، ۳۰۴ و بحار الانوار: ۱۰۳ / ۱۸۴.

دیگران را می پذیرفت. آن امام بزرگوار گاهی در باغ‌های مدینه برای بنی قریظه و بنی نضیر که یهودیان مدینه بودند، کار می کرد، به این سبب مورد اعتراض واقع شدند که یا علی! این کارها در شأن تو نیست امام پاسخ دادند:

لَتَقْلُ الصَّخْرَ مِنْ قُلَلِ الْجِبَالِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ مِثْنِ الرَّجَالِ  
يَقُولُ النَّاسُ لِي فِي الْكَسْبِ عَارٌ فَإِنَّ الْعَارَ فِي ذُلِّ السُّؤَالِ  
برای من سنگ کشیدن از قلّه کوهها گواراتر و آسانتر است از اینکه منت  
دیگران را بر دوش خود بکشم، به من می گویند این کار ننگین است ولی  
من می گویم ننگ این است که انسان در اثر کار نکردن محتاج دیگران شود  
و دست نیاز به سوی مردم دراز کند.

و در جای دیگر فرموده است:

كَدَّ كِدَّ الْعَبْدِ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُصْبِحَ حُرّاً  
وَ أَقْطَعَ الْأَمَالَ مِنْ بَنِي آدَمَ طُرّاً  
لَا تَقُلْ ذَاكَ كَسْبٍ يُرِزِي فَقَصْدُ النَّاسِ أَرْزَى  
أَنْتَ مَا اسْتَغْنَيْتَ عَنِ غَيْرِكَ أَعْلَى النَّاسِ قَدراً<sup>۱</sup>

اگر می خواهی آزاد زندگی کنی چون بردگان زحمت بکش، آرزو از  
دستیابی به مال دیگران را قطع کن، نگو این کار مرا خوار می کند زیرا که  
درخواست از مردم، انسان را بیشتر از هر چیزی ذلیل می کند اما وقتی از

یکی دیگر از جنبه‌های مثبت کار اینست که آبروی انسان را نگه می دارد  
چون هر کسی با کار و فعالیت قادر می شود چرخ‌های زندگی را به حرکت  
در بیاورد و نیاز خود و خانواده‌اش را تامین نماید. با وجود پول، انسان  
نزد همه مردم (دوست و دشمن) مخصوصاً پیش همسر و فرزندان سربلند  
است، خدا نکند جیب کسی خالی باشد و نتواند نیازهای همسر و  
فرزندانش را تامین نماید، هزینه‌های مربوط به مسکن، لباس و مواد  
غذایی و دیگر نیازمندی‌های پیش بینی نشده اگر بخواهد تامین شود باید  
کار آبرومندانه و مناسب وجود داشته باشد و لذا هر کسی باید برای تامین  
مخارج و معیشت زندگی خود، با جان و دل کار کند.

عمر و بن جمیع می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم می فرمود: خیری ندارد  
کسی که دوست ندارد از راه حلال مال جمع کند تا بدان وسیله آبروی  
خود را حفظ کند و بدهی خود را بپردازد و صله رحم نماید.<sup>۱</sup>

در تاریخ زندگی حضرت علی علیه السلام آمده است: آن حضرت کارهای  
همچون حفر چاه و کشت درخت و باغداری و حتی اجیر شدن برای

۱- اشعار در دیوان منسوب به حضرت علی علیه السلام وجود دارد.

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۳۳.

دیگران بی‌نیاز باشی از همهٔ مردم ارزشت بیشتر است.  
هیچ سخنی به اندازه کلام مولی علی علیه السلام نمی‌تواند ارزش کار را در حفظ  
شخصیت و آبروی انسان اینگونه کامل و زیبا بیان نماید. آری پیام  
علی علیه السلام به جوانان شیعه اینست که عزیزان! برای زندگی خود زحمت  
بکشید از کار کردن عارتان نیاید، عار و ننگ در محتاج شدن است نه در  
کار کردن.

□ - کار، عامل عزت و سربلندی

نمی‌شنوی که خداوند متعال می‌فرماید: عزت از آن خدا و رسول او و مؤمنین است... پس مؤمن عزیز است و ذلت به او راه ندارد.<sup>۱</sup>

\* - مُعَاذُ بَنِي كَثِيرٍ که مشغول تجارت بود می‌گوید: روزی به امام صادق گفتم: من سرمایه خوبی جمع کرده‌ام تصمیم دارم بازار را رها کنم فرمود: در این صورت کسی به دیدگاه‌های شما اعتنا نمی‌کند و یاریت نخواهد کرد.<sup>۲</sup>

این کلام معجز نما از یک حقیقت انکار ناپذیر پرده برمی‌دارد و آن اینکه در این دنیای وانفسا متاسفانه بسیاری از مردم، ملاک ارزش و شخصیت دیگران را دارایی مادی آنها می‌دانند، و ائمه علیهم‌السلام به این مسئله واقف بودند، و لذا به اصحاب خود سفارش می‌کردند، بنیه مالی خود را تقویت کنند.

جالب اینست که در بسیاری از این سفارش‌ها از کار و کسب مال، تعبیر به «عزّ» شده است.

\* - مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ می‌گوید: روزی من برای رفتن به محل کار دیر کردم امام صادق علیه‌السلام مرا دید فرمود: بشتاب به سوی عزت خود!<sup>۳</sup>

\* - عَلِيُّ بْنُ عَقْبَةَ می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام به یکی از خدمت‌کارانش

۱- إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا أَمَا تَسْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى يَقُولُ: وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ... (سوره منافقون، آیه ۸).  
 ۲- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۶۰.  
 ۳- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۱۳.

یکی دیگر از دلایل و بسترهایی که حکم می‌کند همه افراد جامعه باید به صورت جدی کار و تلاش نمایند، اینست که دین اسلام خواهان عزت مسلمانان است.

بنابر نظر ائمه اطهار علیهم‌السلام یکی از عوامل عزت انسان، داشتن سرمایه مادی و زندگی شرافتمندانه است، و آن نیز میسر نمی‌شود مگر با کار و تلاش مستمر و خستگی ناپذیر.

کسانی که کار مناسب دارند، چون از کار و فعالیت خود درآمد نصیبشان می‌شود و پولی را که بدست‌شان می‌رسد می‌توانند راحت خرج کنند و نیازهای خود و خانواده را برآورده کنند و از امکانات مادی - منزل و ماشین و و دیگر امکانات رفاهی - برخوردار شوند، لذا احساس شخصیت می‌نمایند و پیش خانواده و دیگران سر خود را بالا می‌گیرند و به اصطلاح در میان مردم، خودی نشان می‌دهند، اما افراد بیکار به دلیل ضعف مالی و نداشتن وسیله زندگی همیشه پیش خانواده و افراد جامعه احساس حقارت می‌نمایند.

\* - امام صادق علیه‌السلام فرمود: خداوند همه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده اما به وی اجازه نداده است خود را ذلیل نماید، مگر

فرمود: ای بنده خدا! عزت خود را حفظ کن وی گفت: فدایت شوم عزت من در چیست؟ فرمود: عزت تو در صبح گاهان به سوی محل کار رفتن و گرامی داشتن و جودت بوسیله کارست. همچنین امام به شخص دیگری فرمود: چرا از شتاب کردن برای عزت خود کوتاهی می‌کنی؟ وی گفت برای مراسم تشییع جنازه رفته بودم امام فرمود: آن هم وظیفه است اما هرگز از رفتن زودهنگام به سوی عزت خود غفلت نکنید.<sup>۱</sup>

\* - سعدی می‌گوید: حاتم طائی را گفتند: بزرگ همت تر از خود دیده یا شنیده‌ای؟ گفت: بلی. روزی چهل شتر قربان کردم برای امرای عرب پس برای انجام کاری به گوشه صحرا رفتم، خارکنی را دیدم که پشته‌ای فراهم آورده، گفتم به میهمانی حاتم چرا نروی که خلقی بر بساط او گرد آمده‌اند؟ گفت:

هر که نان از عمل خویش خورد منت از حاتم طائی نبرد من او را به همت و جوانمردی از خود برتر دیدم.<sup>۲</sup>

\* - همچنین وی می‌گوید: دو برادر بودند یکی خدمت سلطان کردی و آن دیگری نان از عمل خویش خوردی! روزی آن برادر که در خدمت پادشاه بود برادرش را دید که با زحمت زندگی را سپری می‌کند، به وی گفت چرا تو هم مثل من به دربار نمی‌آیی تا راحت زندگی کنی؟ آن برادر گفت:

بدست، آهن تفته کردن خمیر به از دست بسته به پیش امیر \* - علی علیه السلام به امام حسن می‌فرماید: نفس خود را از هرگونه پستی بازدار، هر چند تو را به اهداف رساند، زیرا نمی‌توانی باندازه آبرویی که از دست می‌دهی بهایی به دست آوری، برده دیگری مباش، که خدا تو را آزاد آفرید.<sup>۱</sup>

\* - همچنین می‌فرماید: **الْمَنِيَّةُ وَالْأَدْنِيَّةُ وَالْتَقَلُّ وَالْأَتَوْسُلُ**.<sup>۲</sup> مرگ بهتر از تن به ذلت دادن، به اندک ساختن بهتر از دست نیاز به سوی مردم داشتن است.

\* - ابن سینا بخشی از عمرش را در مقام وزارت سپری کرده است. آورده‌اند: ابن سینا با موکب وزارت و دستگاه باشکوه حکومتی بانوکرها و غلامان از جایی عبور می‌کرد دید یک کناس<sup>۳</sup> مشغول کار خود است و این شعر را زمزمه می‌کند.

گرامی داشتم ای نفس از آنت که آسان بگذرد بر دل جهانت! بو علی خنید و پیش خود گفت: این مرد کناسی می‌کند بر نفس خود منت هم می‌گذارد که گرامیش داشته و کار شریف و آسانی برای خود برگزیده است! جلو آمد و گفت: ای پیرمرد تو با این شغل و با این زحمت! عجب خود را گرامی داشته‌ای؟! آن مرد کناس یک نگاهی به ابن سینا کرد و

۱- وَأَكْرَمُ نَفْسِكَ عَنْ كُلِّ دَنِيَّةٍ وَإِنْ سَأَفْتِكَ إِلَى الرَّغَائِبِ فَإِنَّكَ لَنْ تَعْتَضَّ بِمَا تَبَدَّلَ مِنْ نَفْسِكَ عَوْضًا وَلَا تُكُنْ عَبْدَ غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶. ۳. جاروکش.

۲- گلستان سعدی، باب سوم.

۱- همان ص ۲۲.

فهمید که این مرد یکی از اُمرا و مقامات مهم دولت است بلافاصله در جوابش جمله‌ای گفت که ابن سینا حسابی خجالت کشید و از این پیش آمد ناراحت شد و به فکر فرو رفت؟! آن کناس در جواب ابن سینا این جمله را گفت: «نان از شغل خسیس خوردن به که منت رئیس بردن!»<sup>۱</sup>  
ملک الشعرا می‌گوید:

سر آزاده ما منت افسر نکشد

تن وارسته ما حسرت زیور نکشد

ما گداییم ولی قصر غنا منزل ماست

هر که شد همدم ما منت قیصر نکشد!

□ - کار، عامل سلامت جسم و جان

به طور منظم فکر می‌کنیم تا از یک مقدمه، به نتیجه برسیم در واقع تعقل و تفکر کرده‌ایم. ولی هنگامی که به امور ذهنی خود نتوانیم نظم بدهیم و در باره موضوع مشخصی به اندیشه نپردازیم، ذهن ما بابتی نظمی از این شاخه به آن شاخه می‌رود، این امر عارضه و آسیبی است که اگر انسان قوه خیال خود را در اختیار و تحت تصرف خود نگیرد موجب فساد وی می‌شود، پس انسان نیاز به تمرکز بخشیدن به قوه خیال خود را دارد. اگر قوه خیال آزاد باشد منشاء فساد اخلاق می‌شود! علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: *الْنَفْسُ إِنْ لَمْ تُشَغَلْ شَعَلَتْكَ*. اگر تو نفس خود را به کاری مشغول نکنی او تو را بخودش مشغول می‌کند. انسان اگر این قوه خیال را بدست نگیرد امیال و خیالات گوناگون، انسان را به هزاران نوع گناه می‌کشاند، یکی از چیزهایی که انسان را از این خیالات باطل نجات می‌دهد کار است و لذا کار یکی از عوامل تمرکز خیال و امیال گوناگون محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

در مجله بهداشت روانی نوشته است: آقای پاستور گفته است: «بهداشت روانی انسان در لابراتوار و کتابخانه است» یعنی بهداشت روانی انسان بکار بستگی دارد انسان بیکار خود بخود بیمار است. البته کار فقط اختصاص به لابراتوار و کتابخانه هم ندارد هر کار مناسب که مطابق ذوق انسان باشد به روح و جان انسان آرامش می‌دهد و فکر انسان را می‌سازد. همچنین آقای ولتر گفته است: «هر وقت احساس می‌کنم که درد و رنج

یکی از آثار کار در زندگی انسان سلامت روح و روان است. زیرا افراد شاغل و فعال، به دلیل اینکه احساس می‌کنند عمری مفید دارند و سرمایه عمرشان هدر نمی‌رود بنوعی احساس رضایت از خود دارند و لذا از نظر روحی انسان‌های با نشاط و شاداب بوده و از روانی سالمتر برخوردار هستند. متقابلاً، افراد غیر فعال، غالباً گرفتار خمودی و افسردگی می‌شوند. شهید مطهری می‌گوید: در اینکه کار یک وظیفه است نمی‌توان شک کرد اما آیا کار فقط یک وظیفه اجتماعی است که انسان چون ناچار است زندگی را بچرخاند باید کار کند؟ جواب اینست که کار علاوه بر وظیفه بودن، یک نیاز است یعنی ما به علل مختلف، نیازمند به کار هستیم زیرا انسان روح دارد، جسم دارد، قوه خیال دارد، عقل دارد، قلب دارد و... کار برای جسم انسان یک ضرورت است، برای روح و عقل و فکر و قلب انسان نیز یک ضرورت است. اگر انسان کار نکند مریض می‌شود یعنی کار یکی از عوامل حفظ الصحة است.

کار، علاوه بر نقش مؤثری که در سلامت جسم ایفا می‌کند، عامل تمرکز حواس و جمع شدن قوه خیال نیز می‌باشد، انسان یک نیرویی دارد که دائماً ذهنش و خیالش کار می‌کند. توضیح اینکه وقتی در باره مسایل کلی



بیماری می‌خواهد مرا از پای در بیاورد، به کار پناه می‌برم، کار بهترین درمان دردهای درونی من است». آقای ساموئل اسمایلز نوشته است: «بعد از دیانت، مدرسه‌ای برای تربیت انسان بهتر از مدرسه کار ساخته نشده است».

پاسکال گفته است: «مصدر کلیه مفاسد فکری و اخلاقی بیکاری است. هر کشوری که بخواهد این عیب بزرگ اجتماعی را رفع کند باید مردم را بکار وادارد تا آن آرامش روحی که عده معدودی از آن آگاهند در عرصه وجود همه برقرار شود».<sup>۱</sup>

از آنجا که کار انسان را بر مشکلات پیروز می‌کند و در عرصه‌های زندگی و در نیل به اهداف و آرزوها انسان را موفق می‌گرداند، موجب سلامت روح و روان می‌شود و لذا به انسان نیرو و توان مضاعف می‌دهد، علی عَلَيْهِ فرمود:

أَصْلُ التَّجْدَةِ الْقُوَّةُ وَتَمَرُهَا الظَّفَرُ.<sup>۲</sup>

قدرت و توانمندی، پایه و اساس یاری رساندن به دیگران است و ثمره آن هم پیروزی است.

□ - نقش تربیتی کار

نگهداری محصول کار دیگران احساس مسئولیت می‌کنند زیرا آنچه ما اکنون استفاده می‌کنیم حاصل کار دیگران است پس ما هم وظیفه داریم برای آیندگان، اثر مثبت از خود بجا بگذاریم مثلاً آبی که می‌نوشیم، برقی که خانه‌های ما را روشن می‌کند و جاده‌هایی که در آنها راه می‌رویم و فضاهاى سبزی که در آن به تفرج می‌پردازیم و خانه‌های که می‌نشینیم و... حاصل زحمات دیگران است، شایسته است ما نیز نسبت به آباد ساختن و حفظ زحمات گذشتگان احساس مسئولیت کنیم، منابع انرژی و آب و خاک و محیط زیست را نگهداری کنیم و حق نسل‌های بعدی را محفوظ نگهداریم.

فرهنگ هرملتی با ممیزات و شاخصه‌هایی شناخته می‌شود. فرهنگ زندگی ما برگرفته از فرهنگ و معارف قرآن و عترت پیامبر اسلام ﷺ است. در تعریف این فرهنگ می‌توان گفت که فرهنگ قرآن و عترت، فرهنگ مسئولیت است، در این فرهنگ هیچ کس، رها و بی‌مسئولیت تلقی نشده بلکه همه مسؤول شناخته می‌شوند هیچ کس نمی‌تواند بگوید به من چه؟ و امور جامعه و سرنوشت کشور به من مربوط نیست، قرآن می‌گوید:

أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا؟<sup>۱</sup>...

آیا پنداشتید که شما را بی‌هوده آفریده‌ایم...

کار و تربیت، هر دو در یکدیگر اثر می‌گذارند، یعنی هم تربیت صحیح، انسان را فرد مفید بحال جامعه بار می‌آورد هم کار مفید تاثیر مثبت در روح و روان انسان دارد مثلاً یکی از آثار و فواید کار نظم بخشی به زندگی انسان است، کسی که از راه متعارف و طبیعی و با انجام کار، درآمدی کسب می‌کند بطور طبیعی دخل و خرج خود را تنظیم می‌کند و بناچار نظم را به عنوان یک آموزه مهم در زندگی خود خواهد داشت. همچنین کار در عین اینکه معلول فکر و روح و قلب و جسم انسان است، سازنده و تربیت کننده انسان نیز هست زیرا کار بر نیروی احساس انسان اثر مثبت دارد و انسان را رقیق القلب می‌کند در عوض، بیکاری انسان را قسی القلب می‌کند انسان‌های بیکار سنگ دل هستند ولی افراد دارای کار مناسب در دلشان خضوع و خشوع و رقت احساس می‌کنند این نتیجه تربیتی کار است.<sup>۱</sup>

یکی از آثار تربیتی کار احساس مسئولیت است، کسانی که رنج کار را چشیده‌اند بر کار و تلاش دیگران احترام می‌گذارند یعنی برای حفظ و



بنابر اقتضای ذاتی این فرهنگ، همه باید پاسخ مناسب برای روز محاسبه داشته باشند و هیچ کس نمی تواند نسبت به پیرامون خود بی تفاوت باشد. أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى.<sup>۱</sup> آیا انسان گمان می کند بی هدف رها می شود؟!

قرآن می فرماید: مردم و رهبران جامعه باید پاسخگوی مسؤولیت هایی که بر عهده گرفته اند و همچنین پاسخگوی عملکرد خویش باشند.

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ.<sup>۲</sup>

پس، قطعا از کسانی که پیامبران به سوی آنان فرستاده شده اند خواهیم پرسید، و قطعا از خود فرستادگان نیز خواهیم پرسید.

بی شک، همه می دانیم که جهان با حرکت بسیار تند و سریع در حال تغییر است، کشورها بسیار سریع و پرشتاب در حال رشد و دگرگونی مثبت هستند، کوچکترین کوتاهی و غفلت، و کم کاری و بی برنامگی، کشور و ملت ما را از قافله تمدن بشری عقب نگه خواهد داشت.

بنابر این ما مسئول سرنوشت کشور در حال و آینده هستیم، ما مجبور به پیشرفت و حرکت سریع پای پای آهنگ جهانی هستیم، و شایسته است که برای پیشرفت و تکامل در زمینه های مختلف فکری و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی احساس مسؤولیت نماییم و آن مستلزم کار مداوم و خستگی ناپذیر و فعالیت همراه با علم و فناوری است. آنچه که امسال

(سال ۸۹) توسط رهبر فرزانه انقلاب به عنوان حرکت عمومی و شعار محوری اعلام شد یک نیاز قطعی بود و بسیار بجا و به موقع صورت گرفت.

آقای ساموئل اسمایلز در کتاب اخلاق می‌گوید: گناه غالباً انفجار است مثل دیگ بخار که اگر حرارت بدهند و منفذی نداشته باشد و دریچه اطمینان نداشته باشد منفجر می‌شود، گناه نیز اینچنین است زیرا انسان با طبیعت در حال مبادله است از طبیعت انرژی می‌گیرد باید آن انرژی را مصرف نماید چه انرژی جسمی و چه روحی باید مصرف شود، زبان باید حرف بزند چشم باید چیزی را ببیند گوش باید بشنود، دست و پای انسان باید حرکتی بکند، پس نمی‌شود انسان انرژی‌های زیادی از طبیعت بگیرد ولی مصرف نکند. این مصرف نکردن همان دیگ بخار است که وقتی حرارت می‌هند چنانچه منفذ نداشته باشد منفجر می‌شود اگر انسان کار نکند، و وجودش به حالت تعطیل در بیاید چون انرژی‌های زیادی را گرفته و مصرف نمی‌کند حالت انفجار رخ می‌دهد زیرا نیروهای ذخیره شده می‌خواهد بیرون بیاید ولی چون راه صحیح وجود ندارد از راه نامشروع و ناصحیح بیرون می‌زند. غالباً حکام و سلاطین، جانی بار می‌آیند، یکی از علت‌های جنایت حکام تاریخ همین حالت تعطیل بودن آنان است، زیرا آنان از بهترین امکانات خورد و خواب و تفریح برخوردارند و در عوض هیچ کار مثبتی هم انجام نمی‌دهند هرچه اراده

□ - کار، وسیله مبارزه با مفاسد

بکنند، نوکران و چاکران برایشان انجام می‌دهند حتی سیگار هم بخوانند بکشند قلیانی را بخوانند چاق کنند، نوکران برایشان انجام می‌دهند حتی فندک و کبریت برای روشن کردن سیگار را نیز دیگران برایشان روشن می‌کنند، کفش یا لباس می‌خواهند بپوشند فوراً برایشان آماده می‌شود، تمام وجودشان (جسم و روح و فکر) از هر کاری تعطیل می‌شود لذا رفته رفته هر نوع کار را منافی با شخصیت خود می‌دانند<sup>۱</sup> اینکه این اشخاص دست به هر جنایتی می‌زنند برای همین است که این قید و بندهای موهوم نمی‌گذارد آنها کار مثبت جسمی و روحی انجام دهند و انرژی خود را مصرف نمایند و لذا انفجار روحی برایشان رخ می‌دهد و بوسیله ستم‌ها و جنایات، خود را مشغول می‌کنند.

۱- در باره یکی از امرای قدیم خراسان نقل شده است جُبه خز گران قیمت پوشیده بود دستور داد برایش قلیان آوردند، وقتی مشغول کشیدن قلیان بود قلیان تکان خورد آتش روی جبه خزش افتاد، بر خلاف شان خودش دید که خود را حرکت دهد تا آتش را از روی لباس خود دور کند لذا فقط صدا زد «بچه‌ها!» آنها تا بیایند طول کشید لذا مقداری از جبه حتی قسمتی از پایش سوخت.

حتی شنیده شده برخی از آنان می‌خواستند بینی خود را پاک کنند باید دیگران دستمال جلو بینی آنها می‌گرفتند. جالب است در باره یکی از همین افراد نقل شده است وقتی می‌خواست بینی خود را تمیز کند غلام مخصوصی داشت برای همین کار، یکی از روزها که غلام جلو بینی اربابش دستمال گرفته بود ارباب گفت چرا پس بیرون نمی‌آید؟ غلام گفت: ارباب جان فینش را هم من باید بکنم؟! حد اقل خودت فین بکن تا دماغت بپاید و من با دستمال تمیز کنم!؟

### □ - داستان غیبت کردن خانم‌ها

در زمان‌های گذشته معروف بود که زنها زیاد غیبت می‌کنند، حتی آنقدر در این زمینه شایعه زیاد بود که غیبت کردن را برای زنها یک طبیعت و خصلت حتمی جا انداخته بودند! در صورتی که اینطور نیست، زیرا غیبت کردن که کار بدی هست، زن و مرد در آن یکسان هستند، اما علت اینکه این مطلب اشتها یافته بود این بود که زنها خصوصاً زنها اعیان و اشراف که کلفت و نوکر داشتند و هیچ کاری را خودشان انجام نمی‌دادند، اهل فکر و علم... نیز نبودند که با مطالعه خود را سرگرم کنند لذا یک زن هم شأن خود را پیدا می‌کردند و شروع می‌کردند در باره این و آن صحبت کردن، و لذا غیبت برای اینطور افراد یک امر ضروری بود و تنها علتش بیکاری و بی‌دردی آنان بود.

نقل شده است زمانی در یکی از شهرهای آمریکا قمار کردن بین زنها رایج شده بود به گونه‌ای که داد همه مردها در آمد و به فکر حل مشکل بر آمدند، ابتدا به کشیش‌ها گفتند در کلیساها در باره حرمت و گناه قمار صحبت کنند آنها مدتی در کلیساها تبلیغ کردند و از گناه قمار صحبت کردند اما هیچ مؤثر واقع نشد، شهردار آن شهر گفت: من مشکل را حل می‌کنم و روش آقای شهردار این بود که در شهر اعلام کرد در باره صنایع دستی مسابقه می‌گذاریم و جایزه‌های خوبی هم می‌دهیم، وقتی زنها این را فهمیدند دست از قمار کشیدند و به بافندگی و دوزندگی و... روی

آوردند، علت موفقیت شهردار این بود که علت این بیماری را تشخیص داده بود، چون علت روی آوردن زنها به قمار، بیکاری آنها بود و لذا ایشان با جایگزین کردن صنایع دستی و مشغول کردند زنها مشکل را حل کرد. از این معلوم می‌شود که بیکاری سرمنشأ بسیاری از فسادها و کار، عامل مهمی برای مبارزه با مفاسد است.<sup>۱</sup>

در کشور ما نیز یکی از راه‌های گسترش سلامت اجتماعی و مبارزه با مظاهر فساد در ابعاد اخلاقی و اجتماعی، اینست که فرهنگ کار مفید و زحمت کشیدن برای زندگی عزت‌مند به فرهنگ عمومی تبدیل شود. زیرا بسیاری از فسادها ریشه در بیکاری دارد.

□ - کار، عامل رشد و توسعه علم و فرهنگ

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۱۴ تا ۴۱۹.



شکوفایی توانمندی‌های انسان است.<sup>۱</sup>

افراد فعال به دلیل تحرک و فعالیت بدنی سلول‌های مغزیشان نیز فعال می‌شود و همواره در حال رشد فکری هستند، هر روز طرح و ایده‌های جدید به ذهن آنها می‌رسد و لذا در عرصه‌های کار و میدان عمل قابلیت‌ها و توانمندی‌های خود را می‌توانند بروز دهند که اگر این عرصه‌ها برایشان فراهم نبود شاید چنین طرح و ایده‌ای هرگز به ذهنشان نمی‌رسید. ولی افراد بیکار چراغ فکرشان نیز خاموش است، تحرک مغزیشان بسیار اندک است.

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲۱. اشکالی که در شرایط فعلی، در انتخاب رشته تحصیلی و شرکت در کنکور و دروس دانشگاهی وجود دارد اینست که افراد زیادی هستند که یا نمی‌توانند رشته مورد علاقه خود را بشناسند یعنی در حقیقت استعداد و ذوق خود را تشخیص نداده‌اند و لذا باری به هر جهت در رشته‌ای قبول می‌شوند و درس را می‌خوانند اما هرگز علاقه‌ای به آن رشته ندارند و یا رشته مورد علاقه خود را تشخیص داده و راه خود را پیدا کرده‌اند اما در آن رشته قبول نمی‌شوند و برای اینکه فعلا سربازی نروند و یا به دلایل دیگر، چند رشته غیر دل‌خواه را می‌زنند و در یکی از آنها نیز قبول می‌شوند، در حالی که هرگز به آن علاقه ندارند و به اجبار آن رشته را می‌خوانند، قطعاً چنین تحصیل‌ها و درس خواندن‌ها رشد فکری و خلاقیت به دنبال نخواهد داشت، سالانه ده‌ها هزار از این موارد را می‌بینیم که به دلیل خواندن اجباری یک درس، و گرفتن یک مدرک که کاغذی بیش نیست (زیرا نه علمی همراه آن است نه حرفه و شغل مناسبی)، وارد عرصه زندگی می‌شوند و در نتیجه نیروهایی که می‌توانستند مولد و مفید باشند سر‌بار جامعه می‌شوند.

رابطه بین کار و دانش، رابطه دو سویه است. کار، هم می‌تواند وسیله تولید علم گردد و هم راه خود و راه کمالش را از علم و دانش بجوید. زیرا بدون ورود به عرصه‌های کار و فعالیت، زمینه رشد و شکوفایی علمی فراهم نمی‌شود. چنانکه فنی و صنعتی شدن کار، محصول رشد علمی است، در این مقال به برخی از دستاوردهای کار در عرصه‌های دانش و اندیشه اشاره می‌شود:

#### □ - کشف استعداد

شهید مطهری می‌گوید: کار عامل کشف استعداد و ظهور قابلیت‌ها و توانمندی‌هاست، تا انسان دست به کاری نزند نمی‌تواند استعداد و توانمندی خود را کشف نماید، انسان با کار، خود را کشف می‌کند و کشف خویشتن بزرگترین موفقیت برای انسان است، چرا که وقتی انسان بکاری دست زد و خود را ارزیابی کرد متوجه شد که موفق نمی‌شود سراغ کار دیگری که باب میلش هست می‌رود انسان وقتی کار مطابق ذوق و میل خود را یافت به کارش عشق می‌ورزد و در آن کار حتماً موفق می‌شود در چنین شغل‌هاست که ابتکار و خلاقیت رخ می‌دهد شاهکارها بوجود می‌آید پس یکی از فواید کار، یافتن ذوق و کشف استعداد و

## □ - کسب تجربه و مهارت

کار برای انسان مهارت به ارمغان می آورد. اینکه می بینیم هرچه زندگی بشر جلو تر می رود زندگی هاصنعتی تر و علمی تر می شود دلیلش اینست که رشد فعلی جامعه در همه بخش ها مرهون تجربیات گذشتگان است. انسان ها، در هر زمان، سر سفره انسان های پیشین می نشینند و کارها و تجربه های آنها را مورد استفاده قرار می دهند. از این اصل بدست می آید که کار برای انسان دانش و تجربه و مهارت به ارمغان می آورد.

## □ - رشد علمی

تاکنون هر چه از کار و فعالیت سخن به میان آمد سراغ امور اقتصادی رفتیم، گفتیم کار عامل افزایش سرمایه است. کار بیشتر، رشد اقتصادی بدنبال دارد. مردم در پرتو کار، آسایش و رفاه خواهند داشت و... اما کار فقط مربوط به امور مادی و اقتصادی نیست، برای اینکه نیازهای انسان منحصر در امور مادی نیست! بسیاری از نیازهای انسان روحی و معنوی است، اساسا آرامش و آسایش واقعی، با آرامش روحی و روانی میسر می باشد. انسان هابیش از آنچه با امور مادی سر و کار داشته باشند با معنویت و امور دینی ارتباط دارند. آنچه چیزی که بیش از هر چیزی جوامع را رشد می دهد علم و فرهنگ است، حتی رشد اقتصادی نیز از ثمرات فعالیت علمی به شمار می آید، علم و فرهنگ، موتور حرکت یک ملت محسوب می شود بنابراین باید کار و تلاش خستگی ناپذیر مردم به سوی حرکت های علمی سوق داده شود. ثابت شده است که رشد علمی کلید

فتح قله های رفیع جهان است.

## □ - نقش ایرانیان در گسترش علم و ایمان

پایه های مکتب اسلام بر روی دو عنصر علم و معنویت استوار شده است. بر اساس شواهد تاریخی و باورهای دینی، ملت ایران در رشد علمی و تفوق و برتری فرهنگ و پابندی به ارزش های اخلاق و ایمان باید سرآمد ملت ها بوده باشد. سند ما در این خصوص بیانات خود رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام می باشد که در منابع معتبر نقل شده است:

\* - نقل شده است: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله آیه «...وَإِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالِكُمْ»<sup>۱</sup> را تلاوت کردند، برخی از اصحاب پرسیدند یا رسول الله! آنها چه کسانی هستند که اگر ما از دین، روی برتافتیم آنها جایگزین ما می شوند؟ آن هنگام سلمان رضی الله عنه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله قرار داشت، حضرت دستش را بر روی دوش سلمان گذاشت و در جوابشان فرمود:

هَذَا وَ قَوْمُهُ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مَنُوطًا بِالشُّرْيَا لَسْتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ.<sup>۲</sup>

این مرد و قومش، قسم بخدایی که جانم در دست اوست اگر ایمان در ثریا

۱- سوره محمد صلی الله علیه و آله ۳۸. و اگر روی برتایید (خدا) جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود.

۲- تفسیر مجمع البیان، ۹ ص ۱۶۴. تفسیر المیزان، ۱۸ ص ۲۵۰.



باشد مردانی از فارس به آن دست پیدا خواهند کرد.

\* - در روایت دیگر فرمود: لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَأَتَنَا لَهُ الْعَرَبُ لِنَائِهِ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ.<sup>۱</sup> اگر ایمان در ثریا باشد عرب به او دست نمی یابد ولی مردانی از فارس به آن دست پیدا خواهند کرد.

\* - مرحوم علامه طبرسی در تفسیر آیه إِنَّ يَشَاءُ يُدْهِبَكُمْ أَهْلِهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخِرِينَ...<sup>۲</sup> می گوید: منظور از «آخرین» یعنی قوم دیگری غیر از شما را می آورد که رسول خدا ﷺ را یاری می نمایند. نقل شده است وقتی این آیه شریفه نازل شد پیامبر دستش را بر پشت سلمان زد و فرمود: آنان قوم این مرد هستند یعنی عجم از فارس.<sup>۳</sup>

همچنین، نامبرده در تفسیر آیه مبارکه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزْتَدْ مِنْكُمْ عَن دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ...»<sup>۴</sup> می گوید: وقتی این آیه نازل شد رسول اکرم ﷺ اشاره کرد به جناب سلمان و فرمود: لَوْ كَانَ الدِّينُ مُعَلَّقًا بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنْ أَسْنَاءِ فَارِسٍ.<sup>۵</sup>

۱- کنز العمال، حدیث ۲۹.

۲- سوره نساء ۱۳۳. ای مردم، اگر (خدا) بخواهد، شما را (از میان) می برد و دیگران را (پدید) می آورد، و خدا بر این (کار) تواناست.

۳- تفسیر مجمع البیان، ۳ ص ۱۸۷.

۴- سوره مائده ۵۴. ای کسانی که ایمان آورده اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی (دیگر) را می آورد که آنان را دوست می دارد و آنان (نیز) او را دوست می دارند.

۵- تفسیر مجمع البیان، ۳ ص ۳۲۱.

اگر دین در ثریا باشد حتما مردانی از فرزندان فارس به دست پیدا می کنند. \* - در روایت دیگری آمده است ابو هریره گفت: هنگامی که سوره جمعه نازل شد، رسول خدا آن را برای ما که گروهی نزد آن حضرت بودیم قرائت کرد وقتی رسید به آیه «...وَ آخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ...»<sup>۱</sup>

یک نفر گفت: آنان چه کسانی هستند که هنوز به ما نپیوسته اند؟ رسول خدا دستش را بر سر سلمان گذاشت و فرمود: قسم بخدایی که جانم در دست اوست اگر ایمان در ثریا باشد مردانی از اینان به آن دست پیدا خواهند کرد.<sup>۲</sup>

ایرانیان علاوه بر تفوق و برتری ایمانی، در عرصه های علم و دانش نیز باید پیشتاز باشند و قله های بلند علم و فن را فتح کنند، این نیز و عده ای است که رسول عالیقدر اسلام پیشگویی کرده است! آن حضرت در یکی از سخنانش فرمود:

لَوْ كَانَ الْعِلْمُ بِالثَّرِيَا لَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِّنْ فَارِسٍ.<sup>۳</sup>

اگر علم و دانش در ثریا هم باشد مردانی از فارس به آن می رسند.

برخی از پیشگویی های پیامبر اکرم هم اکنون تحقق یافته است، پرکاری و

۱- سوره جمعه، ۳. اوست که در میان بیسوادان فرستاده ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد... و (نیز بر جماعت هایی) دیگر از ایشان که هنوز به آنها نپیوسته اند.

۲- الدر المنثور، ۸ ص ۱۵۲. ۳- کنز العمال، ۳۴۱۳۱.

جهاد عملی و فرهنگی ملت ایران و قابلیت ذاتیش باعث شده است علم از دیگر مناطق گویج کرده و در ایران رحل اقامت بیافکند! امید است اندیشمندان فکور ایران با جهاد علمی خود منویات رسول اکرم و ائمه طاهرین علیهم السلام را بطور کامل به منصفه ظهور برسانند.

امام صادق علیه السلام فرمود: بزودی کوفه از اهل ایمان خالی می شود و علم همانند مار که در لانه اش مخفی می شود، در آن شهر مخفی می شود سپس در شهری بنام قم چهره خود را آشکار می کند و آنجا معدن (منبع جوشان) علم و فضیلت ها می شود بگونه ای که در روی زمین هیچ فردی از نظر دین مستضعف (محروم) نمی ماند حتی زنان پرده نشین نیز از علم و دین برخوردار می شوند، این زمان نزدیک ظهور قائم ماست که خداوند، قم و اهلس را در جایگاه حجت قرار می دهد بطوری که اگر چنین نباشد زمین اهلس را فرو خواهد برد و در روی زمین حجتی نخواهد بود، پس علم و دانش از قم به تمام نقاط شرق و غرب سرازیر می گردد و حجت خداوند بر همه مردم تمام می گردد بطوری که در روی زمین، کسی نمی ماند مگر اینکه علم و تعالیم دین به او می رسد آنوقت قائم علیه السلام ظهور می نماید.<sup>۱</sup>

به یقین، ملت ایران، این سربلندی را مرهون مجاهدت ها و تلاش های خستگی ناپذیر علمی و همچنین ایمان و فضیلت های اخلاقی خویش

است، کوشش های ملت ایران در عرصه های مختلف بویژه در ایمان و دانش، این ملت را زبان زد عام و خاص کرده است که در بسیاری از کتاب هایی که پیرامون سیره علمای اسلام برشته تحریر در آمده، به آن اشاره شده است از جمله، علامه شهید مرتضی مطهری رحمته الله علیه در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران، نقش بی بدیل ایرانیان در شکوفایی و گسترش دین اسلام و همچنین نقش عالمان ایران زمین در رشد و توسعه علوم دینی و پرکاری و همت والای اندیشمندان ایران در این زمینه را بر شمرده است. بسیاری از دانشمندان مشهور جهان ایرانی هستند و اختراعات و نوآوری های زیادی را تاکنون به ثبت رسانیده اند، علامه حسن زاده آملی می گوید: در یک مجله فرانسوی خواندم، هنگامی که اولین سفینه فضایی در کره ماه فرود آمد یک تابلو یاد بود به همراه فضانوردان بود که در آن نوشته شده بود ما این موفقیت را مرهون نظریات علمی اندیشمندان بزرگی هستیم از جمله دو تن از دانشمندان مسلمان به نام های ابن هیثم و شیخ طوسی که بدین وسیله از آنان قدردانی می نمایم.<sup>۱</sup>

آری، کار و تلاش، خاصیتش رشد و کمال است! بد نیست به جهاد علمی برخی از چهره های سرشناس اشاره شود که بهترین درس برای نسل امروز است:

□ ابو علی سینا، دانشمند شهیر جهان که کتاب قانونش در علم طب ده‌ها سال بلکه قرن‌ها متن درسی مجامع علمی جهان بوده و بنیان‌گذار فلسفه مشاء می‌باشد، یک ایرانی است. ایشان با اینکه مدتی نخست وزیر دولت سامانی نیز شد اما لحظه‌ای از کوشش علمی وی کاسته نشد، بگفته خودش تمام قله‌ها را در نور دید و با تلاش هایش تمام بندها گشوده شد جز بند اجل! امروز هرکس بتواند کتاب شفا و الاشارات و التنبیهاات ایشان را بفهمد مقام والایی در دانش فلسفه خواهد داشت.

□ - فارابی فیلسوف و دانشمند بزرگ ایرانی به دلیل فقر، شبها چراغی برای مطالعه نداشت و می‌رفت پشت پنجره همسایه می‌ایستاد و از نور خفیف چراغ‌گردسوز همسایه استفاده می‌کرد، اما با همین تلاش مجدانه خود، لقب معلم سوم بشر را به خود اختصاص داد.

□ - ابوریحان بیرونی از دانشمندان سرآمد قرن چهارم و پنجم است آن چنان پر تلاش بود که در تاریخش نوشته‌اند: هیچگاه قلم از دستش جدا نمی‌شد دائماً چشمش به مطالعه و ذهنش به تفکر مشغول بود. در تمام ایام سال فقط دو روز را تعطیل می‌کرد و بقیه ایام سال را به فعالیت‌های علمی اشتغال داشت آنچنان نشاط و روح علم آموزی داشت که در حال احتضار هم از کار علمی و پرسش و پاسخ دست نکشید.<sup>۱</sup>

۱- آورده‌اند: یکی از علما در لحظات آخر عمر ابوریحان به عیادت وی رفت، ابو ریحان در همان دقایق آخر عمر از او یک مطلب علمی پرسید، آن عالم با تعجب گفت: دیگر این حرف‌ها چه سود؟ ابوریحان گفت: می‌دانم در حال مرگ هستم اما

□ - در حالات مرحوم علامه امینی - مؤلف کتاب ارزشمند الغدیر - آمده است ایشان برای جمع آوری آراء کلیه اندیشمندان و ادیبان و سخنوران در خصوص غدیر خم به چندین کشور سفر کرد از جمله به هندوستان رفت و اهداف مورد نظرش را آنجا تعقیب کرد، بعد از بازگشت، یکی از دوستان از هوای هندوستان پرسید که آیا گرم بود یا خنک؟ می‌گویند ایشان نتوانست جواب بدهد! یعنی اینکه ایشان آنقدر عاشق کارش بود و بقدری مجدانه دنبال کارش بود که هوای سوزان - حدود پنجاه درجه - آن شهر را اصلاً حس نکرده بود.

□ - مرحوم بروجردی بقدری پر تلاش بود که خودش می‌گوید: در دوران جوانی در حوزه علمیه اصفهان مشغول تحصیل بودم گاه می‌شد، شب سرگرم مطالعه کتاب می‌گردیدم و آنچنان غرق در مطالعه می‌شدم که ناگهان صدای مؤذن که اذان صبح را می‌گفت مرا به خود می‌آورد.

کار کن کار، بگذر از گفتار

کاندر این راه کار باید کار

گفت، کم کن که من چه خواهم کرد

گوی کردم مگو که خواهم کرد

جهد بر تو است و بر خدا توفیق

زان که توفیق است جهد را رفیق

□ - مرحوم آیه الله بهاء الدینی می گوید: در جوانی حدود شانزده ساعت کار می کردم به کارهای فکری شوق بسیار داشتم به طوری که لحظه ای نمی آسودم و همیشه فکرم مشغول بود... فاصله حجره ام تا منزل بیش از هزار قدم نبود اما یک بار از مدرسه به منزل نیامدم و تمام وقت مشغول درس بودم مدرسه یا حرم محل دیدارم با خانواده بود مادرم رأس ساعت خاص که می دانست ساعت استراحت من است به مدرسه می آمد و همدیگر را می دیدیم برخی از چیزهای مورد نیاز را برایم می آورد و می رفت. در آن زمان عادت کردم قبل از اذان صبح بیدار شوم و تا هنگام طلوع آفتاب مشغول درس باشم بطوری که گاهی قبل از اذان صبح دو درس داشته و پس از اقامه نماز صبح دو درس دیگر. خورشید طلوع می کرد در حالیکه ما سه چهار مباحثه انجام داده بودیم. بعد از مدتی، تدریس من به همه مدارس قم کشیده شد و تدریس بسیار مرا خسته می کرد به طوری که ظهر که بر می گشتم نیرو و توان اینکه لباسهایم را از تن درآورم، نداشتم... ولی عشق و علاقه مرا همچنان سر پا نگه می داشت.

□ - در باره علامه طباطبایی گفته شده است:

ایشان، چون برخی از کتابهای مورد نیاز خود را نداشتم، برای مطالعه به کتابخانه می رفتم، گاهی اوقات همه می رفتند، وقت کتابخانه بپایان می رسید، متصدی اعلام می کرد وقت تمام است می خواهم درب کتابخانه را ببندم ایشان می فرمود: اگر ایراد ندارد شما درب را ببندید و بروید من داخل کتابخانه می مانم! متصدی هم، چنین می کرد، صبح که

می آمد درب کتابخانه را باز کند می دید سید محمد حسین طباطبایی همچنان مشغول مطالعه است.

□ - شهید مطهری سه برابر اساتید دانشگاه، کلاس داشت و در تحقیق هم لحظه ای نمی آسود. خودش گفته است که گاهی از فرط خستگی نه گوشم می شنید؟ و نه پاهایم تحمل توان مرا داشت. ایشان یکبار برای سخنرانی به جایی دعوت می شود با صداقت اعلام می کند چون برای سخنرانی باید بیست ساعت مطالعه کنم و اکنون وقت ندارم معذورم.

چو کوشش نباشد تن زورمند

نیارد سر از آرزوها بلند

که اندر جهان سود بی رنج نیست

کسی را که کاهل بود گنج نیست

مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای (دام ظلّه) فرمودند: باید کشور ایران از نظر رشد علمی بجایی برسد که مردم جهان برای بدست آوردن محصولات علمی ایرانیان مجبور شوند به کشور ما سفر کنند و زبان فارسی را بیاموزند. خوشبختانه با تلاش علمی اندیشمندان با ایمان ایران در خصوص دانش هسته ای، سلولهای بنیادی، شبیه سازی، ساخت و پرتاب ماهواره، صنعت دفاعی، دانش پزشکی و... روزنه های امید در این خصوص بوجود آمده و رسیدن به آن آرزوی مقدس خیلی دور از دسترس نیست!

□ - ضرورت کوشش برای گسترش فرهنگ قرآن و عترت بر اساس عقیده دینی ما، آینده جهان بدست حضرت ولی عصر علیه السلام امام شیعیان خواهد بود باید به حکومت واحده جهانی و پول واحد اسلامی و باز مشترک و جامعه ملل متحد اسلامی اندیشید و برای جهانی شدن فرهنگ تشیع و فرهنگ اهل بیت علیهم السلام تمهیدات لازم را فراهم نمود.

هم اکنون از ۹۰ کشور دنیا دانشجوی علوم دینی در ایران حضور دارند و تمام شیعیان دنیا چشم به ایران دوخته اند لازم است با تمام شیعیان دنیا ارتباط داشته و برای آنها شناسنامه صادر نمود و به تمام زبانها، فرهنگ و معارف شیعی را بوسیله ترجمه کتابها و شبکه جهانی اینترنت، و راه اندازی شبکه های مختلف صدا و سیما از طریق ماهواره، فرهنگ اهل بیت علیهم السلام را معرفی کرد، تا زمینه برای دولت یار فراهم گردد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

يُخْرِجُ نَاسًا مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَهُ لِمَهْدِي سُلْطَانَهُ.<sup>۱</sup>

مردمانی از مشرق خروج (قیام) می کنند و زمینه را برای حکومت مهدی فراهم می نمایند.

امام خمینی ره فرمودند: افتخار می کنیم که پیرو رسول خدا و آئین مترقی اسلام هستیم افتخار می کنیم که پیرو ۱۲ نور پاک (ائمہ اطهار) هستیم افتخار می کنیم که علی بن ابی طالب علیه السلام و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام

از ماست افتخار می کنیم که ما پیرو قرآنیم و نهج البلاغه را داریم! تاریخ، از پرکاری رسول خدا و اصحابش و از پرکاری علی بن ابی طالب و دیگر ائمه علیهم السلام مطالب شگفتی نقل کرده است، علی علیه السلام با آن همه مشغله، برخی از شبها هزار رکعت نماز می خواند، به دهها خانواده شبها مخفیانه شخصا غذا می برد، با دسترنج خود و پول حاصل از کار، هزار برده را خرید و آزاد کرد.

با تلاش و کوشش و همت مضاعف خود باغ های بزرگی را به ثمر رسانید و از محصول آن هر سال به صدها خانواده کمک می کرد.

امام حسین علیه السلام چون روح بزرگی داشت و دنیا و ما فيها نزد آنحضرت بسیار حقیر و ناچیز بود، اهداف آن حضرت نیز بسیار بزرگ و متعالی بود، روح بلندش اجازه نمی داد، افراد پست و بی شخصیتی چون معاویه و فرزند ناپاکش مقدرات جامعه اسلامی را بدست بگیرند. از رهگذر این روح بلند و آسمانی، آنحضرت سخنی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز نقل نموده است در خصوص تعالی روح است: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مَعَالِيَ الْأُمُورِ وَ يَكْرَهُ سَفْسَافَهَا.<sup>۱</sup>

خداوند امور برتر و ارزشمند را دوست می دارد و از امور پست و بی ارزش بدش می آید.

امام صادق علیه السلام به تنهایی دانشگاه بزرگی را براه انداخت و چهار هزار



شاگرد مانند زراره و محمد بن مسلم و ابوبصیر در علوم حدیثی و هشام بن حکم در حکمت و جابر بن حیان در شیمی و... تربیت کرد که هر کدام از آنها پدر آن علم در جهان شناخته می‌شوند.

این مکتب، مکتب قرآن است که آخرین کتاب آسمانی است و تمام نیاز بشر را در خود جای داده است، باید با تدبر و اندیشه مضاعف، زوایای آن را شناخت و وادی‌های کشف نشده را پیدا کرد. این، نیاز به کار و تلاش عالمانه دارد.

اسلام، مکتب عدل و علم و معنویت و کار است. در گذشته، اولین‌ها و برترین‌ها مال مسلمین بوده است. این دین در همه عرصه‌های معنوی و انسانی، کامل‌ترین، جامع‌ترین، معقول‌ترین، انسانی‌ترین، منصفانه‌ترین، رشد دهنده‌ترین تعالیم را داشته است. باید با کار و تلاش مضاعف این واقعیات را جامه عمل پوشانید.

\*\*\*

زندگی رهبران و بزرگان فکری و فرهنگی، سیاسی و اجتماعی یک ملت، نقش بسیار مؤثر در اندیشه و عمل آن ملت دارد چون همه انسان‌ها برای رسیدن به کمال و اهداف بلند در تکاپو هستند یکی از راه‌های نیل به اهداف متعالی، الگوپذیری از افراد مؤثر جامعه است.

شاید به همین دلیل گفته شده است:

«الناس علی دین ملوکهم». مردم بر آیین رهبران‌شان هستند.

از این رو پیامبر اسلام از مردم بی‌سواد و بدوی و از مردم بت‌پرست، انسان‌هایی با افکار بلند و جهانی تربیت نمود.

در کتاب نصیحة الملوک می‌گوید: حکیمان گفته‌اند: که خوی رعیت از خوی مَلِک زاید که مردم عامه تنگ چشم و بدکردار از ملوک شوند، از آنکه خوی ایشان گیرند.

چون همت «ولید بن عبدالملک» کاشتن و آبادانی بود، مردم زمانش همه به ساختن و آباد کردن و احداث باغ روی آوردند.

اما «سلیمان بن عبدالملک» آدم خوش‌گذران و عیاشی بود در روزگارش مردم نیز آنگونه شدند.

همت «عمر بن عبدالعزیز» عبادت و خداپرستی بود. در عصرش کار مساجد و عبادت‌گاه‌ها رونق گرفت و قرائت قرآن و امور خیریه و ... رواج چشمگیری یافت. بر همین اساس علی ع فرمود: «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ»<sup>۱</sup>.

چون پادشاه عوض شود (شرایط حاکم بر) زمانه نیز برمی‌گردد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

کار و تلاش، علاوه بر ارزش ذاتی، ارزش غیر (مقدمی) نیز دارد زیرا وقتی کسی کار مفید و درآمدزا داشته باشد، از رونق اقتصادی و سرمایه مادی نیز برخوردار می‌شود و طبیعتاً در رفاه و آسایش خواهد بود. کار و کوشش، انسان را به خودکفایی می‌رساند، انسان‌ها در پرتو کار مفید می‌توانند به خود متکی باشند، استقلال پیدا کنند و وابستگی خود را از دیگران قطع نمایند. به نظر می‌رسد هیچ چیزی شیرین‌تر از این نباشد که انسان حاصل دسترنج خود را با افتخار خرج کند و برای تامین مخارج زندگی خود به دیگران محتاج نباشد. احتیاج، انسان را حقیر می‌کند مخصوصاً اگر احتیاج، شکل عمومی به خود بگیرد و یک کشور یا ملتی به بیگانگان وابسته باشد.

امام علی علیه السلام فرمود: **الْغِنَى الْأَكْبَرُ الْيَأْسُ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ**<sup>۱</sup>.

بزرگترین بی‌نیازی، نومیدی از آنچه در دست مردم است.

استقلال و قطع وابستگی از بیگانگان یک دستور دینی است.

در آیات نورانی قرآن نسبت به حفظ و حراست از حیثیت سیاسی و

□ - کار، عامل استقلال و خودکفایی

اجتماعی مسلمانان تاکید زیادی صورت گرفته است. قرآن می‌گوید هرگز نباید کفار به شما سلطه داشته باشند! وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا<sup>۱</sup>

شما نباید کوچکترین تمایل ذلت بار به سوی ستمگران و زورگویان داشته باشید. وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا<sup>۲</sup>

و هرگز آنان را برای خود به عنوان دوست برنگزینید!

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ<sup>۳</sup>

زیرا آنها از شما راضی نخواهند شد مگر اینکه دین و ایمانتان را از شما بگیرند. وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ<sup>۴</sup>

قرآن، به نبی اکرم و متعاقبا به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که هرگز نباید از مرام و شیوه زندگی کفار و منافقان و معصیت‌گران پیروی نمایند.

وَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ<sup>۵</sup>

شاهبیت همه این تاکیده‌های مقدس اینست که مسلمانان و پیروان راستین

۱-سوره نساء، ۱۴۱.

خداوند هرگز بر (زبان) مؤمنان، برای کافران راه (تسلطی) قرار نداده است.

۲-سوره هود، ۱۱۳. و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید.

۳-سوره نساء، ۱۴۴.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید.

۴-سوره بقره، ۱۲۰.

و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی‌شوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی.

۵-احزاب، ۱. فرقان، ۵۲. انسان، ۲۴.

پیامبر ﷺ باید روی پای خود بایستند و از وابستگی به بیگانگان در شکل‌های مختلف پرهیز نمایند.

برای رسیدن به استقلال همه جانبه ابتدا باید به عنایت و امداد الهی چشم بدوزیم. امام علی علیه السلام: به ابوذر فرمود: اگر دوست داری غنی‌ترین مردمان باشی باید به آنچه نزد خداست بیشتر از آنچه نزد خود داری اعتماد داشته باشی!<sup>۱</sup>

دیگر اینکه با استفاده از نیروی فکری و سرمایه‌های مادی و معنوی که خداوند در اختیار این ملت قرار داده است باید عزم خود را برای کار و تلاش جزم کرده و خود را از بیگانگان بی‌نیاز کنیم.

جبرئیل به نبی اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله! شرافت مرد در گرو شب زنده داری و عزتش مرهون بی‌نیازی از مردم است.<sup>۲</sup>

امام باقر علیه السلام فرمود:

«خَيْرُ أَمْوَالِ الثَّقَةِ بِاللَّهِ وَالْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ»<sup>۳</sup>.

بهترین سرمایه، اعتماد به لطف خدا و چشم پوشی از اموال مردم است.

خدا آن ملتی را سروری داد

که تقدیرش به دست خویش بنوشت

۱- إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْتَقِ مِنْكَ بِمَا فِي يَدِكَ. مكارم الأخلاق، ۳۷۶.

۲- إِنْ شَرَفَ الرَّجُلِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزَّةُ إِسْتِغْنَاؤِهِ عَنِ النَّاسِ.

۳- وسائل الشیعه، ۶، ۳۱۵.



به آن قومی سر و کاری ندارد

که دهقانش به دست دیگری کشت  
عَبْدُ الْأَعْلَى مَوْلَى آلِ سَامِ گفته است: در یک روز گرم تابستان در باغ‌های  
اطراف مدینه با امام صادق علیه السلام روبرو شدم گفتم: یابن رسول الله! شما نزد  
خدا مقام زیادی دارید و از فرزندان رسول خدا هستید آنوقت در چنین  
ساعتی این گونه خود را برای دنیا به زحمت می‌اندازید؟ امام فرمود: در  
چنین ساعتی آدم کار کنم تا از شماها بی‌نیاز باشم.<sup>۱</sup>

مسلم استی بی‌نیاز از غیر شو اهل عالم را سراپا خیر شو  
پیش منعم شکوه گردون مکن دست خویش از آستین بیرون مکن  
چون علی در ساز با نان شعیر گردن مرحب شکن خییبر بگیر<sup>۲</sup>  
امام علی علیه السلام فرمود: به هر کس بخشش کنی آقايش می‌شوی و به هر  
کس محتاج شوی اسپرش می‌گرددی و از هر که بی‌نیاز باشی، همانندش  
می‌شوی.<sup>۳</sup>

آن حضرت به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید:

مرگ آری اما تن به پستی دادن هرگز، قناعت به کم آری ولی دست  
نیاز به سوی دیگری هرگز!<sup>۴</sup>

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۱۹. ۲- اقبال لاهوری.

۳- اُمْنُنُ عَلِيٍّ مَنْ شِمْتُمْ تَكُنُّنُ أُمَيْرَهُ وَاحْتِجَّ إِلَى مَنْ شِمْتُمْ تَكُنُّنُ أَسِيرَهُ وَاسْتَعْنِ عَمَّنْ  
شِمْتُمْ تَكُنُّنُ نَظِيرَهُ. بحار الانوار، ۷۷ ص ۴۰۰.

۴- اَلْمَنِيَّةُ وَ لَا الدَّنِيَّةُ وَ التَّقَلُّلُ وَ لَا التَّوَسُّلُ. نهج البلاغه، حکمت، ۳۹۶.

اگر استقلال خواهی در انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک شعار و حرکت  
محوری مطرح شد و به عنوان بهترین ارمغان امام راحل و انقلاب اسلامی  
به ملت ایران تقدیم گردید از این روست که تجربه کشورهای ثابت کرده  
است که با وجود سلطه و نفوذ بیگانگان، هیچ کشوری رشد نخواهد کرد  
و مردم هیچ سرزمینی به اهدافشان نخواهند رسید.

با وجود پشتوانه فکری و فرهنگی، تاریخ و تمدن کهن دینی و افتخارات  
ملی، با وجود قرآن و نهج البلاغه و معارف عالیه دینی، با وجود رهبری  
چون امام علی علیه السلام که می‌فرمود: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي». از من (از هر  
چه می‌خواهید) بپرسید! پیش از آنکه مرا از دست بدهید.

و با وجود عنایات خداوندی و با داشتن فرهنگ مبتنی بر وحی آسمانی،  
نباید مسلمانان احساس کمبود نموده و خود را به دیگران وابسته بدانند.  
وابستگی از امور منفور در دین اسلام است، رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌گوید:

«مَلْعُونٌ مَنْ أَلْتَى كَلَّهُ عَلَى النَّاسِ».<sup>۱</sup>

ملعون است کسی که خود را سر بار دیگران قرار دهد.

حضرت عیسی علیه السلام می‌فرمود:

من بی‌نیازترین مردمانم! زیرا دستانم خدمت گذار، پاهایم مرکب،  
زمین بستر، سنگ بالشت زیر سرم می‌باشد، شب می‌خواهم در حالیکه  
چیزی ندارم صبح بیدار می‌گردم در حالیکه چیزی ندارم با این وصف

۱- وسایل الشیعه، ۱۲، ۱۸.

کسی در روی زمین از بی نیازتر وجود ندارد.<sup>۱</sup>

### □ - داستان کسی که از رسول خدا کمک خواست

در باره یکی از اصحاب رسول اکرم ﷺ آمده است: فقر و تنگدستی بر او چیره شده بود. در یک روز که حس کرد دیگر کارد به استخوانش رسیده، با مشورت و پیشنهاد زنش تصمیم گرفت نزد رسول خدا رفته و وضع زندگی خود را به آنحضرت توضیح دهد. با همین نیت نزد حضرت رسول رفت ولی قبل از آنکه حاجت خود را بگوید این جمله از زبان رسول اکرم ﷺ به گوشش خورد: مَنْ سَأَلْنَا أَعْطَيْنَاهُ وَ مَنْ اسْتَعْنَى عَلْنَا أَعْنَاهُ اللَّهُ.

هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی بی‌نیازی بورزد و دست حاجت پیش مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند!

آن روز چیزی نگفت. و به خانه خویش برگشت. باز با هیولای مهیب فقر که همچنان بر خانه‌اش سایه افکنده بود رو به رو شد، ناچار روز دیگر با همان نیت به مجلس رسول اکرم ﷺ حاضر شد، آن روز هم همان جمله را از رسول اکرم شنید که فرمود: هر کس از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می‌کنیم، ولی اگر کسی بی‌نیازی بورزد و دست حاجت پیش

۱ - خَادِمِي يَدَايَ وَ دَابَّتِي رَجَلَايَ وَ فَرَأْسِي الْأَرْضُ وَ وَسَادِي الْحَجَرُ... أَيْبْتُ وَ لَيْسَ لِي شَيْءٌ وَ أَصْبَحُ وَ لَيْسَ لِي شَيْءٌ وَ لَيْسَ عَلَيَّ وَجْهِ الْأَرْضِ أَحَدٌ أَعْنَى مِنِّي.

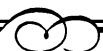
مخلوقی دراز نکند، خداوند او را بی‌نیاز می‌کند! این دفعه نیز بدون اینکه حاجت خود را بگوید، به خانه خویش برگشت. و چون خود را همچنان در چنگال فقر، ضعیف و ناتوان می‌دید، برای سومین بار با همان نیت به مجلس رسول اکرم ﷺ رفت، باز هم لب‌های رسول اکرم به حرکت آمد، و با همان آهنگ - که به دل، قوت و به روح، اطمینان می‌بخشید - همان جمله را تکرار کرد.

این بار که آن جمله را شنید، اطمینان بیشتری در قلب خود احساس کرد. حس کرد که کلید مشکل خویش را در همین جمله یافته است. وقتی که از آنجا خارج شد با قدم‌های مطمئن تری راه رفت. با خود فکر می‌کرد که دیگر هرگز به دنبال کمک و مساعدت بندگان نخواهم رفت. به خدا تکیه می‌کنم و از نیرو و استعدادی که در وجود خودم به ودیعت گذاشته شده استفاده می‌کنم، و از او می‌خواهم که مرا در کاری که پیش می‌گیرم موفق گرداند و مرا بی‌نیاز سازد.

با خودش فکر کرد که از من چه کاری ساخته است؟ به نظرش رسید عجالتاً این قدر از او ساخته هست که برود به صحرا و هیزمی جمع کند و بفروشد. رفت و تیشه‌ای عاریت کرد و به صحرا رفت، هیزمی جمع کرد و فروخت. لذت حاصل از دسترنج خویش را چشید. روزهای دیگر به این کار ادامه داد، تا تدریجاً توانست از همین پول برای خود تیشه و حیوان و سایر لوازم کار را بخرد. باز هم به کار خود ادامه داد تا صاحب سرمایه و غلامانی شد.

روزی رسول اکرم ﷺ به او رسید و تبسم کنان فرمود: نگفتم، هر کس  
از ما کمکی بخواهد ما به او کمک می دهیم، ولی اگر بی نیازی بوزد  
خداوند او را بی نیازی می کند!<sup>۱</sup>

□ - کار، عامل رفاه و آسایش خانواده



در راه خدا بیشتر است.<sup>۱</sup>

\* - نقل شده است امام سجاد علیه السلام (بسیاری از اوقات) اول صبح برای کار و طلب روزی بیرون می‌رفت، برخی از آشنایان می‌گفتند: یابن رسول الله چرا خود را به زحمت می‌اندازیدی؟ امام می‌فرمود: هرکس از راه حلال برای روزی و رفاه خانواده تلاش کند ثواب صدقه در راه خدا را دارد و من دنبال بدست آوردن این ثواب هستم.<sup>۲</sup>

\* - در حدیث معراج آمده است خداوند به حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: یا احمد! عبادت ده جزء دارد نه جزء آن طلب روزی حلال است. اگر خوردنی و نوشیدنی تو پاکیزه باشد، تو در پناه من خواهی بود.<sup>۳</sup>

\* - جمیل بن صالح از امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً» سؤال کرد امام فرمود: منظور از حسنه رضایت خدا و بهشت در آخرت و فراوانی روزی و آسایش زندگی و خوش اخلاقی در دنیا است.<sup>۴</sup>

همچنانکه تلاش برای آسایش خانواده با ارزش است بی توجهی به معیشت و رفاه خانواده نیز گناه بزرگ بشمار آمده است، پیامبر و ائمه

۱- الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ. وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۶۷.

۲- وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۶۸.

۳- یا احمد! إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةٌ أَجْزَاءُ تَسَعَةٌ مِنْهَا طَلَبُ الْحَلَالِ فَإِنْ أُطِيبَ مَطْعَمُكَ وَمَشْرَبُكَ فَأَنْتَ فِي حِفْظِي وَكَنْفِي. ارشاد القلوب دیلمی، ۲۰۳.

۴- وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۱۰.

یکی از وظایف انسان‌ها تلاش و کوشش برای تامین رفاه خانواده است. براساس سخن ائمه علیهم السلام از نشانه‌های سعادت یک مرد اینست که خداوند به او سلامتی بدهد تا برای عزت و آسایش خانواده خود تلاش کند تا آنان زیر بار منت کسی قرار نگیرند.<sup>۱</sup> در این زمینه هم سخنان پیامبر و ائمه اطهار، سرمشق ماست.

\* - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تلاش و کار برای رفاه خانواده را برابر با حضور در خط مقدم جبهه دانسته است: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»<sup>۲</sup> هر کس برای (زندگی آبرومندان) خانواده‌اش زحمت بکشد مانند مجاهدان راه خداست.

\* - جناب زکریا بن آدم که وکیل امام حسن عسگری علیه السلام در قم بوده و قبر مطهرش در قبرستان شیخان قم قرار دارد و به حضور چند امام معصوم شرفیاب شده است، از حضرت امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: هر کس از فضل و کرم الهی برای اداره زندگی خانواده‌اش مال طلب کند (یعنی برای رفاه خانواده‌اش تلاش و کوشش نماید) پاداشش از مجاهد

۱- مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ الْقِيمَ عَلَى عِيَالِهِ.

۲- وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۶۷.

اطهار ﷺ هر جا با خبر می شدند مردم نسبت به خانواده بی توجه هستند شدیداً برخورد می کردند و برای متوازن شدن زندگی مادی و معنوی مسلمانان دستورات لازم را می دادند.

\* - پیامبر اکرم ﷺ فرمود: **مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يُضَيِّعُ مَنْ يَعْوَلُ**<sup>۱</sup>.

ملعون است، ملعون است کسی که نسبت به خانواده خود بی توجه باشد و حق آنها را ضایع گرداند!

\* - نقل شده است: علی ﷺ در بصره به دیدار یکی از یارانش به نام «علاء بن زیاد حارثی» رفتند. وقتی وارد خانه علاء شدند دیدند ایشان خانه بزرگ و مجللی دارند فرمودند: با این خانه وسیع در دنیا چه می کنی در حالی که در آخرت به آن نیازمندتری؟ سپس فرمودند: البته اگر بخواهی می توانی با همین خانه به پاداش آخرت نیز بررسی! به اینکه در این خانه وسیع مهمانان را پذیرایی کنی، به خویشاوندان با نیکوکاری بیبندی، و حقوقی که برگردن تو است به صاحبان حق برسانی، پس آنگاه تو با همین خانه وسیع به آخرت نیز می توانی پردازای. علاء گفت: **يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُوا إِلَيْكَ أَخِي عَاصِمَ بْنَ زِيَادٍ!**

ای امیر مؤمنان من از دست برادرم عاصم بن زیاد به شما شکایت می کنم! حضرت فرمود: مگر چه کار کرده است؟ علاء گفت: **«لَيْسَ الْعِبَاءَةَ وَ تَخَلَّى عَنِ الدُّنْيَا»**. او یک عبا به دوش انداخته و ترک دنیا کرده است!

حضرت دستور داد عاصم را احضار کردند. وقتی چشم علی ﷺ به وی افتاد که با وضع درهم ریخته ای حاضر شده و به ژنده پوشی روی آورده است، به وی گفت:

«**يا عَدِيَّ نَفْسِيهِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ**». ای دشمنک جان خویش، شیطان (خبیث) تو را مورد اصابت تیرهایش قرار داده است.

آیا تو به زن و فرزندان رحم نمی کنی؟ تو می پنداری که خداوند نعمت های پاکیزه ای را حلال کرده اما دوست ندارد تو از آنها استفاده کنی؟ تو در برابر خدا کوچک تر از آنی که اینگونه با تو رفتار کند. عاصم گفت:

«**يا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي خُسُونَةِ مَلْبَسِكَ وَ جُسُوبَةِ مَا كَلِمِكَ**».

یا علی! شما به من ایراد می گیرید در حالیکه خشن ترین لباس را به تن دارید و نامطلوب ترین غذاها را میل می نمایید؟ حضرت در جوابش فرمود: من همانند تو نیستم، خداوند بر پیشوایان حق، واجب کرده که خود را با مردم ناتوان همسو کنند، تا فقر و نداری، تنگدستان را به ستوه نیاورد، و به طغیان نکشاند.<sup>۱</sup>

\* - ابو حمزه از امام باقر ﷺ نقل نمود که حضرت فرمودند: هر کس مال دنیا طلب کند تا از مردم بی نیاز شود و در راه رفاه خانواده اش مصرف نماید و به همسایه اش کمک و محبت نماید، خداوند را در روز قیامت



در حالی ملاقات می‌کند که صورتش مثل ماه شب چهارده می‌درخشد.  
امام صادق علیه السلام فرمود: لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يُحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ خَلَالِ يَكْفُ بِهِ  
وَجْهَهُ وَيَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَيَصِلُ بِهِ رَحْمَةً.<sup>۱</sup>

خیر و برکت نیست در وجود کسی که مال جمع نمی‌کند تا بدین وسیله  
آبروی خود را حفظ کند و بدهی خود را پرداخت نماید و با خویشان صله  
رحم نماید.

\* - می‌دانیم که یکی از توصیه‌های دین اسلام حفظ حریم خانواده است  
و برای ثبات خانواده راه‌های زیادی را ارائه داده است، از جمله اینکه  
توصیه می‌کند زن و مرد برای پیشبرد آرمان مشترک اعضای خانواده،  
نسبت به زندگی خود احساس مسؤولیت نمایند و لذا زن و مرد هر دو  
موظف به کار هستند منتهی کار به این صورت که در سیره خانواده نمونه  
تاریخ (یعنی زندگی حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام) آمده است.

امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام از بیرون خانه هیزم و آب به منزل  
می‌آورد و رُفْتُ و رُوب و نظافت را انجام می‌داد و همسرش حضرت  
زهرا علیها السلام گندم یا جو آرد می‌کرد و خمیر درست می‌کرد و نان  
می‌پخت.<sup>۲</sup>

همچنانکه در سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز آمده است: برخی از کارهای

۱- کافی، ج ۵ ص ۲۰.

۲- كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ علیه السلام يَخْتَطِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكْنُسُ وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام  
تَطْحَنُ وَ تَعْجِنُ وَ تَخْبِزُ. وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۴۰.

خانه مثل دوشیدن شیر از گوسفند را انجام می‌داد.<sup>۱</sup>  
عیاشی در تفسیر خود از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که  
فرمود: حضرت زهرا علیها السلام به علی بن ابی طالب ضمانت داد که کار و امور  
خانه را از قبیل: خمیر کردن، نان پختن، آب و جاروب خانه را بعهده  
بگیرد. حضرت علی هم ضمانت داد که امور خارج از خانه را از قبیل:  
آوردن هیزم و طعام عهده‌دار شود.

۱- كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله يَحْلُبُ عَنْزَ أَهْلِهِ.

## □ - کار، وسیله مبارزه با فقر و محرومیت

### و عامل توسعه خدمات اجتماعی

یکی از وظایف دولت و ملت، مبارزه با فقر و تهیدستی است، بسیاری از مفاسد و جرایم، ریشه در فقر و مشکلات اقتصادی دارد؛ فقر آتشی است که هر فرد و جامعه‌ای را نابود می‌کند. علی علیه السلام می‌فرماید:

«أَلَا وَإِنَّ مِنَ الْبَلَاءِ الْفَاقَةَ»<sup>۱</sup>. آگاه باشید فقر یکی از بلاهاست.

انسان فقیر، اگر از بنیة اعتقادی و اخلاقی و تربیت صحیح دینی برخوردار نباشد دست به هر جنایتی خواهد زد. «مَنْ لَا مَعَاشَ لَهُ لَا مَعَادَ لَهُ»<sup>۲</sup>. هرکس معاش ندارد، معاد ندارد. (یعنی شکم گرسنه ایمان ندارد).

زیرا تاثیر سوء فقر برای هر فرد، تنهاگرستگی نیست! بلکه بیشترین فشار فقر بر روح و روان انسان است که موجب ذلت و سرشکستگی و مطرود شدن از جامعه است. علی علیه السلام فرمود: «رَضِيَ بِالذُّلِّ مَنْ كَشَفَ عَنْ صُرَّةٍ»<sup>۳</sup>.

کسی که ناراحتی (نیازش) را فاش کند به ذلت خویش راضی شده است. آنچه شیران را کند روبه مزاج  
احتیاج است، احتیاج است، احتیاج است!

۱- نهج البلاغه، حکمت، ۳۸۸. -۲

۳- نهج البلاغه، حکمت، ۲.

تنها راه مبارزه با مفاسدی که ریشه در فقر دارد، اینست که به شیوه‌های مختلف، هزینه زندگی آنان تامین گردد. به نظر می‌رسد سالم‌ترین راه تامین زندگی هر فرد اینست که کار مناسب برای چنین افرادی فراهم شود. البته گروه‌هایی هم وجود دارند که قادر به کار و تلاش نیستند، باید نظام حکومتی در اندیشه آنان نیز باشد. علی عَلَيْهِ السَّلَامُ خطاب به مالک می‌فرماید:

«اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لِاحْيَلَةَ لَهُمْ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُخْتَجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًا...»<sup>۱</sup>

ای مالک!... خدا را! خدا را! در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند. از زمینگیر شدگان، نیازمندان، گرفتاران، دردمندان. همانا در این طبقه محروم گروهی خویشتن‌داری نموده، و گروهی به گدایی دست نیاز برمی‌دارند. پس برای خدا پاسدار حقی باش که خداوند برای این طبقه معین فرموده است. بخشی از بیت‌المال، و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترینشان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می‌باشی. مبادا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان بازدارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم، عذری برای ترک مسؤولیت‌های کوچک‌تر نخواهد

بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش، و از آنان روی برمگردان. به ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. در تاریخ زندگی پیامبر اکرم و ائمه اطهار نقاط برجسته‌ای از توجه به دردمندان و مستمندان به چشم می‌خورد. آن بزرگواران حتی از دادن نان شب و لباس تن خود به فقرا و نیازمندان کوتاهی نمی‌کردند، که به چند مورد اشاره می‌کنیم:

\* - ابو هریره گفته است: مردی نزد نبی اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و اظهار داشت من بسیار گرسنه هستم! رسول خدا قاصدی به منزل روانه کرد اهل منزل گفتند: ما غیر از آب چیز دیگری در منزل نداریم! رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به یارانش کرد و فرمود: «مَنْ لِهَذَا الرَّجُلِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ؟» چه کسی این مرد را امشب سیر می‌کند؟ حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ عرض کرد: یا رسول الله! من این کار را انجام می‌دهم آنگاه نزد حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَامُ آمد و فرمود: یا بنت رسول الله چیزی در منزل برای امشب داریم؟ حضرت زهرا گفت: غیر از غذای شب برای خود و بچه‌ها چیز دیگری نیست! «وَلَكِنَّا نُؤْتِرُ ضَيْفَنَا». اما مهمان را بر خود مقدم می‌داریم! علی عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: ای دختر پیامبر! چراغ را خاموش کن! (تا مهمان غذا را به راحتی میل کند) هنگامی که صبح شد علی عَلَيْهِ السَّلَامُ نزد پیامبر آمد و جریان دیشب را تعریف کرد در همین صحبت بودند که این آیه شریفه نازل شد:



«... وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»<sup>۱</sup>.

(کسانی هستند که) هر چند در خودشان احتیاجی (مبرم) باشد، نیازمندان را بر خودشان مقدم می‌دارند.<sup>۲</sup>

\* - أبو الطفیل می‌گوید: علی علیه السلام لباسی خریداری نمود و از آن بسیار خوشش آمد ولی بلافاصله آن را صدقه داد و گفت: از پیامبر شنیدم می‌فرمود: مَنْ آتَرَ عَلَىٰ نَفْسِهِ آتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْجَنَّةِ.<sup>۳</sup>

هر کسی ایثار نماید خداوند در قیامت او را برای بهشتش بر می‌گزیند.

\* - نقل شده است: یک نفر ۱۲ درهم به حضرت رسول صلی الله علیه و آله هدیه کرد تا برای خود لباس تهیه کند. آنحضرت با همراهی علی علیه السلام به طرف بازار حرکت کردند. در بین راه دختر بچه‌ای را در حال گریه دیدند از علت جویا شدند؛ وی گفت: مولایم چهار درهم به من داده بود برای منزل خرید کنم متاسفانه آن را گم کرده‌ام. حضرت چهار درهم از آن پول را به وی دادند و وارد بازار شدند. از بازار پیراهنی به چهار درهم خریداری نمودند. هنگام بازگشت در بین راه به فقیری برخورد کردند که عریان بود و تقاضای لباس داشت. آن پیراهن را به وی پوشانیدند. سپس به بازار برگشته و پیراهن دیگری به چهار درهم خریداری نموده و پیامبر اکرم آن را پوشیدند. هنگام بازگشت باز دیدند آن دختر بچه سر راه نشسته و گریه

۱- سورة حشر، ۹.

۲- نور الثقلین، ج ۵ ص ۸۷ و ج ۱ ص ۲۸۵.

۳- همان.

می‌کند از علت گریه سؤال کردند وی گفت: چون دیر کرده‌ام از مولایم می‌ترسم. پیامبر و علی علیه السلام آن دختر را همراهی کردند تا منزل آن مرد و درب منزل را زدند. پیامبر اکرم دوبار سلام داد ولی صاحب منزل جواب سلام را ندادند. بار سوم که حضرت سلام کرد، جواب دادند. حضرت وارد منزل شد و شفاعت دختر را کرد و پرسید با اینکه صدای ما را می‌شنیدید چرا جواب سلام را نمی‌دادید؟ صاحب خانه عرض کرد یا رسول الله چون صدای شما را شناختم عمداً دیر جواب دادم تا صدای شما را که به درود و رحمت الهی بلند شده بود، بیشتر بشنوم. و چون شما وساطت این کنیز را فرمودید نه تنها عذر دیرکردنش را پذیرفتم بلکه خودش را هم به شما هدیه کردم. پیامبر اکرم نیز همانجا آن کنیز را آزاد کرد و به علی علیه السلام فرمود: عجب دوازده درهم با برکتی بود که دو نفر برهنه را پوشانید مشکل بنده خدایی را حل نمود و برده‌ای را هم آزاد کرد.<sup>۱</sup>

\* - ابن عساکر از اصیغ بن نباته روایت کرده: مردی آمد و گفت: ای امیرمؤمنان مرا به تو حاجتی است و آن را پیش از آن که به تو گویم به خدا عرضه داشته‌ام اگر آن را برآوری خدا راستایش کنم و تو را سپاس گویم و اگر آن را برنیاوری خدا راستایش کنم و تو را معذور دارم. علی علیه السلام فرمود: حاجتت را بر زمین بنویس که دوست ندارم خواری خواهش

۱- داستان راستان شهید مطهری، ج ۲.

را در چهره‌ات بینم. آن مرد نوشت: من نیازمندم. علی علیه السلام فرمود: برایم حُلّه‌ای<sup>۱</sup> بیاورید، آوردند و آن مرد آن حُلّه را گرفت و پوشید و اشعار ذیل را بر زبان جاری ساخت:

۱ - كَسَوْتَنِي حُلَّةً تَبْلِي مَحَاسِنَهَا

فسوف أکسوک من حُسن الثناء حُللاً

۲ - إِنْ نِلْتَ حُسْنَ ثَنَائِي نِلْتَ مَكْرَمَةً

وَأَسْتَ تَبْعِي بِمَا قَدْ قُلْتَهُ بَدَلًا

۳ - إِنَّ الثَّنَاءَ لِيُحْيِي ذَكَرَ صَاحِبِهِ

كَالغَيْثِ يُحْيِي نَدَاهُ السَّهْلُ وَالْجَبَلَا

۴ - لَا تَزْهَدْ الدَّهْرُ فِي زَهْوِ تُوَاقِعُهُ

فَكُلُّ عَبْدٍ سَيَجْزِي بِأَلْدَى عَمَلًا

۱ - مرا حله‌ای پوشاندی که روزی جلوه‌اش کهنه می‌شود و من تو را حله‌ای از ثنای زیبا خواهم پوشاند.

۲ - اگر به ثنای زیبای من نائل شوی به مکرمتی دست یافته‌ای که به جای آن چیز دیگری نخواهی خواست.

۳ - ثنا و ستایش، یاد صاحبش را زنده می‌دارد مانند باران که کوه و دشت را از تری خود زنده می‌سازد.

۴ - به خاطر بزرگی که به دست می‌آوری به روزگار بی‌اعتنا مشو که هر

۱. حُلّه جمع حُلَل به معنای لنگ، قطیفه، که ساتر بدن باشد. الحُلَّة الرَّسْمِيَّة، لباس رسمی. (المنجد ماده حلل).

بنده‌ای به پاداش عمل خود خواهد رسید.

علی علیه السلام فرمود: برایم دینار بیاورید. صد دینار آوردند و همه را به سائل داد. اصبع گوید: من گفتم: ای امیرمؤمنان یک حله و صد دینار به او بخشیدی! فرمود: آری از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می‌فرمود: هر یک از مردم را در جای و منزلت خودش قرار دهید و منزلت این مرد در نزد من همین بود.<sup>۱</sup>

\* - شَعْبِي در یادی از حضرت امام علی علیه السلام گفت: اوسخی‌ترین مردم بود. او اخلاقی را که خدا دوست می‌دارد یعنی جود و بخشش را در خود داشت. هرگز به سائلی (نه) نگفت و دشمن سرسخت او که پیوسته در عیب‌گویی او می‌کوشید یعنی معاویه بن ابی سفیان، هنگامی که مَحْفَن بن ابی مَحْفَن ضَبِّي (برای خوشایند معاویه) به او گفت: از نزد بخیل‌ترین مردم آمده‌ام گفت: (وای بر تو چگونه او را بخیل‌ترین مردم می‌خوانی در صورتی که اگر دو خانه پر از طلا و گاه می‌داشت، چندان می‌بخشید که خانه طلایش پیش از خانه گاه تمام می‌شد. و اوست که بیت المال را می‌گرفت و در آن نماز می‌گزارد و اوست که گفت: ای درهم و دینارهای زرد و سفید، دیگری را بفریبید. و اوست که هیچ ارثی از خود باقی نگذاشت در حالی که همه دنیا بجز دارایی‌های شام در اختیار او بود.<sup>۲</sup>

\* - امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ‌گاه دو امر الهی بر علی علیه السلام وارد نمی‌شد

۱- تاریخ ابن عساکر، ۲۴۶.

۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱ ص ۲۲.

مگر آن که به دشوارترش تن می داد و تا در میان شما (مردم کوفه) بود از دسترنج خود ارتزاق می نمود و آن محصولی بود که از مدینه می آوردند. آن حضرت آرد سبوس گرفته را می گرفت و در کیسه ای می نهاد و سرش را مهر می نمود از بیم آن که مبادا چیزی غیر از آن بدان افزوده شود. به راستی چه کسی در دنیا پارسا تر از علی علیه السلام بوده است؟<sup>۱</sup>

\* - امام صادق علیه السلام فرمود: علی علیه السلام هزار برده را از دسترنج خویش و با پولی که از کار و تلاش بدست می آورد، آزاد فرمود<sup>۲</sup> و تا در میان شما (مردم کوفه) بود خوراکش خرما و شیر و پوشاکش کرباس بود. و آن گاه که ازدواج کرد برای حضرتش حجله ای آراستند حجله را درهم درید و فرمود: خانواده علی را همان که دارند بس است.<sup>۳</sup>

\* - یونس از امام صادق نقل کرد که به ایشان عرض کردم فدایت شوم شنیده ام در مورد در آمد چشمه موسوم به زیاد، عملی را انجام می دهید مایلم از خودتان بشنوم فرمود: بلی، وقتی میوه می رسد گفته ام چند جای دیوارهای باغ را بشکافند تا مردم بتوانند داخل شوند و از میوه آن بخورند. دستور داده ام ده لگن بزرگ بگذارند و بر سر هر لگن ده نفر بنشینند و بخورند وقتی آنها خوردند ده نفر دیگر برای هر نفر یک پیمانه خرما بریزند. برای همسایگان باغ از پیر مردها و پیره زنان و بچه ها و

۱- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱ ص ۸۱.

۲- أَعْتَقَ أَلْفَ مَمْلُوكَةٍ مِنْ كَدِّ يَدِهِ.

۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۱ ص ۹۲.

مریض ها و زنانی که نمی توانند بیایند بهر کدام یک پیمانه بدهند. وقتی محصول جمع آوری شد اجرت کارکنان و نگهبانان و مزد بگیران را می دهم بقیه را بمدینه می آورم تقسیم می کنم میان خانواده ها و مستحقین به هر کدام دو یا سه بار کمتر و بیشتر بمقدار احتیاج آنها بعد از تمام این مصارف برایم چهار صد دینار باقی می ماند، غله آن چشمه چهار هزار دینار است.<sup>۱</sup>

\* - یکی از یاران پیامبر می گوید: ما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم، پسر بچه ای خدمتش آمد، عرض کرد: کودکی یتیم هستم، و خواهری یتیم دارم، و مادری بیوه زن. از آنچه خدا به تو اطعام کرده به ما اطعام کن، تا خداوند از آنچه نزد او است آنقدر به تو بیخشد که خشنود شوی! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چه زیباگفتی ای پسر! سپس رو به بلال کرد و فرمود: برو از آنچه نزد ما است بیاور، بلال بیست و یک خرما با خود آورد پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: هفت دانه برای تو، هفت دانه برای خواهرت، و هفت دانه برای مادرت. معاذ بن جبل برخاست دستی بر سر کودک یتیم کشید گفت: خداوند یتیمی تو را جبران کند، و تو را جانشین صالحی برای پدرت سازد (کودک یتیم از فرزندان مهاجران بود). پیغمبر صلی الله علیه و آله رو کرد به معاذ و فرمود: انگیزه تو برای این کار چه بود؟ عرض کرد: محبت و رحمت بود. فرمود: هر کس از شما سرپرستی یتیمی را بر عهده گیرد، و

۱- زندگانی حضرت امام جعفر صادق علیه السلام، ص ۴۰.

حق آن را ادا کند، و دست بر سر یتیم کشد خداوند به عدد هر موئی حسنه‌ای برای او می‌نویسد، و به هر موئی سیئه‌ای از او محو می‌کند، و به هر موئی درجه‌ای به او می‌بخشد.

\* - ابن ابی الحدید (یکی از علمای معروف سنی) می‌گوید: روش امام علی علیه السلام در زندگی چنین بود که همواره روزه می‌گرفت و شکم تهی می‌داشت و زاد و توشه خود را به دیگران ایثار می‌نمود.

حضرت علی و فاطمه زهرا علیهما السلام به خاطر مریض شدن امام حسن و امام حسین علیهما السلام نذر کردند که اگر مریضی فرزندانشان بهبودی یابد سه روز روزه بگیرند. خداوند نذرشان را قبول نمود و آنان هم سه روز روزه گرفتند.

خانم فاطمه زهرا برای افطار چند قرص نان جو تهیه کرد، اذان مغرب شد و علی و خانواده‌اش بعد از نماز مغرب سر سفره محقرکه جز چند گرده نان جو چیز دیگری در آن نبود نشستند! روز اول مسکین، روز دوم یتیم و روز سوم اسیر آمد، علی و فاطمه و فضه و بچه‌ها سهم نان خود را به آنان دادند، براساس نقل معتبر و شواهد تاریخی این آیات در باره علی و خاندان ایثارگش نازل شده است:

«وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا...»<sup>۱</sup>

□ - کار، عامل توسعه کشاورزی



مزارع امکان پذیر می‌باشد.

بر اساس قانون شرع و در چارچوب ضوابط مشخصی، هرکس زمین موات را احیا کند مالک آن می‌شود. «مَنْ أَحْيَىٰ إِرْضًا مَيْتَةً فَهِيَ لَهُ». این ماده قانونی عامل تشویق است برای کسانی که بخواهند برای زراعت و باغداری و... روی زمین کار کنند.

بر اساس روایات، کشاورزی به منزله گنج بی پایان الهی و مؤثرترین عامل استقلال اقتصادی محسوب شده است. ائمه علیهم‌السلام سفارش‌های مهم و راه‌گشایی در این خصوص دارند که به برخی اشاره می‌شود:

\* - از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسیدند کدام سرمایه بهتر است؟ فرمود: محصولی که صاحبش از مزرعه بدست می‌آورد و حقش را هم روز درو پرداخت می‌کند.<sup>۱</sup>

\* - رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: هر مسلمانی درخت میوه‌ای یا محصولی بکارد و انسان یا پرنده یا حیوانی از آن بخورد برای آن کشاورز ثواب صدقه نوشته می‌شود.<sup>۲</sup>

\* - ابو سعید خدری از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل نمود، آن حضرت فرمودند:

مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا.<sup>۳</sup>

۱- بحارالانوار، ۱۰۳ ص ۶۴.

۲- مستدرک الوسائل، ۱۳ ص ۴۶۰. حدیث ۱۵۸۹۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۳.

کشاورزی و باغداری، یکی از منابع درآمدزا در همه کشورها بشمار می‌رود، چه بسا کشاورزی و باغداری در برخی از کشورها محور اصلی رشد و توسعه اقتصادی است. زیرا محصولات کشاورزی و باغی یکی از اقلام مهم تامین مواد غذایی کشور و یکی از اقلام صادراتی بشمار می‌رود، بررسی روایات نشان می‌دهد همین امر، یکی از اموری است که همواره مورد اهتمام پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم‌السلام نیز بوده است.

یکی از ابواب مهم فقه اسلامی را کتاب‌های مزارعه و مساقات و ابواب مربوط به زمین‌های موات و احیای اراضی تشکیل می‌دهد که حاکی از توجه کامل دین به مقوله کشاورزی و آباد کردن زمین و رشد اقتصادی است. بنابر یک تفسیر، آیه ذیل در خصوص اهمیت عمران و آبادی زمین نازل شده است.

«هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا».<sup>۱</sup>

او شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را از شما درخواست کرد.

آبادی روی زمین بوسیله آبادی شهرها و روستاها و احداث باغها و

۱- سورة هود، ۶۱.

هرکس درخت طلحه و سدره<sup>۱</sup> را آب دهد مانند اینست که مؤمنی را از تشنگی نجات داده است.

\* - در یکی از وصیت‌های علی علیه السلام در امور اقتصادی، که مربوط به حفظ باغات بوده آمده است: با کسی که این اموال در دست اوست شرط می‌کنم که اصل مال را حفظ نماید، تنها از میوه و درآمدش بخورند و اتفاق کنند، و هرگز نهال‌های درختان خرما را نفروشند، تا همه این سرزمین یکپارچه زیر درختان خرما بگونه‌ای قرار گیرد که راه یافتن در آن دشوار باشد.<sup>۲</sup>

\* - امیر المؤمنین علی علیه السلام می‌فرمود:

مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ.<sup>۳</sup>

هرکس به آب و خاک دسترسی داشته باشد و در اثر سستی و بی رغبتی، کار نکند و فقیر شود خداوند او را از رحمت خود دور می‌کند.

\* - یزید بن هارون واسطی می‌گوید: در باره فلاحین از امام صادق علیه السلام سؤال کردم حضرت فرمودند: فلاحین همان کشاورزانند که گنج‌های خداوند در روی زمین هستند و در میان کارها هیچ عملی نزد خدا بهتر از زراعت نیست. و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه به

کشاورزی اشتغال داشت مگر جناب ادریس که شغلش خیاطی بود.<sup>۱</sup>

\* - امام صادق علیه السلام فرمود: کشاورزان گنج‌های مردم هستند، مواد غذای پاک را می‌کارند و بعمل می‌آورند، آنان در روز قیامت، از همه مردم مقامشان بالاتر و جایگاهشان به خداوند نزدیکتر است و به آنها خطاب می‌شود شما مبارک (پر برکت) هستید.<sup>۲</sup>

\* - زراره از امام باقر علیه السلام نقل نمود که آن حضرت فرمودند: مردی علی علیه السلام را ملاقات کرد در حالیکه آن حضرت یک محموله (کیسه پر از هسته خرما) همراه داشت پرسید یا ابالحسن این چیست؟ حضرت فرمود: مِائَةُ أَلْفِ عَدْقٍ إِنْ شَاءَ اللَّهُ انشاء الله صد هزار نهال خرماست! سپس علی علیه السلام همه آنها را کاشت بدون استثنا همه آنها به درخت خرما تبدیل شدند.<sup>۳</sup>

۱- طلحه، درخت بزرگی است که در ریگزارها رشد می‌کند، در برخی نقل‌ها به اولین شکوفه خرما و موز نیز گفته شده است. سدره نیز درخت کنار است. همان درختی که برگ سدر از آن بدست می‌آید.

۲- نهج البلاغه، نامه ۲۴. ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۱.

۱- هُمُ الزَّارِعُونَ كُنُوزُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي السَّعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ مِنَ الزَّرَاعَةِ... وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۲.

۲- کافی، ۵ ص ۲۶۱. ۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۲.

## □ - نقش کار، در عرصه بازرگانی

می دانیم که بازرگانی و تجارت در همه کشورها یکی از منابع درآمد و عامل رشد اقتصادی است. رسول اکرم و ائمه علیهم السلام در این خصوص نیز رهنمودها و بیانات روشنگرانه و راهگشایی دارند که بد نیست به برخی از آنها اشاره کنیم:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برکت، ده جزء دارد نه جزء آن در تجارت و یک جزء در دامداری است.<sup>۱</sup>

علی علیه السلام در حدیث اربع مائة فرمود: مشغول تجارت (کسب) باشید زیرا که کسب، شما را از آنچه در دست دیگران است بی نیاز می گرداند.<sup>۲</sup> همچنین آن حضرت فرمود: تجارت نمایند خداوند به شما برکت می دهد زیرا من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: روزی ده جزء دارد نه جزء آن در تجارت و یک جزء در مشاغل دیگر است.<sup>۳</sup>

۱- رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: الْبَرَكََةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَعْشَارُهَا فِي التِّجَارَةِ وَالْعَشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ (الغنم). وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۱۱.

۲- تَعَرَّضُوا لِلتِّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غِنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۱۲. و کتاب خصال صدوق، ۶۲۱.

۳- اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الرَّزْقُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةٌ أَجْزَاءٍ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا. وسائل الشیعة، ج ۱۷ ص ۱۲.

امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس تجارت نماید از مردم بی نیاز خواهد شد. راوی می گوید: گفتم اگر چه عیال وار باشد بازی نیاز خواهد شد؟ فرمود: آری زیرا که نه دهم روزی در تجارت قرار داده شده است.<sup>۱</sup>

تجارت (بازرگانی، داد و ستد) در صورتی می تواند عامل شکوفایی اقتصادی شود که اصول علمی بر آن حاکم شود، که کنترل بازار و ایجاد امنیت برای سرمایه گذاری و حمایت دولت از بخش خصوصی از جمله آنهاست.

علی علیه السلام در خصوص امنیت بازاریان و اهمیت سرمایه گذاری به مالک می فرماید:

«ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتُّجَارِ وَ دَوَى الصَّنَاعَاتِ وَ أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا... فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ...»<sup>۲</sup>

«ای مالک! سفارش مرا نسبت به بازرگانان و صاحبان صنعت بپذیر، و آنها را به نیکوکاری سفارش کن، بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش، و آورندگان وسایل زندگی از نقاط دوردست و دشوار می باشند، از بیابانها و دریاها، و دشتها و کوهستانها، جاهای سختی که

۱- مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَعْنَى عَنِ النَّاسِ قُلْتُ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً قَالَ وَ إِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنَّ تِسْعَةَ أَعْشَارِ الرِّزْقِ فِي التَّجَارَةِ وَسَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ۱۷ ص ۱۲.

مردم در آن اجتماع نمی کنند، یا برای رفتن به آنجاها شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند، و از ستیزه جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی طلبند که فتنه انگیزی ندارند، در کار آنها بیاندیش چه در شهری باشند که تو به سر می بری، یا در شهرهای دیگر...»<sup>۱</sup>

یکی از نکاتی که در زمینه امور اقتصادی خصوصاً تجارت و داد و ستد، باید به آن توجه کرد اینست که دین اسلام خواهان رشد اقتصادی مردم و خواهان اینست که مردم در معاملات خود از سرمایه شان سود ببرند، منتهی دین اسلام با ربا و نزول خواری مخالف است و آن را عامل تورم و مفسد عدیده می داند. دین اسلام راه های زیادی را برای سودآوری معاملات که از سویی حلال باشد و نزول خواری بحساب نیاید و از سوی دیگر جامعه را به سمت رشد اقتصادی حرکت دهد پیشنهاد کرده است، یکی از روش های سود آور در اقتصاد بدون ربا، مضاربه است، مضاربه چنانکه در کتب فقهی مطرح شده عبارت است از اینکه عقدی بین دو نفر جاری شود مبنی بر اینکه پول از یک نفر و کار از نفر دیگر باشد سود حاصل از آن کار، بین دو نفر بر اساس مفاد قرار داد، تقسیم شود البته عامل باید این پول را در امر تجارت و خرید و فروش بکار گیرد و پول هم نقد، معلوم، و مقدارش معین باشد.<sup>۲</sup>

مضاربه نه تنها در عهد ائمه علیهم السلام دایر بوده بلکه این روش اقتصادی بدون

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- تحریر الوسیله حضرت امام خمینی علیه السلام ج ۱ ص ۶۰۸.



ربا از بیانات آن بزرگواران اتخاذ شده است که روایت ذیل به آن دلالت دارد:

محمد بن عذافر از پدرش نقل نمود که امام صادق علیه السلام هزار و هفتصد دینار به ایشان دادند و گفتند: با این پول برای من تجارت کنید سپس فرمودند: البته من خیلی دنبال سودش نیستم گرچه سود بردن از سرمایه امر مطلوب و پسندیده است بلکه منظور من اینست که امر خدا را اطاعت کرده و برای سود و فعالیت اقتصادی قدم برداشته باشم. وی می‌گوید: من با آن مبلغ، تجارت کردم و صد دینار سود بردم. وقتی امام را دیدم و این خبر را به امام دادم آن حضرت خیلی خوشحال شد فرمود: سهم من را (صد دینار را) به اصل سرمایه اضافه کن. محمد بن عذافر می‌گوید: بعد از مدتی پدرم از دنیارفت و آن مبلغ نزد پدرم بود، بعد از مدتی امام صادق علیه السلام نامه‌ای بدین مضمون برای من نوشت: خداوند ما و شما را عافیت دهد بدانکه من نزد ابو محمد (یعنی عذافر که پدر من بود) هزار و هشتصد دینار پول دارم که داده بودم با آن تجارت نماید، پس شما آن مبلغ را به عمر بن یزید بدهید. من به نوشته‌های پدرم نگاه کردم دیدم پدرم نوشته است از امام صادق علیه السلام نزد من هزار و هفتصد دینار پول هست که صد دینار نیز سود تجارت بود به آن اضافه شده است و عبد الله بن سنان و عمر بن یزید از این موضوع کاملاً خبر دارند.<sup>۱</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۴.

البته، بازرگانی و تجارت مستلزم وجود شرایطی است از جمله، امنیت برای سرمایه‌گذاری که متولیان امور اقتصادی باید آن را فراهم نمایند.

از نظر مکتب اسلام باید همه کسانی که مطابق شرع و قانون، سرمایه‌ای بدست می‌آورند احساس امنیت نمایند. بر این اساس هرگونه تجاوز به حریم اقتصادی مردم از نظر شرع اسلام حرام شمرده شده است. باید متولیان اداره جامعه با بکارگیری شیوه‌های علمی و اهرم‌های قانونی برای جلوگیری از همه اشکال ناامنی در زمینه‌های اقتصادی اقدام نمایند.

همچنانکه دین اسلام برای جلوگیری از سوء استفاده صاحبان سرمایه نیز طرح‌های حمایتی از عامه مردم را در دستور کار خود قرار داده است تا گروهی از سودجویان و صاحبان سرمایه‌های کلان، بوسیله قبضه بازار و گران‌فروشی و احتکار کالاهای اساسی و مورد نیاز مردم، موجب سلب آسایش مردم نشوند.

علی علیه السلام به مالک می‌فرماید:

«ای مالک! بدان با همه آنچه (در اهمیت بازاریان) گفتم، در میان آنان، گروهی تنگ‌نظر و بخیل وجود دارند که همواره در پی احتکار مواد مورد نیاز مردم و تسلط یافتن بر تمام معاملات هستند! و این موجب زیان توده مردم و عیب و ننگ بر زمام‌داران است. از احتکار به شدت جلوگیری کن زیرا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرمود. باید معاملات با شرایط آسان صورت گیرد، با موازین عادلانه و نرخ‌هایی که نه به فروشنده زیان برساند و نه خریدار! و هرگاه پس از نهی تو از

احتکار، کسی به چنین کاری دست بزند، باید او را کیفر کنی! و در مجازات او بکوشی ولی این مجازات نباید بیش از حد باشد»<sup>۱</sup>.

□ - کار، زمینه ساز تولید و رشد صنعتی

---

۱- وَأَعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا وَ شُحًا قَبِيحًا وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ وَ تَحَكُّمًا فِي الْبَيَاعَاتِ وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ وَ عَيْبٌ عَلَى الْوَلَاةِ.  
نهج البلاغه، نامه ۵۳.

حرفه‌ای بلد است؟ اگر جواب منفی بود پیامبر می‌فرمود: «سَقَطَ مِنَ عَيْنِي».

یعنی او از چشمم افتاد! می‌پرسیدند چرا یا رسول الله؟ می‌فرمود:

لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا لَمْ يَكُنْ لَهُ حِرْفَةٌ يَعِيشُ بِدِينِهِ.<sup>۱</sup>

چون مؤمن وقتی حرفه و صنعتی را بلد نباشد بوسیله دین ارتزاق می‌کند.

و می‌فرمود: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْمُخْتَرِفَ.<sup>۲</sup>

خداوند دوست دارد آن بنده با ایمانش را که حرفه و فن بلد است.

همین روش علم‌گرایانه و دانش‌محور در اداره امور جامعه را در سیره

علی عليه السلام نیز می‌بینیم، آن حضرت راه توسعه کشور را در علمی شدن

مدیریت آن می‌دانست و لذا وقتی مالک را به مصر فرستاد در منشور

حکومتی خود به وی نوشت: ای مالک!... با دانشمندان، فراوان گفتگو

کن، و با حکیمان، فراوان بحث کن، که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و

برقراری نظم و قانونی است که در گذشته نیز وجود داشت.<sup>۳</sup>

در بخش بازرگانی گفتیم که آن حضرت مخصوصاً در باره صنعت‌گران به

مالک سفارش نموده است. «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتُّجَّارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ وَ

أَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا...»<sup>۴</sup>

در زمان کنونی، زندگی مردم بسیار صنعتی شده است. چرخ‌های صنعت، در همه بخش‌های زندگی به حرکت در آمده و ماشین جای انسان را گرفته است. دیگر از آن مسافرت‌های طولانی با پای پیاده یا سوار بر حیوان در اکثر مناطق دنیا خبری نیست و از زحمات کاریدی در نگارش خط و ظریف‌کاری‌های هنری و کار کشاورزی و ساختمان‌سازی و راه‌سازی و... فقط نامی در کتاب‌ها می‌بینیم. صنعتی شدن زندگی، دست‌آورد رشد علمی بشر است. شاخص‌های اقتصاد جهانی نشان می‌دهد هر کشوری که توانسته از دانش فنی بیشتر و صنعت مدرن‌تر برخوردار باشد، سهم بیشتری از شکوفایی اقتصادی را به خود اختصاص داده است.

جای شگفتی است که پیامبر و امامان معصوم عليهم السلام در نظام اقتصادی اسلام، حرفه و دانش فنی را نیز یکی از عوامل رشد اقتصادی معرفی کرده‌اند. آن زمان که در هیچ جای دنیا کسی از الفبای دانش فنی خبری نداشت، اولیای دین، مردم را به حرفه‌آموزی و داشتن دانش و فن، تشویق نموده‌اند.

سیره‌نویسان در باره زندگی پیامبر اسلام نوشته‌اند که وقتی آن حضرت، کسی را می‌دید و از وی خوشش می‌آمد سؤال می‌کرد آیا کاری دارد و

۱- جامع الأخبار، ۳۹۰. ۲- کنز العمال، ۹۱۹۹.

۳- وَأَكْثَرَ مَدَارِسَةَ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَافَتَةَ الْحُكَمَاءِ فِي تَشْبِيهِتِ مَاصِلِحِ عَلَيْهِ أَمْرٍ بِإِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ، نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- همان.

امام صادق علیه السلام فرمود: راه رشد اقتصادی در عرصه‌های صنعتی در سه چیز است: ۱- تخصص و دانش فنی. ۲- امانت داری.

۳- جلب نظر مشتری و مصرف کننده.<sup>۱</sup>

برخی از کشورهای توسعه یافته، دقیقاً بار عایت همین سه امر شاهد رونق و شکوفایی اقتصادی هستند و بازارهای جهانی را قبضه کرده‌اند.

روایت بسیار معروفی هست که علمای دین در بخش اقتصاد اسلامی آن را مدار بحث‌های فقهی خود قرار داده و بسیاری از معضلات معیشتی جامعه را با تمسک به آن حل نموده‌اند و اولین و مفصل‌ترین روایتی است که مرحوم شیخ انصاری و بسیاری از مؤلفین کتب فقهی در بخش فقه اقتصادی به نقل از کتاب شریف تحف العقول آورده‌اند. و آن اینکه امام صادق علیه السلام در جواب سؤالی که پیرامون راه‌های امرار معاش و کسب و کار حلال، شده بود انواع روش‌های اقتصادی را بیان کردند از جمله به توضیح و تفسیر صنعت به طور مفصل پرداخته و فرمودند:

و اما تفسیر صنعت‌ها اینکه بدانید: هر چیزی را که انسان فرا بگیرد و به دیگران نیز بیاموزد از اقسام حِرَف و فُنون مانند نویسندگی، ریاضی (مهندسی)، تجارت، صنعت رنگ، معماری و خیاطی و تصویرگری و ساخت کلیه ابزارهای صنعتی که مورد نیاز بشر و موجب رشد اقتصادی و

۱- كُلُّ ذِي صِنَاعَةٍ مُضْطَرٌّ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ يَجْتَلِبُ بِهَا الْمَكْسَبَ وَهُوَ: أَنْ يَكُونَ حَادِقًا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّيًا لِلْأَمَانَةِ فِيهِ مُسْتَمِيلًا لِمَنْ اسْتَعْمَلَهُ. تحف العقول، ۳۲۲.

تأمین کننده نیازهای آنها باشد لازم است مردم دنبال آنها بروند.<sup>۱</sup>

### □ - کارگاه‌های تولیدی زود بازده

در برخی از کشورها بخش قابل توجهی از کالاهای مورد نیاز مردم در واحدهای صنعتی کوچک بلکه در کارگاه‌های کوچک، تولید می‌شود. براساس گزارش‌ها، برخی از کشورهای توسعه یافته، با ایجاد فرهنگ کار و تلاش، خانه‌های مردم را تبدیل به کارگاه‌های کوچک نموده و با تولید فراوان و ارزان قیمت جنس، بازارهای جهان را قبضه نموده‌اند. طرح صندوق مهر امام رضا علیه السلام و طرح‌های مشابه، اگر بدرستی اجرا و نظارت شود و برای بازار فروش محصول نیز چاره جویی شود می‌تواند در ایجاد فرهنگ کار و رونق اقتصادی و رفع بیکاری مؤثر واقع شود. کار در کارگاه‌های کوچک که در خانه‌ها و مغازه‌ها قابل انجام است سابقه چندین هزار ساله دارد و از مشاغل مقدس محسوب می‌شود، چرا که دو تن از پیامبران بزرگ الهی کارگاه تولیدی داشتند، یکی حضرت ادریس که از امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد مگر اینکه به کشاورزی اشتغال داشت الا جناب ادریس که شغلش خیاطی بود.<sup>۲</sup>

۱-... وَأَمَّا تَفْسِيرُ الصَّنَاعَاتِ: فَكُلُّ مَا يَتَعَلَّمُ الْعِبَادُ أَوْ يُعَلِّمُونَ غَيْرَهُمْ مِنْ صُنُوفِ الصَّنَاعَاتِ مِثْلَ الْكِتَابَةِ وَالْحِسَابِ وَالتَّجَارَةِ وَالصَّيَاغَةِ وَالسَّرَاجَةِ وَالْبِنَاءِ وَالْحَيَاكَةِ وَالْقَصَارَةَ وَالْخِيَاطَةَ وَصَنَعَةَ صُنُوفِ التَّصَاوِيرِ... فَحَلَالٌ فِعْلُهُ وَتَعْلِيمُهُ وَالْعَمَلُ بِهِ وَفِيهِ، لِنَفْسِهِ أَوْ لِغَيْرِهِ. تحف العقول، بخش مربوط به سخنان امام صادق علیه السلام.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۲.

دیگری حضرت داود چنانکه علی علیه السلام فرمود: خداوند به حضرت داود وحی نمود یا داود تو بنده خوب من هستی ولی عیب تو اینست که از بیت المال ارتزاق می کنی و خودت با دستان خود کاری انجام نمی دهی! داود به مدت چهل روز گریه کرد تا اینکه خداوند آهن را در دستان او نرم کرد، داود روزی یک زره می بافت و به هزار درهم می فروخت تا اینکه سیصد و شصت زره بافت و به سیصد و شصت درهم فروخت و از بیت المال بی نیاز شد.<sup>۱</sup>

همچنین در نهج البلاغه در بیان نقش الگویی انبیا می فرماید: و اگر می خواهی حضرت داود، صاحب نی های نوازنده، و خواننده بهشتیان را الگوی خویش ساز، که با هنر دستان خود از لیف خرما زنبیل می بافت، و از هم نشینان خود می پرسید چه کسی از شما این زنبیل را می فروشد؟ و با بهای آن به خوردن نان جوی قناعت می کرد.<sup>۲</sup>

□ - کار، در عرصه گردشگری

چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کرده‌اند آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند. بنابراین خدا بر آن نبود که به ایشان ستم کند، لیکن خودشان بر خود ستم می‌کردند.<sup>۱</sup>

\* - عبرت گرفتن از سرگذشت ستمگران تاریخ نیز یکی از درس‌های گردشگری در قرآن کریم است.

مگر در زمین نگشته‌اند، تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر (همین کیفرها در پیش) است.<sup>۲</sup>

قرآن کریم باد عوت از مردم برای مطالعه و تفکر در آثارگذشتگان ضمن آشنا نمودن با تمدن‌های پیشین، بدنبال آموزش برخی از اصول اعتقادی نیز هست و آن اینکه انسان با مشاهده آثار حکومت‌ها و قدرت‌های پیشین به ناپایداری دنیا پی می‌برد و متوجه می‌شود که نباید به خاطر ثروت و قدرت به خود مغرور شود و پا از گلیم بندگی خدا بیرون نهد.

آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ (آنها به مراتب از حیث تعداد)، بیشتر از آنان، و (از

۱- أو لم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کأنوا أشد منهم قوة و آثاروا الأرض و عمرها أكثر مما عمرها و جاتهم رسلهم بالبینات فما کان الله لیظلمهم ولكن کأنوا أنفسهم یظلمون. سورة روم، ۹. غافر، ۲۱. فاطر، ۴۴.

۲- أفلم یسیروا فی الأرض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم ذمّر الله علیهم وللكافرین أمثالها. سورة محمد ﷺ ۱۰.

یکی از توصیه‌های قرآن، گردشگری است. قرآن کریم، سیر در اعماق تاریخ و آثار بجا مانده از مردمان، حکومت‌ها و قدرت‌های تاریخ را به عنوان عامل روشنگری و عبرت آموزی انسان‌ها ذکر کرده و اکیداً توصیه می‌کند مسلمانان آثارگذشتگان را بدقت بنگرند، زیرا از دیدگاه قرآن، تاریخ و سرگذشت زندگی انسان‌ها و تمدن‌ها و حکومت‌های گذشته و دیدن آثار نیک و بد بجای مانده از آنان، بسیار آموزنده است.

\* - یکی از درس‌های تاریخ، گشوده شدن دریچه‌های معرفت به روی انسان است!

آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیاندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشم‌ها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است.<sup>۱</sup>

\* - یکی دیگر از جنبه‌های آموزندگی گردشگری، آشنا شدن با توانمندی‌ها و تمدن و آثار شکفت‌انگیز گذشتگان است.

آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند،

۱- أفلم یسیروا فی الأرض فتکون لهم قلوب یعقلون بها أو آذان یسمعون بها فانها لا تعمی الابصار ولكن تعمی القلوب التي فی الصدور. سورة حج، ۴۶.

حیث) نیرو و آثار در روی زمین، استوارتر بودند، و (الی) آنچه به دست می‌آوردند، به حالشان سودی نبخشید.<sup>۱</sup>

علی علیه السلام با همین هدف می‌فرماید:

ای بندگان خدا! شما را به پرهیزکاری و ترس از خدا سفارش می‌کنم، اگر راهی برای زندگی جاودانه وجود می‌داشت، یا از مرگ گریزی بود، حتما سلیمان بن داود علیه السلام چنین می‌کرد، او که خداوند حکومت بر جن و انس را همراه با نبوت و مقام بلند قرب و منزلت، در اختیارش قرار داد اما آنگاه که پیمان عمرش لبریز و روزی او تمام شد، تیرهای مرگ از کمان‌های نیستی بر او باریدن گرفت، و خانه و دیار از او خالی گشت، خانه‌های او بی‌صاحب ماند، و دیگران آنها را به ارث بردند.

آنگاه به قدرت‌های گذشته اشاره کرده و می‌فرماید:

ای مردم! برای شما در تاریخ گذشته درس‌های عبرت فراوان وجود دارد، کجایند عمالقه و فرزندانشان؟ (پادشاهان عرب در یمن و حجاز) کجایند فرعونها و فرزندانشان؟ کجایند مردم شهر رس (درخت پرستانی که طولانی حکومت کردند) آنها که پیامبران خدا را کشتند، و چراغ نورانی سنت آنها را خاموش کردند، و راه و رسم ستمگران و جباران را زنده ساختند. کجایند آنها که با لشکرهای انبوه حرکت کردند؟ و هزاران تن را شکست دادند، سپاهیان فراوانی گرد آوردند، و

۱- أفلم یسیروا فی الأراض فینظروا کیف کان عاقبة الذین من قبلهم کأنوا أكثر منهم وأشد قوة وآثارا فی الأراض فما أغنی عنهم ما کأنوا یتکسبون. سورة غافر، ۸۲.

شهرها ساختند؟<sup>۱</sup>

اکنون سخن ما در این است که می‌توان از توریسم به عنوان زمینه کار و فعالیت برای معرفی تاریخ و تمدن دینی و ملی استفاده کرد که خود عامل درآمد برای بسیاری از مردم می‌باشد. اما کارهای لازم در عرصه میراث فرهنگی و گردشگری رافهرست وار مورد اشاره قرار می‌دهیم:

- \* - معرفی مراکز تفریحی و سیاحتی کشور.
- \* - معرفی تاریخ و تمدن کهن دینی و ملی.
- \* - معرفی مساجد و ابنیه دینی و مذهبی و فرهنگی.
- \* - معرفی قنات‌ها (کاریزها) آب انبارها و...
- \* - معرفی غارها و آبشارها و رودها.
- \* - معرفی مناطق سرسبز و سواحل زیبای دریای شمال و جاذبه‌های دریای خلیج فارس و جزایر آن.
- \* - معرفی طبیعت جاندار و بیجان.
- \* - معرفی آب گرم‌ها و دعوت از مردم دنیا برای معالجه مرضی‌ها.
- \* - معرفی قابلیت‌های مردم ایران در صنایع دستی. چرا که از

۱- وان لکم فی القرون السالفة لعبرة. این العمالقة وأبناء العمالقة. این الفراعنة وأبناء الفراعنة. این أصحاب مدائن الرس الذین قتلوا النبیین وأطفأوا سنن المرسلین. وأحیوا سنن الجبارین. وأین الذین ساروا بالجیوش وهزموا الالوف. وعسکروا العساکر ومدنوا المدائن. نهج البلاغه، خطبة ۱۸۲.

قدیم گفته‌اند: هنر نزد ایرانیان است و بس. لازم است صنایع دستی که به نوعی صدور هنر نیز محسوب می‌شود مورد توجه جدی قرار گیرد مانند: آینه کاری، معماری، سفالگری، فرش، گلیم، تابلو فرش‌ها، قلم زنی خاتم کاری و کاشی کاری و سوزن بافی و...

\* - معرفی زیارت‌گاه انبیا<sup>۱</sup> و امام زادگان علاوه بر حرم مطهر

حضرت ثامن الحجج علی بن موسی الرضا علیه السلام

نکته‌ای که خیلی باعث تاسف است اینست که بسیاری از میراث دینی و فرهنگی و تاریخی ما که بسیار قدیمی و ذی‌قیمت هستند، نیاز به مرمت و بازسازی دارند ولی در اثر عدم توجه جدی در حال نابودی است تعداد قابل توجهی از مساجد و مدارس و کاروان‌سراها و آب انبارها و دیگر بناهای تاریخی که هرکدام به منزله یک کتاب بزرگ تاریخی است در اصفهان و شیراز و تبریز و قم و یزد و قزوین و ساوه و... بدون مراقبت و مرمت در حال فروریختن است، ما که نسبت به تمدن و گذشته غرورآمیز خود تعصب داریم لااقل به عنوان منبع درآمد به این ابنیه تاریخی و فرهنگی توجه کنیم! هرکدام از این ابنیه دینی و فرهنگی به اندازه یک بازار بزرگ، برای کشور درآمد دارند!

□ - کار، وسیله عمران و آبادی

۱- مزار ده نفر از پیامبران در ایران قرار دارد که لازم است به مردم دنیا معرفی شوند.



کشور در تلاش و کوشش باشند. اگر کسی پست و مقامی را تصاحب می‌کند نسبت به وظایف محوله و در قبال حقوقی که دریافت می‌کند مسؤول است. پدر و مادر نسبت به تربیت و آسایش، رشد و کمال فرزندان خود مسؤولند. آن حضرت در روایت دیگر فرمودند:

خداوند متعال از همه کسانی که مسؤولیتی بدوش گرفته‌اند پرسش خواهد کرد که آیا آن را بخوبی انجام دادند یا ضایع کردند! حتی از مرد پیرامون اهل بیت خود سؤال خواهد کرد.<sup>۱</sup>

همچنین علی علیه السلام مردم را در باره زندگی و آسایش خود و حتی آسایش حیوانات مسؤول شناخته و فرموده است: باید ب فکر خیر و سعادت خود و آسایش حیوانات باشید:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ السُّبُعِ وَالْبَهَائِمِ...»<sup>۲</sup>

از خدا بترسید، و تقوا پیشه کنید زیرا شما در پیشگاه خداوند، مسؤول بندگان خدا، و شهرها، و خانه‌ها و حیوانات هستید...

در ادامه این روایت می‌گوید: از خدا اطاعت کنید و از فرمان خدا سر باز مزیند، اگر خیری دیدید برای خود و دیگران برگزینید، و اگر شر و بدی دیدید از آن دوری کنید.

۱- إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى سَائِلٌ كُلَّ رَاعٍ عَمَّا اسْتَرْعَاهُ أَحْفِظَ ذَلِكَ أَمْ ضَيَّعَهُ حَتَّىٰ يَسْأَلَ الرَّجُلَ عَنِ أَهْلِ بَيْتِهِ. كنز العمال، ۱۴۶۳۶.  
 ۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۶۷.

نقش دیگری که کار، در زندگی انسان ایفا می‌کند عمران و آبادی محل سکونت است، روشن است که آبادانی محل سکونت مرهون کار و تلاش است که باید همه دست بدست هم بدهند و خرابی‌ها را بسازند. و از سوی دیگر وقتی ساکنان یک محل و اهل یک شهر و استان، دارای کار مؤثر و درآمد زا باشند می‌توانند شهر و محل زندگی خود را آباد کنند. هم اکنون می‌بینیم هر شهری که رشد اقتصادی بهتری دارد آبادتر است و مردم از رفاه بیشتر برخوردار هستند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از سخنان گهر بار خود فرمودند: كُلكم راعٍ وَ كُلكم مَسْئُولٌ عَنِ رَعِيَّتِهِ<sup>۱</sup> یعنی همه شما مسؤول هستید و در باره حوزه مسؤولیت خود مورد سؤال واقع خواهید شد. احدی حق ندارد نسبت به سرنوشت خود و کشورش بی تفاوت باشد، همه مسؤولیت دارند، دولتمردان نسبت به مردم مسؤولند و همه مردم نیز در باره سرنوشت خود و دیگران و حتی نظام حکومتی مسؤولیت دارند. همه موظف هستند در باره رشد و تعالی فردی و اجتماعی، عمران و آبادی

۱- إرشاد القلوب، ۱ ص ۱۸۴. صحیح مسلم، حدیث ۱۸۲۹.

با همین نگرش، حضرت علی علیه السلام در فرمان حکومتی خود به مالک اشتر، مهمترین وظیفه نظام حکومتی را در چهار بخش عنوان فرموده است:

۱- تنظیم و سامان دادن امور اقتصادی، بالا بردن سطح درآمد، مدیریت دخل و خرج و اصلاح معیشت مردم، (جَبَايَةَ خَرَاجِهَا).

۲- رسیدگی به مسایل فرهنگی و زمینه سازی برای رشد علمی و فکری مردم و ایجاد زمینه برای تربیت افراد و اصلاح جامعه و سوق دادن مردم به صلاحیت های اخلاقی و اجتماعی، (اِسْتِصْلَاحَ اَهْلِهَا).

۳- عمران و آبادی و توجه به رفاه عمومی و امنیت و آسایش مردم. (عِمَارَةَ بِلَادِهَا).

۴- پاسداری از ارزش های ملی و میهنی و باورهای اعتقادی و اخلاقی و تربیت نیروهای کارآمد نظامی برای دفاع از دین و میهن و مبارزه با دشمنان، (جِهَادَ عَدُوِّهَا).<sup>۱</sup>

با همین دیدگاه، مکتب اسلام پیروان خود را به توسعه همه جانبه زندگی توصیه نموده و از رُهبانیت و زندگی فردی و خزیدن در کُنُج انزوا پرهیز داده است.

تاریخ گواهی می دهد که با ظهور اسلام تمدن بزرگی در جهان بوجود آمد، از آنجا که مدنیت و زندگی پیشرفته همراه با امکانات مادی و

۱- «هذا ما أمر به عبدالله علي أمير المؤمنين مالك بن الحارث الأشتر في عهده إليه حين ولّاه مصر: جباية خراجها و جهاد عدوها و استصلاح أهلها و عمارة بلادها». (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

معنوی - توسعه یافتگی - است، لذا مکتب اسلام، مردم را به زندگی متمدن و همراه با رفاه و امکانات که در شهرهای بزرگ وجود دارد دعوت نموده است.

علی علیه السلام می فرماید: در شهرهای بزرگ سکونت کنید زیرا مرکز اجتماع مسلمانان است، و از جاهایی که مردم آن از یاد خدا غافلند، و به یکدیگر ستم روا می دارند، پرهیزید.<sup>۱</sup>

عمران و آبادی مملکت از نظر دین اسلام یک تکلیف عمومی است.

یکی از اصول توسعه همه جانبه، ایجاد رابطه صمیمانه فرهنگی و سنتی انسان با مملکت خویش است. بر این اساس در فرهنگ دینی به موضوع «حُبُّ الْوَطَنِ» توجه عمیقی صورت گرفته است. به گونه ای که از «حُبُّ الْوَطَنِ» به عنوان یکی از مظاهر و نشانه های ایمان نام برده شده است. «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ».<sup>۲</sup>

امام علی علیه السلام عمران و آبادی مملکت را تنها در سایه «حُبُّ الْوَطَنِ» میسر می داند: «عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِحُبِّ الْأُوطَانِ».<sup>۳</sup>

یعنی با عشق به وطن، مملکت آباد می شود.

قرآن کریم، ویژگی مهم مملکت سبأ - یکی از بلاد طیب یا آرمان شهرها و

۱- وَ اسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ. وَ أَحْذَرِ مَنَازِلَ الْعَفْلَةِ وَالْجَفَاءِ.

نهج البلاغه، نامه ۶۹.

۲- سفينة البحار، ص ۵۲۵. دوست داشتن وطن از ایمان است.

۳- بحار الانوار، ۷۸، ۴۵.

مملکت‌های ایده‌آل - را در توسعه یافته گی و داشتن شرایط مساعد زیستی و امنیتی معرفی می‌کند.

قطعا برای (مردم) سبا در محل سکونتشان نشانه (رحمتی) بود: دو باغستان از راست و چپ به آنان گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده.<sup>۱</sup>

بنابر دیدگاه قرآن کریم، ناسپاسی و قدرناشناسی از نعمت‌های خداوند و بی تفاوتی در باره سرنوشت خود و مملکت، همواره یکی از علل عقب افتادگی ملت‌ها بوده است. قدرناشناسی چه به معنای کفران نعمت یا به صورت کم‌کاری و یا آلودگی‌های اخلاقی و اجتماعی، هر کدام که باشد از نظر قرآن موجب انحطاط ملل و زوال تمدن خواهد گردید.

و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود (و) روزیش از هر سو فراوان می‌رسید، پس (ساکنانش) نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به (مردم) آن چسانید.<sup>۲</sup>

□ - نقش کار در افزایش درآمدهای مالیاتی

۱- سورة سبا ۱۵.

۲- وضرب الله مثلا قرية كانت آمنة مطمينة يأتيها رزقها رغداً من كل مكان فكفرت بأنعم الله فأذاقها الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون. سورة نحل ۱۱۲.

چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلابها، یا خشکسالی، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد. زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد. و رعیت تو را می‌ستایند، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد. و به افزایش قوت آنان تکیه خواهی کرد. بدانچه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت. آنگاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده‌شان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت. زیرا عمران و آبادی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند، و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند»<sup>۱</sup>

از دیرباز، مالیات بردرآمدها از سیستم‌های مهم تامین بیت‌المال و یکی از منابع مالی برای اداره کشور مد نظر حکومت‌ها بوده است. چنانکه در زمان حکومت رسول خدا ﷺ و علی علیه السلام نیز مالیات یکی از منابع درآمدی به شمار می‌آمده است.

علی علیه السلام در خصوص چگونگی اخذ مالیات و رعایت اصول اخلاقی، نکات ارزنده‌ای را به کارگزاران خود بیان فرموده است که به نظر می‌رسد عالی‌ترین راهکار در ترغیب مردم به پرداخت مالیات محسوب می‌گردد. «و تَفَقَّدْ أَمْرَ الْخُرَاجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَصَلَاحِهِمْ صَلَاحاً لِمَنْ سَوَاهُمْ...».

«ای مالک!... مالیات و بیت‌المال را بگونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات دهندگان باشد. زیرا بهبودی مالیات و مالیات دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد. تا امور مالیات دهندگان اصلاح نشود کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت. زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات دهندگانند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد. و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود خواهد کرد. و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد. پس اگر مردم شکایت کردند، از سنگینی مالیات، یا آفت‌زدگی، یا خشک شدن آب

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

## فصل دوم:

عوامل و شرایط

توسعه کار و تلاش

در این بخش بدنبال این هستیم بدانیم راه‌های ثمربخشی کار و فعالیت چیست؟ چه کنیم راندمان کار را بالا ببریم؟ چه کنیم از زحمت کم، نتیجه بیشتر عائدمان بشود؟ و چه راه‌هایی وجود دارد ما را از آسیب‌ها و اشتباهات در انجام کارها نگهداری نماید؟

طبعاً، کار همانند خیلی از برنامه‌های زندگی بشر باید از اصول و قواعدی پیروی کند، لازم است شرایط و مقدماتی فراهم گردد تا فعالیت‌های ما به نتیجه برسد.

خیلی امور را می‌توان از شرایط موفقیت در کار نام برد که به دلیل محدودیت فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود. در روایات و سخنان معصومین علیهم‌السلام نیز چند چیز به عنوان عامل موفقیت در عرصه‌های کار و تلاش و عامل ثمربخشی آن مورد اشاره و تاکید قرار گرفته است در این مجال کوتاه به برخی از آن عوامل، اشاره می‌کنیم:

#### □ - برنامه‌ریزی

شاید دیده باشید که برخی از افراد، خیلی کار می‌کنند، بقول خودشان از صبح تا شام می‌دوند، ولی باز نمی‌توانند زندگی خود را بخوبی اداره کنند، نه به عبادتشان به موقع می‌رسند و نه به آسایش اعضای خانواده می‌توانند

فکر کنند، از نظر مالی هم نابسامانی‌هایی دارند. تنها علتش اینست که به زندگی این طور افراد، برنامه حاکم نیست هر چیزی را باری به هر جهت انجام می‌دهند، نظم و انضباط ندارند. اما در مقابل کسانی هم هستند که به همه وظایف فردی و اجتماعی، مادی و معنوی خود قادر هستند و خود را خسته هم نمی‌کنند، چون همه کارها را بر اساس یک نظم و برنامه انجام می‌دهند.

\* - حضرت امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز از نشانه‌های مؤمن است:

۱ - برنامه ریزی نیکو برای معیشت (مخارج زندگی).

۲ - صبر و ایستادگی در برابر گرفتاری‌ها. ۳ - دین‌شناسی. آنگاه فرمود: خیری نیست در وجود کسی که در امور معاش خود مقصد نیست یعنی برای امور مالی زندگی خود برنامه ندارد و امورش را اصلاح نمی‌کند نه نسبت به دنیا و نه نسبت به آخرت.<sup>۱</sup>

\* - داود بن سرحان گفته است: دیدم امام صادق علیه السلام با دستان خودش خرماها را پیمانان می‌کند! گفتم فدایت شوم چرا به فرزندان یا غلامان خود دستور نمی‌دهید این کارها را انجام دهند؟ امام فرمودند: یا داود سه چیز است که عامل اصلاح زندگی مسلمان است (حتما باید آن را انجام دهد):

۱- مِنْ عَلَامَاتِ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثٌ: حُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَالتَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَقَالَ مَا خَيْرٌ فِي رَجُلٍ لَا يَفْتَنُ فِي مَعِيشَتِهِ مَا يَضْلُحُ لَا لِذُنْيَاهُ وَلَا لِأَخْرَجَتِهِ.

و مسائل الشيعة، ج ۱۷ ص ۶۶.

۱ - دین‌شناسی. ۲ - صبر و ایستادگی در برابر گرفتاری‌ها.

۳ - برنامه‌ریزی خوب برای امور مالی زندگی (معیشت).<sup>۱</sup>

\* - ذریح مُحَارِبِي از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمودند: وقتی خداوند به کسی بخواهد خیر برساند مدارا کردن در امر معیشت را روزیش می‌کند!<sup>۲</sup> (مدارا یعنی از روی برنامه و تعادل، به دخل و خرج زندگی پرداختن).

□ - کلان‌نگری و داشتن دید بلند

بلند نظری و داشتن دید وسیع و زیر نظر داشتن افق‌های دور، می‌تواند انسان را در عرصه‌های مختلف یاری کند، و لذا ائمه علیهم السلام در بسیاری از امور، مردم را به بلندنظری و همت و الاسفارش نموده‌اند. علی علیه السلام فرمود: لَا يَزُضُونَ مِنْ أَعْمَالِهِمُ الْقَلِيلَ.<sup>۳</sup>

با همین نگرش، امامان بزرگوار مردم را در امور مالی نیز به داشتن افکار بلند و ادار می‌کردند به عنوان مثال، زمین و خانه و باغ و... به عنوان سرمایه ثابت که باعث قوت بنیان اقتصادی است در سیره ائمه علیهم السلام بسیار مورد توجه بوده و لذا اصحاب خود را به خرید و فروش و نگهداری آن سفارش می‌کردند و نسبت به از دست رفتن آن هشدار می‌دادند.

۱- التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ.

و مسائل الشيعة، ج ۱۷ ص ۶۵.

۲- إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا رَزَقَهُمُ الرِّفْقَ فِي الْمَعِيشَةِ. و مسائل الشيعة ج ۱۷ ص

۶۶.

۳- نهج البلاغه، خطبة ۱۹۳. از اعمال اندک خود خشنود نمی‌شوند.

\* - امام صادق علیه السلام به یکی از اصحابش فرمود: **بَاشِرُ كِبَارِ أُمُورِكَ**.  
(در امور اقتصادی) به کارهای بزرگ اقدام کن و کارهای ریز و کوچک را به دیگران واگذار نما! وی پرسید مثلاً چکار کنم؟ امام فرمود: به معامله زمین پرداز.<sup>۱</sup>

\* - هارون بن جهم از امام صادق علیه السلام آورده است که به یکی از اصحابش فرمود: از دوره گردی و خرید و فروش اجناس کم ارزش دوری نما زیرا مسلمان، دین و شرافت دارد و انسان شرافتمند باید سراغ شغل‌های درآمد زا و با ارزش برود مانند خرید و فروش زمین و شتر و...<sup>۲</sup>

\* - ابان بن عثمان می‌گوید: امام باقر علیه السلام من را فرا خواند، وقتی محضرش رسیدم پرسید فلان کس زمینش را فروخت؟ گفتم بلی. امام فرمود: در تورات نوشته شده است: هر کس زمین یا آب را بفروشد و با پولش زمین یا (سهم) آب دیگری خریداری نکند پولش هدر خواهد رفت!<sup>۳</sup>

\* - **مُعَمَّرُ بْنُ خَلَادٍ** گفت: از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم می‌فرمود: مردی خدمت حضرت صادق رسید بعنوان خیر خواهی گفت: آقا چرا اموالت را پراکنده کرده‌ای اگر در یک جا جمع بود خرجش کمتر و نفعش بیشتر بود. امام فرمود بدان جهت پراکنده کردم که اگر آسیبی بیکی رسید دیگری سالم باشد! می‌دانم که در یک کیسه می‌توان تمام آن مال را جمع کرد.<sup>۴</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۳. ۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۳.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۱. ۴- زندگانی امام صادق علیه السلام ص ۴۱.

باید ملت ایران از نظر سیاسی و اجتماعی، به رهبریت فکری و فرهنگی جهان بیناندیشند، و از نظر علمی و تخصصی نیز به صدور دانش و تکنولوژی و در اقتصاد هم به قدرت اول جهان نظر بدوزند و برای نیل به این هدف عزم را جزم کنند قطعاً خواهند رسید.

### □ - استفاده از تجربیات دیگران

از دیدگاه علی علیه السلام هیچ اقدامی نباید بدون تجربه و آزمودن قبلی صورت بگیرد،<sup>۱</sup> چرا که تجربه و آزمودن کارها به ما قدرت انتخاب می‌دهد.<sup>۲</sup> ولی بدون آن ممکن است ما در کارها و انتخاب‌های خود دچار اشتباه شویم.<sup>۳</sup> همچنین کسانی می‌توانند در امور مختلف، دور اندیشی داشته و قادر بر نظریه پردازی باشند که از دانش و تجربه کافی برخوردار باشند.<sup>۴</sup> بررسی‌ها نشان می‌دهد ملت‌هایی که از تجربه و سابقه کار بیشتری برخوردار باشند، از دانش و نیروی فکری بالاتری برخوردار هستند. از دیدگاه علی علیه السلام گذشت روزگار و بدست آوردن تجربه‌ها عامل مؤثر در افزایش قدرت فکری و علمی است.<sup>۵</sup>

۱- لا تقد من علی أمر حتی نخبره. غرر الحکم، ۱۰۱۶.

۲- ثمرة التجربة حسن الاختیار. غرر الحکم، ۴۶۱۷.

۳- من قلت تجربه خدع، من کثرت تجربه قلت غرته. غرر الحکم، ۷۹۹۸.

۴- رأی الرجل علی قدر تجربه. غرر الحکم، ۶۲.

الظفر بالحزم والحزم بالتجارب. غرر الحکم، ۵۴۲۴.

علی علیه السلام: الأيام تفید التجارب. العقل غریزة تزيد بالعلم والتجارب.



آنگاه که علی علیه السلام می خواست مدیریت استان مصر را به مالک و اگذار نماید، یکی از توصیه‌های راهبردی آن حضرت به وی استفاده از نیروهای با تجربه در مدیریت‌های مختلف بود، فرمود:

کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و باحیا، از خاندان‌های پاکیزه و باتقوی، که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن.<sup>۱</sup>

در زمان حاضر می‌بینیم برخی از کشورها، پیشرفت‌های شایان توجه در عرصه‌های کار و تولید و رشد صنعتی و اقتصادی دارند، مشکل بیکاری را تا حدودی حل کرده‌اند و تولید ناخالص ملی و ذخایر ارضی را افزایش داده‌اند، بسیار لازم است از روش‌هایی که اتخاذ کردند و اصولی که پیروی نمودند، ما هم استفاده نماییم.

#### □ - دانش محوری

کار در صورتی مفید و نتیجه بخش خواهد بود که نیروی کار، از آموزش و تخصص لازم برخوردار باشد. دیگر در هیچ کدام از زمینه‌ها، روش غیر علمی جواب نمی‌دهد. لاجرم برای بدست آوردن این تخصص‌ها باید سراغ صاحبان فن و تخصص رفت.

بنابر رهنمودهای معصومین خصوصاً علی علیه السلام هر کسی اهل تفکر بوده و

التجارب علم مستفاد. غرر الحکم، ۱۰۳۶ و ۱۰۳۵ و ۱۰۳۲.

۱- وَتَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجَرِبَةِ وَالْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ وَالْقِدَمِ فِي الْإِسْلَامِ. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

از بهره‌هوشی بالا برخوردار باشد در زندگی موفق خواهد شد.

«لَا غِنَى كَالْعَقْلِ»<sup>۱</sup>.

هیچ بی‌نیازی چون عقل نیست. انسان‌های خردمند می‌توانند آینده‌های دور را ببینند و با بصیرت و هوشمندی بیشتر برای زندگی آینده خود تصمیم بگیرند و موفقیت و پیروزی را از آن خود سازند.

الظَّفَرُ بِالْحَزْمِ. وَالْحَزْمُ بِإِجَالَةِ الرَّأْيِ.<sup>۲</sup>

امروز، یکی از نیازهای اساسی ما که نقش زیادی در پیشرفت و تحول بنیادین در کشور دارد، تحقیق و پژوهش در بخش‌های مختلف است، مراکز حوزوی و دانشگاهی باید با دایر نمودن کرسی‌های نظریه‌پردازی و همچنین تشویق مخترعان و مکتشفان و بها دادن به اندیشمندان و نوآوران توسط نهادهای دولتی باید کشور از نظر علمی جلو بیافتد! علی علیه السلام چه زیبا فرمود: عَلِيٌّ قَدَّرَ الرَّأْيَ تَكُونُ الْعَزِيمَةُ.<sup>۳</sup>

هر کس به اندازه فکر و نظر خود می‌تواند تصمیم بگیرد.

#### □ - عزم و اراده قوی

همواره انسان‌های موفق در طول تاریخ، دارای عزم و اراده قوی و

۱- نهج البلاغه، حکمت ۵۴.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۸. پیروزی در دوراندیشی، و دوراندیشی در بکارگیری صحیح اندیشه است.

۳- غرر الحکم، ۶۱۷۳.

شکست‌ناپذیر بوده‌اند، افراد سست‌عنصر و بی‌اراده هرگز نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. پیامبران که توانستند در زمان خود تغییر بنیادین در نظامات اجتماعی ایجاد کنند و حاکمان طغیانگر را با همه قدرت و شوکتشان به زیر بکشند از عزم و اراده پولادین برخوردار بودند. در وصف انبیا گفته شده است:

خداوند، پیامبران را با عزم و اراده قوی، گرچه با ظاهری ساده، و فقیر بودند، مبعوث فرمود، با قناعتی که چشم و دل‌ها را پراسازد، هر چند فقر و نداری ظاهری آنان چشم و گوش‌ها را خیره سازد.<sup>۱</sup>

باید هم اکنون مردم ما نیز با داروی عزم و اراده و با هوشیاری و بیداری به جنگ سستی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها بروند.<sup>۲</sup>

#### □ - مدیریت قوی

این موضوع را من اینگونه بیان می‌کنم که در کشور ما نیروی‌های تحصیل کرده و دانشگاهی زیادی وجود دارد. (که خیلی از آنها دارای

۱-ولکن الله سبحانه جعل رسله أولى قوة فی عزائمهم وضعفة فیما تری الاعین من حالاتهم مع قناعة تملاء القلوب والعیون غنی و خصاصة تملاء الابصار والاسماع أذی. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

۲-امام علی علیه السلام فرمود: فتداو من داء الفترة فی قلبک بعزيمة. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۳. پس سستی خود را با اراده جدی و استقامت درمان کن. و در سخن دیگر فرمود: ضادوا التوانی بالعزم. غرر الحکم، ۵۹۲۳. بوسیله عزم و اراده، با سستی مقابله کنید.

تخصص‌های بالایی نیز هستند). از سویی، کشورهای همسایه ما در شمال و شرق و غرب کشور، غالباً دارای بازار مصرف مهیا برای کالاهای ایرانی و محصول صنایع ایران هستند و به دلایل فرهنگی و وجود مرزهای خاکی و نزدیک بودن حمل و نقل کالا، غالباً متمایل به واردات جنس از ایران هستند، از سوی دیگر، کارخانه‌های زیادی در شهرک‌های صنعتی وجود دارند که با نیروی متخصص و کارآمد، دارند جنس را تولید می‌کنند ولی در اثر نقدینگی و عدم فروش محصول، در حال رکود و تعطیلی هستند، به نظر شما چه چیزی می‌تواند مشکل را حل کند؟

و آن حلقه مفقوده که این سه پتانسیل قوی (نیروی انسانی متخصص، وجود کارخانه و محیط‌های آماده برای کار و تولید، و وجود بازار مصرف)، را بهم پیوند بدهد و از آن، قدرت اقتصادی را بدست آورد چیست؟ آیا غیر از مدیریت چیز دیگری رامی‌شناسید؟ آری مشکل عمده در همه بخش‌ها، ضعف مدیریت است. جالب اینست که همه این را می‌گویند و این حرف دل همه هست اما اقدامی نمی‌شود!!

#### □ - استفاده بهینه از زمان

یکی از عوامل پیشرفت و موفقیت، بهره‌گیری صحیح از زمان است، زمان مثل برق در حال گذر هست، کسانی می‌توانند موفق باشند که بتوانند از عمر خود استفاده درست ببرند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص مدیریت زمان فرمود:

بر انسان خردمند تکلیف است که (اگر توانایی داشته باشد) برای اوساعت هایی باشد (تا وقت خود را به این ترتیب تقسیم نماید):

۱- زمانی برای امور عبادی و راز و نیاز با خدا قرار دهد.

۲- زمانی برای رسیدگی به امور و محاسبه عملکرد خویش اختصاص دهد.

۳- زمانی برای اندیشیدن در جهان آفرینش قرار دهد.

۴- زمانی برای استراحت و بهره‌گیری از امور حلال، زیرا که استراحت، کمک برای انجام فعالیت‌های دیگر و آسایش قلب‌هاست.<sup>۱</sup> با تاسف باید گفت: شاخص استفاده بهینه از زمان در کشور ما بسیار پایین است.

میانگین زمانی که مردم برای مطالعه صرف می‌کنند در کشور ما چقدر و در کشورهای توسعه یافته چقدر است؟

همچنین میانگین وقت مفید یک کارمند در ادارات دولتی و همچنین کارگران ساده در کارخانه‌ها و تکنسین‌ها و صاحبان تخصص در محیط‌های کاری در ایران با کشورهای توسعه یافته چقدر تفاوت دارد؟

#### □ - همت مضاعف

از سخنان معروف رسول خدا ﷺ این حدیث است که فرموده است: إِنَّ

۱- وسائل الشیعه، ۱۶ ص ۹۷. و ج ۱۷ ص ۶۳.

اللَّهُ تَعَالَى يُجِبُّ مَعَالَى الْأُمُورِ وَأَشْرَافَهَا وَيَكْرَهُ سُفْسَافَهَا.

خداوند، امور برتر و شریف را دوست دارد و از کارهای بی ارزش و پست بدش می‌آید. بر این اساس، به مردم می‌گفتند همتان عالی باشد به کارهای کم ارزش و امور ناچیز خودتان را مشغول نکنید.

علی عليه السلام در سخنان خود شرافت و موفقیت انسان و رسیدن به جایگاه برتر در میان مردم را<sup>۱</sup> مرهون همت بالاتر و مضاعف دانسته و گفته است: قیمت و ارزش هرکس با همتش سنجیده می‌شود.<sup>۲</sup>

سنگ ره آبست اگر همت قوی است

سیل را پست و بلند جاده نیست

سنگ ره گردد فسان تیغ عزم

قطع منزل امتحان تیغ عزم

#### □ - پشتکار و جدیت

سنت و مشیت الهی چنین شکل گرفته است که افراد با اراده و زحمت‌کش را به آرزوی‌هایشان برساند. لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى.<sup>۳</sup> دنیا، میدان مسابقه است هرکس قدرت و تلاش و حرکت بیشتری داشته

۱- الشرف بالهمم العالية لا بالرغم البالية. غرر الحكم، ۱۹۹۱.

من رقی درجات الهمم عظمتها الامم. غرر الحكم، ۸۵۲۶.

۲- قدر الرجل علی قدر همته. نهج البلاغه، حکمت ۴۷.

۳- سورة نجم، ۳۹.

باشد جلو خواهد افتاد! این قاعده، هم در امور مادی و هم در امور معنوی جاری است. قرآن و عترت علیهم السلام همواره ما را به تلاش و کوشش و شتافتن به سوی خوبی‌ها و فضیلت‌ها دعوت نموده‌اند!

علی علیه السلام فرمودند: کمربندها را محکم ببندید و دامن‌ها را به کمر بزنید (تا مانع تلاش شما نگردد) به مقام‌های بلند رسیدن با هوس‌رانی و راحت‌طلبی سازگار نیست. بسا خواب‌ها که تصمیم‌های روز را از بین برده است و تاریکی‌ها یاد همت‌های بلند را از خاطر محو کرده است.<sup>۱</sup>

دین سراپا سوختن اندر طلب انتهایش عشق و آغازش ادب زندگی جز لذت پرواز نیست آشیان با فطرت او ساز نیست<sup>۲</sup> مولا علی علیه السلام در آخرین وصیت خود فرمودند: **اللَّهِ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يُسَبِّحُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ**.<sup>۳</sup> خدا را خدا را در نظر بگیرید در باره قرآن، دیگران در عمل به آن از شما سبقت نگیرند.

مفاد کلام مولی علی علیه السلام اینست که چنین نباشد، بگویید قرآن کتاب آسمانی ما مسلمانان است ولی بدان عمل نکنید و دیگران به تعالیم حیات بخش آن عمل کنند و پیشرفت نمایند اما شما عقب بمانید.

در چند آیه قرآن کریم به عنوان ارائه راه کار رشد و تعالی به ما می‌گوید: **فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ**...<sup>۴</sup> در نیکی‌ها بر دیگران سبقت جوید.

یکی از زمینه‌های سبقت به سوی خیرات، کار و تلاش است که باید ما در

۱- نهج البلاغه، خطبه، ۲۴۱.

۲- اقبال لاهوری

۳- بقره، ۱۴۸ و مائده، ۴۸.

۴- نهج البلاغه، نامه ۴۷.

همه عرصه‌ها به صورت جدی و جانانه تلاش و کوشش کنیم تا از زندگی خوب مادی و فضیلت‌های معنوی برخوردار شویم، رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله وعده داده است که اگر مسلمانان دین خدا را بشناسند و بدان عمل کنند و تلاش کنند و کوشش مضاعف داشته باشند دنیا را فتح خواهد کرد!

**إِنَّ الْأَرْضَ سَتُفْتَحُ لَكُمْ وَتَكْفُونَ الدُّنْيَا...**<sup>۱</sup> (دروازه‌های) دنیا بر روی شما گشوده خواهد شد و شما دنیا را از آن خود خواهید کرد!

بد نیست برخی از سفارش‌های ائمه علیهم السلام را در زمینه جدیت در کار مرور کنیم:

\* - خالد بن نجیح می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکدام از یاران و دوستان خود را دیدید سلام مرا برسانید و بگویید جعفر بن محمد سلام رسانید و گفت: بر شما باد تقوی الهی و استمداد از لطف پروردگار! بدانید که من چیزی را به شما نمی‌گویم مگر آنچه خود به آن عمل می‌کنیم پس بر شما باد به جدیت و کوشش، هنگامی که نماز صبح را خواندید بلا فاصله صبح زود برای کار و طلب روزی حلال بیرون بروید و بدانید که در این صورت خداوند به شما روزی حلال نصیب کرده و شما را یاری خواهد کرد.<sup>۲</sup>

۱- کنز العمال، ۱۰۸۳۰.

۲- **فَبَكِّرُوا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَاطْلُبُوا الْحَلَالَ فَإِنَّ اللَّهَ سَيَرْزُقُكُمْ وَيُعِينُكُمْ عَلَيْهِ.**

و مسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۲.

\* - علاء می گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام می فرمود: به اندازه مورچه هم نیستید؟! می بینید که چگونه دانه ها را به لانه خود می کشاند؟ (یعنی شما هم باید با جدیت به کار و تلاش پردازید).<sup>۱</sup>

\* - امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل نمود که آن حضرت می فرمود: إِذَا أَعْسَرَ أَحَدُكُمْ فَلْيَخْرُجْ وَلَا يَغْمِ نَفْسَهُ وَ أَهْلَهُ.<sup>۲</sup>

وقتی مشکل مالی پیدا کردید خود و خانواده تان را ناراحت نکنید بلکه برای طلب روزی به بیرون از خانه بروید، (خدا روزی را می رساند).

\* - شهاب بن عبد ربّه می گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: اگر به شما خبر رسید که این امر (قیامت یا ظهور امام زمان علیه السلام) فردا اتفاق خواهد افتاد باز هم تودست از طلب روزی حلال برندار زیرا تا می توانی بارت را از دوش مردم برداری باید آن را انجام دهی.<sup>۳</sup>

یکی از باب های کتاب وسایل الشیعه اختصاص یافته است به اینکه فضیلت دارد انسان اغتراب در طلب روزی داشته باشد یعنی از فقر حذر کند و برای پیدا کردن کار و طلب روزی سحرگهان به جاهای دور دست برود.

\* - عمر بن اذینه از امام صادق نقل کرد که آن حضرت فرمودند:

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۳.

معلوم می شود: وقتی امام به خاطر سستی برخی از یارانش در زمینه معیشت زندگی، ناراحت بوده چنین فرموده است تا آنها را به کار ترغیب نماید.

۲- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۶. ۳- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۷.

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَيُحِبُّ الْإِغْتِرَابَ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ.<sup>۱</sup> خداوند دوست دارد انسان صبح زود حرکت کند و برای طلب روزی به جای دور برود.

همچنین آن حضرت فرمود:

از کلاغ سه چیز را بیاموزید: ۱- پنهان بودن هنگام جفت گیری. ۲ - حرکت صبح زود برای طلب روزی. ۳ - برحذر بودن از خطر.<sup>۲</sup>

\* - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه محتاج شدید و سراغ حاجتی رفتید صبح زود بروید زیرا من از خداوند عز و جل خواسته ام به امت من در حرکت های صبحگاهی برکت دهد.<sup>۳</sup>

#### □ - تحمل سختی و مشقت کار

ائمه اطهار علیهم السلام همواره کار و کوشش را به مردم سفارش می نمودند و لو آن کار زحمت داشته باشد یا چه بسا لازم باشد انسان برای ترس از فقر و نداری برای یافتن کار به نقاط دور دست برود.

\* - نقل شده است امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام در روزهای گرم برای کار بیرون از شهر می رفت با اینکه برخی از وقت ها نیاز مالی هم نداشت، وقتی یارانش سؤال می کردند چرا خود را به زحمت می افکنید؟

۱- وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۸.

۲- تَعَلَّمُوا مِنَ الْغُرَابِ ثَلَاثَ خِصَالٍ اسْتِنَارَهُ بِالسَّفَادِ وَ بُكُورَهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَ حَذَرَهُ. وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۸.

۳- إِذَا آزَادَ أَحَدُكُمْ الْحَاجَةَ فَلْيَبْكُرْ إِلَيْهَا فَإِنِّي سَأَلْتُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يُبَارِكَ لِأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا. وسایل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۸.

می فرمود: دوست دارم خداوند مرا برای طلب روزی در حال زحمت برای خانواده ام ببیند!<sup>۱</sup>

\* - سلمان فارسی گفت: فاطمه اطهر نشسته بود و با آسیابی که در مقابلش بود جو آسیاب می کرد، دسته آسیاب خون آلود شده بود، حسین علیه السلام در یک گوشه اطاق از گرسنگی بی قراری می کرد، من بفاطمه گفتم: ای دختر پیامبر خدا! دست های تو بوسیله آسیاب کردن مجروح شده، در صورتی که فضا خادمه شما، حاضر و بی کار است! فرمود: پدرم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: کار منزل یک روز بعهده فضا و یک روز بعهده من باشد، نوبت فضا دیروز بوده است.

سلمان گفت: من بنده آزاد شده شما هستم، اجازه بده که آسیاب نمایم، یا اینکه حسین را ساکت کنم، فرمود: من حسین را بهتر آرام می کنم، تو بیا جو را آسیا کن. موقعی که من قسمتی از جو را آسیا کردم اذان و اقامه برای نماز گفته شد. من رفتم و نماز را با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بجای آوردم و پس از فراغت از نماز جریان فاطمه را برای امیر المؤمنین شرح دادم، حضرت علی از شنیدن سخنان من نااحت شد و از مسجد خارج شد، سپس در حالی برگشت که خندان بود! پیغمبر معظم اسلام صلی الله علیه و آله از سب خنده وی جو یا شد، امیر المؤمنین گفت: من نزد فاطمه اطهر رفتم، وی را در حالی دیدم که استراحت کرده و حسین هم روی سینه اش خواب رفته و

آسیابی در مقابل فاطمه بود که خود بخود کار می کرد!! پیامبر اسلام پس از اینکه لبخندی زد فرمود: یا علی! آیا تو نمیدانی خدا ملائکه بسیاری در زمین دارد که تا قیام قیامت برای آل محمد خدمت می کنند؟<sup>۱</sup>

\* - ابو عمرو شیبانی می گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که یک بیل دستش بود و یک پیراهن خشن نیز به تن داشت و در باغش کار می کرد و از شدت گرما و خستگی کار، عرق از بدن حضرت جاری بود! گفتم فدایت شوم بیل را بدهید من کمکتان کنم! امام تشکر کرد و فرمود: دوست دارم انسان برای کار و تامین معیشت زندگی بوسیله گرمای آفتاب مورد اذیت قرار بگیرد.<sup>۲</sup>

هنگامی که می بینیم پیامبر و ائمه علیهم السلام با آن قداست و مقام معنوی، مثل یک کارگر ساده، کار می کردند و چنین کار کردن را عبادت خدا بشمار می آوردند و پیروان خود را نیز به کار و تلاش جدی توصیه می نمودند، اگر ما شیعه راستین آن بزرگواران هستیم باید در مقام عمل، از آنان پیروی کنیم و در همه زمینه ها با جدیت کار کنیم. امام زین العابدین علیه السلام فرمود:

إِنَّ أَبْغَضَ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ مَنْ يَقْتَدِي بَسْتَةَ إِمَامٍ وَلَا يَقْتَدِي بِأَعْمَالِهِ.<sup>۳</sup>

بدترین انسان نزد خدا کسی است که از سنت و روش امام پیروی نماید ولی از اعمال او تبعیت نکند.

۱- زندگانی حضرت زهرا علیه السلام ص ۳۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۰. ۳- کافی، ۸ ص ۲۳۴.

## □ - ترویج فرهنگ کار

متأسفانه فرهنگ کار در کشور ما ضعیف است، بسیاری از تحصیل کرده‌ها تصورشان در باره کار اینست که وقتی مدرک خود را اخذ کردند باید یک کار راحت اداری که حقوق مکفی در آن باشد به آنها پیشنهاد شود! در حالی که کار درآمدزا منحصر به کار اداری و پشت‌میز نشینی نیست. کشور ما در زمینه‌های کشاورزی و صنعتی و عمرانی و راه و ساختمان و تولیدی و خدماتی و... نیازهای زیادی دارد که منافعی با این تفکر است، استقلال اقتصادی نیز با همین‌ها تامین می‌گردد. یکی از دلایل رشد اقتصادی در کشورهای توسعه یافته اینست که دانشمندان آن کشور ابتدا در همه زمینه‌های فوق، دانش و تخصص لازم را بدست می‌آورند سپس اقدام به آن کار می‌کنند. مانند عرصه‌های صنعتی و کشاورزی و باغداری و دامداری و... به این معنی که جویندگان کار بعد از اخذ مدرک سطح عالی، می‌روند سراغ کار. در فرهنگ آنها پشتوانه همه کارها تخصص و دانش فنی است و لذا موفقیت را بدنبال دارد.

در کشور ما عرصه کار برای خیلی‌ها کاملاً فراهم است اما متأسفانه، همه دنبال راحت طلبی هستند و لذا بسیاری از کارها تعطیل شده یا به بوته فراموشی سپرده شده است. از سوی دیگر همه می‌خواهند یک شبه همه چیز داشته باشند! و برخی از کارها را دون شأن خود می‌دانند.

باید دانست که ملت ایران در حقیقت روی گنج نشسته‌اند، ایران دروازه تمدن جهانی است و زمان حاضر را که از برکت انقلاب اسلامی و خون

مطهر شهدا، دوران شکوفایی می‌توانیم بنامیم، ملت ایران، خصوصاً اندیشمندان باید قدر انقلاب و رهبر و نظام را بدانند و از این فرصت بهترین استفاده را ببرند. باید جهانی بیاندیشیم و منطقه‌ای عمل کنیم. کار جدی و توأم با دلسوزی حتماً ما را موفق می‌کند، کار مضاعف در انقلاب و جنگ ما را پیروز کرد برای رزمندگان و انقلابیون، ساعت کار مطرح نبود آنها خود را وقف دین و میهن کرده بودند می‌گفتند دیر آمدن و زود رفتن خیانت، به موقع آمدن و به موقع رفتن وظیفه، زود آمدن و دیر رفتن ایثار است و ما اهل ایثاریم!

در ایران زمینه‌های زیادی برای کار وجود دارد. گرچه هم‌اکنون فعالیت‌هایی در برخی از آن زمینه‌ها صورت می‌گیرد اما به نظر می‌رسد که اگر کار جدی با مطالعه و روش علمی در آن موارد صورت بگیرد بیکاری در کشور به کمترین حد خواهد رسید و کشور از نظر رشد اقتصادی به جلو خواهد افتاد، مانند:

۱- استحصال و صدور آب‌های معدنی با بسته‌بندی‌های جذاب.

۲- کشت‌انبوه و فراوری و صدور داروهای گیاهی که بسیاری از آنها منحصر در ایران کشت می‌شود.

۳- توجه جدی به خشکبار ایران و صدور با صنعت بسته‌بندی مدرن.

۴- خدمات پزشکی در زمینه‌های مختلف بویژه بخشهایی که دانشمندان ما نوآوری‌های خوبی دارند مانند ناباروری و جراحی و پیوند اعضا و سلول‌درمانی و...

۵- آشپزی و غذاهای ایرانی.

۶- آبریزان و خاویار و...

۷- غلات، میوه‌ها و سبزی‌ها.

۸- گل و گلاب و گیاه‌های غذایی معطر.

۹- صنعت سنگ. می‌دانیم که معادن سنگ این مملکت به منزله طلاست که متاسفانه می‌بینیم به صورت خام و فله‌ای به سایر کشورها برده شده و آنها در قطعات و بسته‌بندی‌های شکیل به ده‌ها برابر صادر می‌کنند و حتی به خود ما می‌فروشند.

۱۰- زعفران (که به حق، طلای سرخ نام گرفته است) از ایران به صورت فله‌ای و غیر اصولی خارج می‌شود برخی کشورهای اروپایی در بسته بندی‌های زیبا به نام خود به دنیا می‌فروشند و سودز عفران ما را آنها می‌برند.

۱۱- با وجود پسته و زیتون و برنج و میوه و دیگر محصولات کشاورزی و دامی و باغی چرا باید چنین محصولات از خارج وارد شود؟ لازم است با تضمین خرید محصولات کشاورزی و دامی و باغی و... تنظیم عرضه و تقاضا و تقویت بخش صادرات توسط نهادهای مسئول، زمینه کار بیشتر در کشور فراهم شود.

□ - دلسوزی و احساس مسئولیت

یکی از بزرگترین دستاوردهای انقلاب اسلامی و یادگار ارزشمند حضرت امام خمینی علیه السلام استقلال این کشور و قطع وابستگی به بیگانگان است. قبل

از انقلاب، سرنوشت این کشور در لندن و واشنگتن و پاریس، رقم می‌خورد آنها که دشمنان بی رحم ما در لباس دوست بودند آمده بودند برای غارت ثروت ما که مدتی هم به آن موفق شدند اما با پیروزی انقلاب اسلامی و حاکمیت دین و اراده مردم، اکنون خود ملت ایران و منتخبین شان در همین کشور، برای کشور تصمیم می‌گیرند، حال که چنین نعمت بزرگی نصیب ملت شده است باید قدر آن را بدانیم و برای ساختن و آباد کردن آن، کار و فعالیت کنیم، باید همه برای وطن دل بسوزانند، برای آینده خود و فرزندانمان دل‌سوزی کنیم باید در عرصه‌های مادی و معنوی هر روز یک گام بجلو برداریم، باید همه ایرانیان همه جای ایران را مثل خانه خود بدانند و برای پیشرفت آن و سربلندی خود بکوشند آیا خویبت دارد که ملت ایران با این همه ذکاوت و هوشمندی، مصرف کننده کالاهای بیگانگان باشند؟!

□ - بالا بودن کیفیت کار (رقابتی بودن)

انسان کمال جوست، همواره سراغ بهترین‌ها می‌رود، هرکس جنس با کیفیت تولید کند و کالای خوب عرضه کند مردم سراغش می‌روند، چرا مردم سراغ اجناس فلان کشور می‌روند با اینکه قیمتش گرانتر است؟ برای اینکه کیفیتش خوب است برای اینکه پولی که می‌دهند هدر نمی‌رود. دیگر نیاز نیست اشاره به نمونه‌ها بکنیم. ولی این را باید گفت که ما پیرو



پیغمبری هستیم که فرمود: **إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ**.<sup>۱</sup> خداوند دوست دارد وقتی بنده‌اش کاری را انجام می‌دهد آن را خوب انجام دهد، دقت بیشتر نماید و محکم کاری کند. بگفته علی علیه السلام، چنین نباشد که ما دل‌مان را به ظواهر اسلام خوش کنیم ولی آنها به حقایق دین ما عمل کنند و پیشرفت نمایند.

بازاری‌ها یک حرف دارند بسیار پر مغز و تکان دهنده است! آنها می‌گویند بازار خیلی بی‌رحم است! یعنی اگر نتوانی رقابت کنی، اگر حواست جمع نباشد زمین می‌خوری، ورشکست می‌شوی. من می‌گویم: صنعت هم بی‌رحم است، تکنولوژی هم بی‌رحم است، چون دنیا میدان مسابقه است، باید صنعت‌گران ما، تولیدکننده‌های ما به اصول جذب مشتری ایمان بیاورند تا پیشرفت نمایند. مهمترین اصل در این عرصه دو چیز است: ۱- کیفیت بالا. ۲- قیمت مناسب.

البته رقابت در همه جا هست، در علم و دانش، در فرهنگ، در سیاست، در ورزش و... یک کشتی‌گیر یا یک دوندۀ یا یک رکاب‌زن یا یک تیم فوتبال و... اگر آمادگی کافی برای رقابت با رقیبان بی‌رحم نداشته باشند شکست خواهند خورد!

۱- وسائل الشیعة، ۲ ص ۸۸۳ حدیث ۳۴۸۱.

### □ - اعتماد به نفس

یکی از راه‌های رشد و تعالی در همه زمینه‌ها که در سخنان پیامبر و ائمه اطهار علیهم السلام به آن توجه شده، ایجاد امید و روحیه کار و کوشش و آگاه‌نیدن افراد به توانمندی‌ها و قابلیت‌های خویش بوده است. حضرت امام علیه السلام بسیار حکیمانه فرمودند که باید باورمان بشود ما می‌توانیم، باید بر توانمندی خود معتقد باشیم، باید باور کنیم ما بلحاظ ضریب هوشی و توانمندی فکری و عملی از دیگران کمتر نیستیم، بشرط اینکه بخواهیم و بر آنچه اراده کردیم ثابت قدم باشیم، چنانکه در هر عرصه با جدیت وارد شدیم توانستیم.

گفت پیغمبر که چون کوی دری

عاقبت زان در برون آید سری

چون نشینی بر سر کوی کسی

عاقبت بینی تو هم روی کسی

چون ز چاهی می‌کنی هر روز خاک

عاقبت اندر رسی در آب پاک

باید با امید دادن، حمایت، تشویق مناسب و برطرف کردن موانع و مشکلات، راه را برای پیشرفت هموار کرد.

در طلب کوش و مده دامن امید زدست

دولتی هست که یابی سر راهی گاهی

## □ - نظارت

کنترل کیفی محصولات و نظارت بر عملکردها در همه قسمت‌ها یکی از رموز موفقیت کار و نبودش از عوامل ناکامی و شکست است. با اینکه می‌دانیم دستگاه‌های نظارتی زحمت خود را می‌کشند اما وضع موجود حکایت از این دارد که اشکال‌های اساسی وجود دارد.

تولیدکننده‌ها در کشورهای توسعه یافته، هر روز می‌کوشند بر کیفیت محصول خود بیافزایند، خدمات پس از فروش را فراوان و دسترسی به آن را آسان نمایند. اگر یک کالایی ضمانت نامه دارد، حقیقتاً به تعهد خود پایبند هستند، گاهی شنیده می‌شود هزاران خودرو را به خاطر یک نقص فنی با هزینه خود جمع‌آوری می‌نمایند و از خریداران عذرخواهی نموده و جنس بهتر را تحویل آنان می‌دهند، بطور دائم با خریداران خود در ارتباط هستند از اندیشه‌های آنان برای رفع نقایص کالای خود استفاده می‌نمایند. آنان می‌کوشند کارایی و ماندگاری (عمر مفید) محصول خود را افزایش دهند. اینها اموری هستند که مورد سفارش بزرگان دین ماست باید ما در عمل به دستور بزرگان دین از دیگران پیشقدم‌تر باشیم.

اصل نظارت از امور بسیار مهم است، احاطه و نظارت دقیق بر امور جاری کل کشور و عملکرد دستگاه‌های مختلف نظام بخصوص کارگزاران و عوامل اجرایی از اصولی است که علی علیه السلام به عنوان یک بخشنامه به استاندارش آن را دستور داده و فرموده است:

سپس با فرستادن ماموران مخفی راست‌گو و باوفا، کارهای آنان را

زیر نظر بگیر! زیرا بازرسی مداوم و پنهانی سبب می‌شود که آنها به امانت‌داری و مدارا کردن زیردستان ترغیب شوند.<sup>۱</sup>

امروز با نظارت دقیق درگزینش کارگزاران و نظارت دقیق بر عمل کرد آنها، همچنین تامین زندگی و اصلاح امور معیشتی آنان، تشویق نیکان و کنار نهادن خائنان، و ارائه قانون مشخص و بی‌ابهام و اصرار بر اجرای قانون و دعوت مردم به سمت قانون‌مداری و حق‌طلبی، می‌توان امور اجرایی را سامان داد.

\*\*\*\*\*

علاوه بر آنچه گفتیم، از نظر دینی و اعتقادی نیز باید کار و کسب‌های ما از یک سری شرایط معنوی پیروی نماید که به چند مورد اشاره می‌شود:

## □ - لزوم حلال بودن کار و کسب

اسلام، مکتب پاکی‌هاست، ضمن توصیه اکید به کار و تلاش و طلب سرمایه برای رفاه زندگی، بسیار تاکید می‌کند که انسان معیشت و هزینه‌های زندگی خود را از راه مشروع و قانونی بدست آورد و به قول معروف لقمه نان خود را آغشته به حرام نکند. و برای لقمه نانی، حقی را ناحق نکند و به مردم اجحاف ننماید.

۱- تفقد أعمالهم و ابعت العیون من أهل الصدق والوفاء علیهم فإن تعاهدک فی السر لأمورهم حدوة لهم علی استعمال الامانة والرفق بالرعية. نهج البلاغه، نامه ۵۳.

\* - رسول اکرم ﷺ در خطبه حَجَّةُ الْوِدَاع<sup>۱</sup> فرمودند:

بدانید که روح الامین (جناب جبرئیل) از جانب خداوند به قلب من القاء کرد: هیچ انسانی نمی‌میرد مگر اینکه آنچه از روزی برایش مقدر شده آن را استفاده نماید پس تقوی پیشه کنید و به اندازه لازم و به صورت صحیح به سراغ روزی بروید، اگر یک وقت روزی شما به تاخیر افتاد مبادا از راه ناروا و معصیت خدا آن را جستجو کنید زیرا خدای تبارک و تعالی روزی را میان همه آفریده‌هایش به اندازه و به صورت حلال تقسیم کرده است و شما را از حرام نهی نموده است پس هرکس در برابر گناه و خواسته‌های نفس، صبر نماید روزیش از راه حلال می‌رسد اما اگر کسی حریم الهی را هتک نموده و از راه معصیت به طلب روزی برود از روزی حلالش کم می‌شود و بخاطر این گناه باید پاسخگو باشد.<sup>۲</sup>

\* - ابو جعفر فزاری گفت: حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام غلام خود بنام مُصَادِف را خواست و به او هزار دینار داد و فرمود: برای مسافرت تجاری به مصر برو و با این مبلغ برای من تجارت کن.

مصادف با آن مبلغ، مقداری جنس خرید و آماده حرکت شد و با عده‌ای از تجار بمصر رفت. همین که نزدیک مصر رسیدند به قافله‌ای برخورد

۱- پیامبر اکرم ﷺ در آخرین حج عمر شریفشان که علی عَلَيْهِ السَّلَام را نیز در آن سال بدستور خداوند به عنوان خلیفه المسلمین و امام المؤمنین معرفی کردند خطبه‌ای مفصل ایراد فرمودند که معروف شده است به خطبه حَجَّةُ الْوِدَاع.  
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۴۷.

کردند که از مصر خارج شده بود. از وضع اجناسی که آورده بودند سؤال کردند از آنجا که آن اجناس مورد احتیاج همه بود و آنان گفتند این جنس در بصره وجود ندارد، کاروانیان با یکدیگر هم قسم شدند و پیمان بستند که هر دینار را بیک دینار سود بدهند. آنها وارد مصر شدند و اجناس را به دو برابر قیمت فروختند و سود زیادی نصیبشان شد پس از فروش، پول خود را برداشته بطرف مدینه بازگشتند. مصادف که دو کیسه زر داشت هر کدام هزار دینار خدمت امام آمد، عرض کرد: فدایت شوم این کیسه اصل سرمایه است و این کیسه دوم سود آن است.

امام فرمود: این سود زیاد است شما مگر در آن جنس چه کردید؟ جریان را شرح داد که چگونه شد. امام فرمود: سبحان الله! هم قسم می‌شوید که در مقابل هر دینار یک دینار از مسلمانان سود بگیرید؟ کیسه هزار دینار را برداشت و فرمود من احتیاج بچنین سودی ندارم. سپس فرمود: ای مصادف! بیکار با شمشیر ساده تراست از بدست آوردن نان حلال.<sup>۱</sup>

#### □ - توکل و تکیه بر لطف خداوند

یکی از نکاتی که در روایات به آن اشاره شده و در کار و تلاش باید مد نظر همگان قرار بگیرد اینست که باید تلاش‌های انسان همراه با یاد خداوند و درخواست از درگاه با عظمت الهی باشد تا از سویی برکت

۱- زندگانی حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام ص ۴۶.

آسمانی را دنبال داشته باشد و از سوی دیگر امید انسان را برای رسیدن به نتیجه مطلوب مضا عف نماید.

\* - رسول خدا ﷺ فرمود: روزی انسان‌ها به امر خداوند و به تعداد قطرات باران، آنگونه که مقدر شده به هر فردی از آسمان خواهد رسید، ولی خداوند، عنایاتی به بندگانش دارد که باید از خدا بخواهید تا از آنها به شما بدهد.<sup>۱</sup>

\* - حَفْصُ بن عُمَر می‌گوید: من وضع مالی خوبی نداشتم لذا از وضع خودم به امام صادق علیه السلام شکوه کردم امام فرمود: وقتی به کوفه رفتی یک وسیله‌ای از خانه بفروش و با پول آن غذایی تهیه کن و برادران دینی خود راد عوت کن و از آنها درخواست کن بعد از غذا برای تود عانمایند ایشان می‌گویند من طبق دستور امام عمل کردم طولی نکشید که یکی از کسانی که از او طلب داشتم پیش من آمد و همه بدهی‌هایش را پرداخت کرد که ده هزار (درهم یا دینار) بود و از آن به بعد زندگی به من روی آورد.<sup>۲</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: هر کس دوست دارد بی‌نیازترین افراد باشد، باید به آنچه نزد خداوند است بیشتر از آنچه نزد دیگران است اعتماد داشته باشد.<sup>۳</sup>

### □ - برنامه ریزی برای دنیا و آخرت توأمًا

چنانکه گفتیم، عده‌ای از مردم در اثر برخی تبلیغات ناصحیح، گرفتار

افراط و تفریط شده و تصور می‌کنند بین دنیا و آخرت تضاد وجود دارد به این معنی که اگر کسی دنبال کار و کسب برود و سرمایه‌ای جمع بکند از معنویت دور شده و دین دار واقعی نمی‌تواند باشد و متقابلاً کسی که اهل دین و معنویت است نباید سراغ دنیا برود و نباید سرمایه‌ای داشته باشد، به زعم این افراد، دینداری مساوی با زهد و فقر است! در حالی که وقتی تعالیم دین و سیره معصومان علیهم السلام را نگاه می‌کنیم می‌بینیم این تفکر از اساس غلط و باطل است زیرا که بین دنیا و آخرت هیچ ناسازگاری وجود ندارد، می‌شود کسی به معنای واقعی دیندار باشد ولی از راه حلال و به صورت مشروع سرمایه زیادی هم بدست آورد و دین داری مساوی با فقر و نداری نیست. به عبارت دیگر نه هر پولداری بی دین است و نه هر فقیری دین دار است، بسیاری سرمایه دارانی که از راه حلال سرمایه کسب کرده و مؤمن درجه یک هم محسوب می‌شوند و از سرمایه‌شان در راه خیر کارهای زیادی را انجام داده و می‌دهند.

مرحوم صدوق از یکی از ائمه علیهم السلام نقل می‌کند که فرمود:

لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِأَخْرَتِهِ وَ لَأَخْرَتَهُ لِدُنْيَاهُ.<sup>۱</sup>

از ما نیست کسی که دنیایش را به خاطر آخرت ترک نماید و یا آخرتش را فدای دنیا کند.

امام حسن علیه السلام به یکی از پیروانش فرمود:

۱- وَ لَكِنْ لِلَّهِ فُضُولٌ فَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ. وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۵۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۵۴. ۳- کافی، ۲ ص ۱۳۹.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۷۷.

اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.<sup>۱</sup>  
 آنقدر برای دنیا کار کن که گویا همیشه زنده هستی و آنقدر به فکر آخرت باش و برای آخرت کار کن که گویا همین فردا از دنیا خواهید رفت.  
 اکنون ببینیم آیا دین داری با امور دنیایی ناسازگار است و مال و ثروت، دشمنی دیرینه با ایمان و معنویت دارد یا نه؟  
 ۱ - آنچه مسلم است دنیا به معنای جهان طبیعت قطعاً نباید مورد نکوهش باشد چون مظهر قدرت و جمال الهی و برای تداوم حیات بشری خلق گشته است.

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری!  
 در تاریخ آمده است حضرت علی علیه السلام شنیدند مردی دنیا را مذمت می‌کند، خطاب به وی فرمود:

ای نکوهش کننده دنیا، که خود به غرور دنیا مغروری و با باطل‌های آن فریب خورده‌ای، تو خود فریفته دنیایی ولی آن را نکوهش می‌کنی؟! ...  
 همانا دنیا سرای راستی برای راست‌گویان، و خانه تندرستی برای دنیاشناسان و خانه بی‌نیازی برای توشه‌گیران، و خانه پند، برای پندآموزان است، دنیا سجده‌گاه دوستان خدا، نمازگاه فرشتگان الهی، فرودگاه وحی خدا، و جایگاه تجارت دوستان خداست، که در آن

رحمت خدا را به دست آوردند، و بهشت را سود بردند.<sup>۱</sup>

شیخ محمود شبستری مضمون کلام حضرت علی علیه السلام را اینگونه به نظم در آورده است:

جهانا چه در خورد و بایسته‌ای

اگر چند با کس نپایسته‌ای

به ظاهر چو در دیده خس ناخوشی

به باطن چو دو دیده بایسته‌ای

چو آلوده بیندت آلوده‌ای

ولکن سوی شستگان شسته‌ای

کسی کو تو را می‌نکوهش کند

بگویش هنوزم ندانسته‌ای

زمن رسته‌ای تو اگر بخردی

چه بنکوهی آنرا کزان رسته‌ای

به من در گذر داد ایزد تو را

تو در رهگذر پست چه بنشسته‌ای

۱- أیها الذام للذمیا المغتر بفرورها المخدوع بأباطلها ثم تدمها. أتغتر بالذمیا ثم تدمها... ان الذمیا دار صدق لمن صدقها و دار عافیة لمن فهم عنها و دار غنی لمن تزود منها و دار موعظة لمن اتعظ بها. مسجد أحماء الله و مصلی ملائكة الله و مهبط وحی الله و متجر أولیاء الله. اکتسبوا فیها الرحمة و ربحوا فیها. نهج البلاغه، حکمت ۱۳۱.

ز بهر تو ایزد درختی بکشت

که تو شاخی از بیخ او جسته‌ای

اگر کژ بر او رسته‌ای سوختی

وگر راست بر رسته‌ای رسته‌ای

بسوزد بلی هر کسی چوب کژ

نپرسد که بادام یا پسته‌ای

تو تیر خدایی سوی دشمنش

به تیرش چرا خویشتن خسته‌ای

۲- طلب دنیا به معنای طلب ثروت و سرمایه برای آسایش و رفاه و

کامیابی و بهرمندی از لذایذ حلال دنیا، این هم نباید مورد نکوهش باشد

زیرا که قطعاً خداوند عالم آسایش و رفاه بندگان را می‌خواهد

همانگونه که به پیامبرش می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ...»<sup>۱</sup>

ای پیامبر، چرا آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده (بر خود) حرام

می‌کنی؟

\* -اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام نقل کرد که فرمود: زهد این

نیست که حلال الهی را بر خود حرام کنی و سرمایه‌ات را از دست بدهی

بلکه زهد اینست که اتکا و اعتماد و دل بستگی‌ات به دنیا نباشد بلکه به

آنچه نزد خداوند هست تکیه کنی.

\* - رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرمود: دو گروه هرگز سیر نمی‌شوند: یک،

دل‌باخته و حریص به دنیا! دو، دل‌باخته و حریص به علم و دانش! هرکس

از دنیا به حلال‌هایش اکتفا کند سالم مانده است و هرکس از راه غیر حلال

مال بدست آورد هلاک شده است. و هرکس علم را از اهلش فرا بگیرد و

بدان عمل نماید نجات یافته است و هرکس علم را برای دنیا طلب نماید

بهره‌اش از علم همان دنیا خواهد بود.

\* - ابو طقیل می‌گوید: از علی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: زهد یعنی آرزوی

دنیايي را کوتاه کنی و شکر نعمت الهی را بجای آوری و از حرام‌ها

اجتناب نمایی.

\* - سکونی از امام صادق علیه السلام پرسید زهد در دنیا چیست؟ امام فرمود:

زهد یعنی از حرام اجتناب کنی.<sup>۱</sup>

۳- آنچه مورد نکوهش و مذمت می‌باشد و علی علیه السلام بطور مرتب از آن

در نهج البلاغه بحث به میان آورده اینست که انسان، دنیا را هدف تمام

تلاش‌های خود قرار دهد و اسیر خواهش‌های دنیايي شده و بخواهد برای

رسیدن به ثروت و مقام و منصب دنیا حقی را ضایع و باطلی را زنده کند و

دنیا برای او هدف محسوب گردد، انسان قطعاً در این صورت گرفتار خطا

خواهد شد همانگونه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ

كُلُّ خَطِيئَةٍ». دوست داشتن دنیا سرچشمه هر خطا و معصیت است. چرا که در این صورت، انسان از اهداف معنوی و الهی و از یاد خدا غافل خواهد گردید. همان چیزی که قرآن ما را به طور اکید از آن منع فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، (زنهار) اموال شما و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نگرداند، و هر کس چنین کند، آنان خود زیان‌کارانند.<sup>۱</sup>

## فصل سوم:

پیامدهای

سستی و کم‌کاری

۱- يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَلْهَكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ. سورة منافقون، ۹.

کم کاری و سستی در انجام وظیفه، شانه خالی کردن از مسؤولیت‌ها، آفتی است که هر ملتی به آن مبتلی شود شکست خواهد خورد یا حد اقل از قافله بشری عقب خواهد افتاد. متقابلاً هر ملت و هر قومی تلاش نماید پیشرفت خواهد کرد، در این امر فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان بلکه فرقی بین افراد خدا باور و مؤمن بانی دین‌ها نیز وجود ندارد زیرا خداوند عالم بر اساس آیه قرآن اراده فرموده است هر انسان کوشا را موفق گرداند چه ایمان داشته باشد یا نداشته باشد. لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ.<sup>۱</sup>

قرآن از سستی و کم کاری برخی از اقوام، نمونه‌هایی ذکر می‌کند مثلاً حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام به قوم خود گفت: ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است در آید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد. گفتند: ای موسی، در آنجا مردمی زورمند هستند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی‌شویم.

فَاذْهَبْ أَنتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ.<sup>۲</sup>

۱- سوره نجم، ۴۰ - ۳۹. برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و (نتیجه) کوشش او به زودی دیده خواهد شد.

۲- سوره مائده، ۲۴ - ۲۱.



تو و پروردگارت برو(ید) و جنگ کنید که ما همین جا می‌نشینیم. نتیجه این برخورد، دل شکسته شدن موسی بود که به پیشگاه خداوند شکوه کرد. نظیر این کم‌کاری‌ها در تاریخ اسلام نیز رخ داده است. علی علیه السلام از برخی سستی‌های مردم بی‌وفا در زمان خود اینگونه داد سخن سرداده است:

آگاه باشید! به خدایی که جانم در دست اوست، شامیان بر شما پیروز خواهند شد، نه از آن رو که از شما به حق سزاوارترند بلکه در راه باطلی که زمامدارشان می‌رود شتابان فرمانبردار هستند، و شما در گرفتن حق من سستی می‌ورزید، و هر آینه، ملت‌های جهان صبح می‌کنند در حالی که از ستم زمامدارانشان در ترس و وحشت هستند، من صبح می‌کنم در حالی که از ستمگری پیروان خود وحشت دارم. شما را برای جهاد با دشمن برانگیختم، اما کوچ نکردید، حق را بگوش شما خواندم ولی نشنیدید، و در آشکار و نهان شما را دعوت کردم، اجابت نمودید، پند و اندرزتان دادم، قبول نکردید...

ای مردمی که بدنهای شما حاضر و عقلهای شما پنهان و افکار و آراء شما گوناگون است و زمامداران شما دچار مشکلات شمایند، رهبر شما از خدا اطاعت می‌کند، شما با او مخالفت می‌کنید، اما رهبر شامیان خدای را معصیت می‌کند، از او فرمان می‌برند. به خدا سوگند دوست دارم معاویه شما را با نفرات خود مانند میادله درهم و دینار با من سودا کند، ده نفر از شما را بگیرد و یک نفر از آنها را به من بدهد!<sup>۱</sup>

یکی از عوامل سستی و فشل بودن مردم اختلاف است، باز علی علیه السلام سوگمندانه می‌گوید: سوگند به خدا می‌دانستم که مردم شام به زودی بر شما غلبه خواهند کرد. زیرا آنها در یاری کردن باطل خود، وحدت دارند، و شما در دفاع از حق متفرقید، شما امام خود را در حق نافرمانی کرده و آنها از امام خود در باطل فرمانبرداری می‌نمایند. آنها نسبت به رهبر خود امانتدار و شما خیانتکارید، ...خدایا، من این مردم را با پند و تذکرات مداوم خسته کردم و آنها نیز مرا خسته نمودند، آنها از من به ستوه آمده، و من از آنان به ستوه آمده، دل شکسته‌ام، به جای آنان افرادی بهتر به من مرحمت فرما، و به جای من بدتر از من بر آنها مسلط کن. خدایا، دل‌های آنان را، آنچنان که نمک در آب حل می‌شود، آب کن!<sup>۱</sup>

نتیجه سستی و ترک سنگرهای کار و تلاش، و همچنین نتیجه شانه خالی کردن از وظیفه، یورش بیرحمانه دشمن است که به هیچ قشری از جامعه و هیچ طیف فکری رحم نمی‌کند! علی علیه السلام وقتی سستی یاران و یورش لشکر معاویه را شنید آه جان سوزی از نهادش کشید و این خطبه را ایراد کرد:

به من خبر رسیده که مردی از لشکر شام به خانه زن مسلمان و غیر مسلمان که در پناه حکومت اسلام بود وارد شد، و خلخال و دستبند و گردنبند و گوشواره‌های آنها را به غارت برد، در حالی که هیچ وسیله‌ای برای دفاع، جز گریه و التماس کردن، نداشتند، لشگریان شام

با غنیمت فراوان رفتند بدون اینکه حتی یک نفر آنان، زخمی بردارد، و یا قطره خونی از او ریخته شود، اگر برای این حادثه تلخ، مسلمانی از روی تاسف بمیرد، ملامت نخواهد شد، و از نظر من سزاوار است. شگفتا، شگفتا!! به خدا سوگند، این واقعیت قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که شامیان در باطل خود وحدت دارند، و شما در حق خود متفرقید. زشت باد روی شما و از اندوه رهایی نیابید که آماج تیر بلا شدید. به شما حمله می‌کنند، شما حمله نمی‌کنید؟ با شما می‌جنگند، شما نمی‌جنگید؟ اینگونه معصیت خدا می‌شود و شما رضایت می‌دهید؟ وقتی در تابستان فرمان حرکت به سوی دشمن می‌دهم، می‌گویید هوا گرم است مهلت ده تا سوز گرما بگذرد، و آنگاه که در زمستان فرمان جنگ می‌دهم، می‌گویید هوا خیلی سرد است بگذار سرما برود، همه این بهانه‌ها برای فرار از سرما و گرما بود؟ وقتی شما از گرما و سرما فرار می‌کنید، به خدا سوگند که از شمشیر بیشتر گریزانید.

خدا شما را بکشد که دل من از دست شما پر خون، و سینه‌ام از خشم شما مالامال است، کاسه‌های غم و اندوه را، جرعه جرعه به من نوشاندید، و با نافرمانی و ذلت‌پذیری، رای و تدبیر مرا تباه کردید، تا آنجا که قریش در حق من گفت: (بی تردید پسر ابیطالب مردی دلیر است ولی دانش نظامی ندارد).<sup>۱</sup>

در تاریخ اسلام و تاریخ کشورمان فرازهای افتخارآمیزی از همت والا و

تلاش و کار مضاعف را می‌بینیم که باعث رونق در عرصه‌های مختلف گردیده، متقابلاً فرازهای عبرت‌بار و درس‌آموزی را مشاهده می‌کنیم که در اثر سستی و کم‌کاری چه مصیبت‌هایی که بر سر مسلمانان نیامده است. در اثر کم‌کاری و سستی و شانه خالی کردن از وظایف که در صدر اسلام پیش آمد اهل بیت پیامبر از حقشان محروم شدند! علی! - آن ابر مرد علم و معنویت، راد مرد مدیریت و سیاست - خانه نشین شد. امام حسن علیه السلام و مجبور به صلح با بدترین دشمن پیروان اهل بیت شد و امام حسین علیه السلام و یاران اندک و با وفایش در کربلا مظلومانه به شهادت رسیدند.

مکتب متعالی اسلام، تمدن عظیم و خیره‌کننده‌ای را خلق کرد و در برخی از فرازهای تاریخی در اثر تربیت و هدایت رسول اکرم و ائمه طاهرين علیهم السلام بویژه در اثر جهاد علمی حضرت امام باقر و امام صادق علیهم السلام و پرورش شاگردان زیاد و گسترش علم و دانش، مسلمانان در رشته‌های مختلف علوم آنچنان پیشرفت کردند که از تمام نقاط عالم، جویندگان علم و معرفت به سوی کشور پهناور اسلامی می‌شتافتند و از خرمن فیض دانشمندان بزرگ اسلامی خوشه چینی می‌کردند، در حالی که تمام نقاط دنیا بویژه اروپا، عصر جهل و بی‌خبری خودشان را طی می‌کردند و از علم و دانش کوچکترین خبری در آنجاها نبود. چندین اختراع مهم در دوران شکوفایی علوم اسلامی توسط اندیشمندان مسلمان به ثبت رسیده است، خلاصه اینکه مکتب اسلام موتور حرکت علمی در جهان به شمار می‌آید! تمام مورخان منصف و بی‌غرض، این عصر طلایی اسلامی را یگانه عامل تحول در سطح جهان می‌دانند زیرا جویندگان علم از تمام

مناطق دنیا بویژه اروپا، علم و دانش را از اندیشمندان مسلمان گرفتند و به اروپا منتقل کردند و همین تلاش‌ها باعث یک جنبش عظیم علمی در جهان گردید. اما در سده‌های بعدی در اثر عواملی که مجال پرداختن به آنها نیست و سرجمع همه آنها اینست که مسلمانان در اثر اختلافات و تاثیر پذیری از نقشه‌های دشمنان و شانه خالی کردن از وظایف ذاتی و پشت کردن به مسؤولیت‌های مادی و معنوی خود، گرفتار سستی و رخوت شدند و در نتیجه، انحطاط و عقب ماندگی به سراغشان آمد.

آری در اثر برخی بی‌همتای و بی‌مسئولیتی‌ها، آن تمدن عظیم فروکش کرد و پرچم افتخاری که چند قرن بدست مسلمانان بود بدست همان کسانی افتاد که روزی ملت‌مانه پشت دروازه‌های ممالک اسلامی هفته‌ها به انتظار می‌نشستند تا اجازه ورود به کشور امپراطوری اسلامی به آنها داده شود!

سستی و کم‌کاری مسلمین باعث شد کشور بزرگ و اسلامی اندلس از دست برود و به یک کشور لائیک اروپایی به نام اسپانیا تبدیل شود.

وظیفه‌شناسی و سستی برخی از مسلمانان بویژه رهبران برخی از کشورهای اسلامی موجب شد کشور اسلامی فلسطین و بیت‌المقدس، به اشغال دشمنان صهیونیستی در بیاید و میلیون‌ها مسلمان مظلوم، وطن آبا و اجدادی و سرمایه‌های مادی و زمین‌های کشاورزی و باغات خود بویژه میراث عظیم فرهنگی خویش را از دست بدهند.

در اثر همین بی‌توجهی و پشت کردن به دستورات دین مقدس اسلام و سستی و بی‌همتای مسلمین، امپراتوری عظیم اسلامی از هم پاشید و به

چندین کشور کوچک و ضعیف که غالباً مورد استعمار و دستبرد بیگانگان بودند تبدیل گشت. در اثر این فاجعه بزرگ که نصیب امت اسلامی شد، دشمنان، به ثروت عظیم نفت و معادن و دیگر منابع عظیم مادی مسلمانان چنگ اندازی کردند. میراث‌گراقتدر فرهنگی ما را شامل کتاب‌های خطی و چاپی و دیگر آثار گران‌بهای فرهنگی ما را به یغما بردند بگونه‌ای که کتابخانه‌ها و موزه‌های لندن و پاریس بیشتر از کتابخانه‌ها و موزه‌های کشور ما و دیگر کشورهای اسلامی، از آثار غنی و ارزشمند علمی و فرهنگی بجا مانده از تمدن اسلامی برخوردار است و این بسیار غم‌بار و تاسف‌انگیز است. پس کم‌کاری و کم‌همتای، همچنین سستی در انجام وظیفه، آفت بزرگی برای همه جوامع بویژه جامعه ما محسوب می‌شود.

در زمان کنونی هم ما به نحوی گرفتار دون‌همتای و کم‌کاری هستیم. با اینکه مسلمانان، غنی‌ترین منابع نفت و گاز و بهترین موقعیت کشاورزی و دام‌پروری و معادن و... را در اختیار دارند، بالاتر از اینها در چهار راه قاره‌های چهارگانه قرار گرفته‌اند، اما در اثر اختلافات مذهبی و نیز در اثر خود فروختگی برخی از سران، چندین کشور اسلامی در اشغال بیگانگان قرار دارد.

در این میان تنها کشور مستقل و آزاد که قانون‌اساسیش مبتنی بر اصول اسلامی است یعنی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که یادگار خمینی کبیر و حاصل خود صدها هزار شهید است، پرچم وحدت و بیداری مسلمین را بدست گرفته و همه را به آرمان‌های رسول خداداد عوت می‌کند

و همه دنیا بویژه کشورهای اسلامی باید قدر این نعمت بیکران الهی را بدانند.

ملت بزرگوار ایران تاکنون در صحنه‌های مختلف خوش درخشیده است و استحقاق پیشرفت و تعالی و ترقی، بیش از آنچه تاکنون بدان رسیده را دارد. گرچه سنگ اندازی و دشمنی مستکبران بویژه امریکا را در خصوص جلوگیری از پیشرفت ملت ایران نباید نادیده گرفت اما در برخی از عرصه‌ها کم کاری و ضعف در مدیریت عامل اصلی برخی کاستی‌هاست.

چرا که متاسفانه می‌بینیم در اثر واردات کالای خارجی در بخش‌های مختلف، کارگاه‌های تولیدی و برخی کارخانه‌ها به حالت نیمه فعال درآمده‌اند! علت عمده اینست که مشابه خارجی این کالاها با کیفیت بالاتر و قیمت ارزاتر بدست مشتری می‌رسد و مردم دنبال جنس ایرانی نمی‌روند. این نشان از بی‌مدیریتی در این بخش‌هاست که چاره‌جویی علمی صورت نگرفته است! بنابر این، ما اکنون چوب سستی و کم‌کاری خود را می‌خوریم. چقدر تاسف آور است که بسیاری از تولیدکننده‌های ما تولیدات خود را می‌برند در مناطق آزاد یا بیرون از مرزها مارک خارجی می‌زنند و برمی‌گردانند در داخل به فروش می‌رسانند؟! این یعنی تاراج رفتن حیثیت و اعتبار یک کشور که تولیدات خودش را برای فروش به مردم خودش به مارک بیگانگان متوسل شود آیا این‌ها کم‌همتی و کم‌کاری نیست؟!

چرا با وجود این همه تولیدکننده داخلی بازار ما را اجناس خارجی

پرکرده؟ این سؤال اگر عالمانه پاسخ داده شود کسی در این کشور بیکار نمی‌ماند!

چقدر کارهای یدی در عرصه‌های کشاورزی و دامداری و صنعتی و خدماتی وجود دارد اما ایرانی آن را انجام نمی‌دهد ولی کارگر خارجی با قیمت ارزاتر انجام می‌دهد در نتیجه تولیدکننده‌ها و صاحبان مشاغل مختلف به کارگر غیر ایرانی رغبت بیشتری نشان می‌دهند و در نتیجه کارگر غیر ایرانی نبض بازار کار ما را بدست می‌گیرد و ما مرتب فریاد می‌زنیم چرا جوانان ما بیکار هستند؟ چرا کار نیست؟ باید گفت‌کننده کار نیست و الاکار در این کشور بسیار است. آری همه اینها نیاز به فرهنگ سازی دارد.

آیا ننگ نیست که با وجود زمین‌های حاصل خیز فراوان در ایران، بازار ایران را برنج هندی و پاکستانی و میوه‌های خارجی پر کنند اما جنس ایرانی یا کیفیت نداشته یا قیمتش بسیار سرسام آور باشد، همه اینها نیاز به ساماندهی دارد آیا اینها کم‌کاری و کم‌همتی نیست که متولیان امر نتوانند بازار مصرف ایران را سامان بدهند.

بخش دولتی نیز بی‌تقصیر نیست، زیرا جمعیت این کشور مشخص و سرانه مصرف در بخش‌های مختلف نیز معین است چرا بین تولید و مصرف تعادل ایجاد نمی‌شود، یک سال آنقدر سیب زمینی و پیاز و گوجه و دیگر اقلام از غلات و صیفی جات و... تولید شود که برای کشاورز چیدنش صرف نکند و ضرر ببیند، سال دیگر آنقدر کم کاشته شود که همان اقلام قیمتش سر به فلک بزند اینها را چه کسی باید حل کند

و کی باید حل شود سه دهه است این امور را تجربه می‌کنیم آیا بس نیست؟

### □ - نکوهش بیکاری و کم‌کاری در روایات

پیامبر و اهل بیت طاهرینش که رهبریت مردم را در همه زمینه‌ها بر عهده داشتند، همواره راه رشد و تعالی در ابعاد مادی و معنوی را به مردم نشان می‌داده‌اند. یکی از وظایف رهبران الهی اینست که حرکت مردم را متعادل سازند به این معنی که هر جا می‌دیدند مردم راه خود را اشتباه می‌روند تذکر می‌دادند، آنهایی را که عقب می‌ماندند تقویت می‌نمودند و حرکت آنهایی را که سرعت و شتاب غیر مجاز داشتند را متعادل می‌کردند.

بر این اساس، ائمه علیهم‌السلام افراد سست را مرتب بر کار و تلاش ترغیب می‌نمودند و از سستی و بی‌حالی به عنوان عامل عقب افتادگی نکوهش می‌کردند، به موارد آتی بنگرید:

\* - عمر بن یزید می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام در نکوهش تنبلی برخی از افراد می‌فرمود: اگر کسی در خانه بنشیند و در خانه‌اش را ببندد چیزی از آسمان برایش فرو می‌افتد؟!

همچنین وی می‌گوید: به امام صادق عرضه داشتم، مردی می‌گوید: من می‌نشینم در خانه می‌نشینم و مشغول نماز و روزه می‌شوم و خدا را پرستش می‌کنم، روزی من هم از طرف خدا می‌رسد! امام صادق وقتی این را شنید فرمود: این شخص یکی از سه نفری است که دعای ایشان

مستجاب نمی‌شود.<sup>۱</sup>

\* - مَعْلَى بن حُنَيْس می‌گوید: با امام صادق علیه‌السلام در جمعی نشسته بودیم آن حضرت از احوال کسی جو یا شد گفتند: ایشان گرفتار فقر شده و بسیار نیازمند است! امام پرسید: الآن چه می‌کند؟ گفتند: در منزلش مشغول عبادت است! امام پرسید پس چه کسی نیازهای او را برآورده می‌کند؟ گفتند بعضی از برادرانش! امام فرمود: به خدا قسم آن کسی که زندگی او را تامین می‌کند از او عابدتر است!<sup>۲</sup>

\* - پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: دعای چند گروه از امت من مستجاب نمی‌شود:

۱ - کسی که بر پدر و مادر خود نفرین نماید.

۲ - کسی که از کسی طلب دارد ولی نه از او نوشته‌ای گرفته و نه شاهد بر طلبش دارد و دعا می‌کند او طلبش را پردازد.

۳ - کسی که از دست زنش ناراضی است و بر علیه او نفرین می‌کند.

۴ - کسی که خانه‌اش نشسته و دنبال روزی نمی‌رود و دست به دعا برداشته و می‌گوید: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي! خداوند در جواب دعایش می‌فرماید: عَبْدِي أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ السَّبِيلَ إِلَى الطَّلَبِ وَ التَّصَرُّفِ فِي الْأَرْضِ بِجَوَارِحِ صَحِيحَةٍ؟! بنده من! آیا به تو بدن سالم ندادم و برای تو امکان حرکت جهت کار و کوشش و طلب روزی فراهم نکردم که در روی زمین راه بیافتی؟ تا حجت بر تو تمام باشد اگر از فرمانم پیروی نمایی و سربار خانواده‌ات نباشی، (تو تلاش خود را انجام دهی) بر من است که اگر

خواستم روزی تو را فراوان می‌نمایم و اگر نخواستم بر تو تنگ می‌گیرم و تو در این صورت معذور هستی!

۵- کسی که خداوند به او روزی داده ولی (او بی حساب و کتاب و بیهوده) خرج کرده و خودش اکنون درمانده است و دست به‌دعا برداشته عرضه می‌دارد: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي! خداوند در جوابش می‌فرماید: أَلَمْ ارْزُقْكَ رِزْقًا وَاسِعًا فَهَلَّا اقْتَصَدْتَ فِيهِ...؟ آیا من به تو روزی فراوان ندادم پس چرا آنگونه که گفته بودم معتدل (از روی حساب و کتاب) خرج نکردی؟

چرا اسراف کردی در حالی که تو را از اسراف و زیاده روی نهی کرده بودم؟!

۶- کسی که دعا می‌کند و باطمینان قطع شود.<sup>۱</sup>

\* - علی بن عبید العزیز می‌گوید: امام صادق علیه السلام پرسید عمر بن مسلم چه می‌کند و حالش چطور است؟ گفتم فدایت شوم کار و تجارت را رها کرده و مشغول عبادت شده است فرمود: بدکاری کرده مگر نمی‌داند که هرکس دست از کار و تلاش (طلب روزی) بردارد عایش مستجاب نمی‌شود؟ سپس فرمود: وقتی آیه وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبْ. نازل شد گروهی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در خانه‌ها را بستند و به عبادت روی آوردند چون می‌گفتند خداوند روزی ما را تضمین کرده است! وقتی این خبر به رسول خدا رسید نزد آن گروه پیک فرستاد و پرسید چه چیزی شما را وادار به این کار

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۷.

کرده است؟ گفتند: یا رسول الله مگر خداوند نمی‌فرماید: وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبْ.<sup>۱</sup> پس خدا روزی ما را بر عهده گرفته و به ما تضمین داده و لذا مادست از کار کشیدیم و به عبادت روی آوردیم. حضرت در جواب آنها فرمود: هرکس چنین کند عایش مستجاب نمی‌شود، «عَلَيْكُمْ بِالطَّلَبِ» بر شما باد کار و طلب روزی.<sup>۲</sup>

\* - عمر بن یزید می‌گوید: امام صادق علیه السلام در ترغیب به کار و نکوهش بیکاری می‌فرمود: من برای برآوردن نیازمندی‌هایم سراغ کار می‌روم با اینکه خداوند برای من در آن زمینه (روزی را) تضمین کرده است اما به خاطر انجام دستور خداوند که فرموده باید برای روزی حلال کار کنید من این کار را انجام می‌دهم آنجا که می‌فرماید:

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَ ابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ.<sup>۳</sup>

اگر کسی در منزل بنشیند و در خانه خود را ببندد و بگوید روزی من خواهد آمد، آیا چنین خواهد شد؟ بلکه او یکی از سه نفری خواهد بود که دعایشان مستجاب نمی‌شود. پرسیدم آن سه نفر چه کسانی هستند؟ فرمود: ۱- مردی که از زنش ناراضی باشد و بر او نفرین کند چون خداوند راه‌هایی از آن را نشان داده است.

۲- مردی که به کسی حقی (طلب) دارد ولی برای اثبات حقش شاهد

۱- سورة طلاق، ۲. و هر کس از خدا پروا کند، (خدا) برای او راه بیرون شدنی قرار می‌دهد. و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۲۸.

۳- سورة جمعه، ۱۰. و چون نماز گزارده شد، در (روی) زمین پراکنده شوید و فضل خدا را بجوید.

نمی‌گیرد، بدھکار هم انکار می‌کند در اینجا صاحب حق اگر دعا نماید مستجاب نخواهد شد چون دستور خدا را ترک نموده است.<sup>۱</sup>

۳- مردی که در خانه می‌نشیند و برای کار و طلب روزی بیرون نمی‌رود و دعا می‌کند خدا او را روزی دهد.<sup>۲</sup>

\* - فَضِيلُ بْنُ يسار می‌گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: امروز چه کار خواهی کرد؟ گفتم آقا امروز بیکارم امام فرمود: كَذَلِكَ تَذْهَبُ اَمْوَالُكُمْ وَ اَشْتَدَّ عَلَيْهِ.

اگر این کار را بکنید سرمایه را از دست خواهید داد و لذا امام به وی تاکید

۱- منظور از دستور خداوند، آیه ۲۸۲ سوره بقره است که دستور می‌دهد کسی که به دیگران قرض می‌دهد باید یا رسید دریافت کند یا شاهد بگیرد.

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدِينِ إِلَى أَجَلٍ مَّسْمُومٍ فَاكْتُبُوهُ وَلِيَكْتَبَ بَيْنَكُمُ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلِيَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنَّ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتِطِيعُ أَنْ يَمْلِكَ هُوَ فَلْيَمْلِكْ وَلِيَهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهَدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَاءِ...»

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای (صورت معامله را) بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه (و به شکرانه آن) که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بده کار است باید املا کند، و او (=نویسنده) بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نماید، و از آن، چیزی نگاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سقیه یا ناتوان است، یا خود نمی‌تواند املا کند، پس ولی او باید با (رعایت) عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که (به عدالت آنان) رضایت دارید (گواه بگیرید).

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۳۰.

کرد که کارش را از سر بگیرد.

\* - فَضِيلُ اَعْوَرِ می‌گوید: نزد مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بودم وی به امام صادق گفت: من وضع مالیم خوب شده و لذا کسب و کار را ترک کردم! امام فرمود: اگر چنین کنی عقلت کم می‌شود!

در روایت دیگر آمده است امام به وی فرمود: سعی کنید شما نان آور برای خانواده خود باشید نه آنها.

\* - راوی می‌گوید: من در محضر امام صادق بودم امام در باره مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ که تاجر لباس بود سؤال کرد، گفتند: ایشان تجارت را رها کرده است امام فرمود: عَمَلُ الشَّيْطَانِ این، کار شیطان است که او را وادار به ترک تجارت کرده است سپس فرمود: هرکس کار (تجارتش) را ترک کند دو سوم عقلش را از دست داده است آیا نشنیده است که یک زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر دار شدند یک کاروان تجاری از شام آمده است، شخصا از آنها جنس خریداری کرد و با فروش اجناس توانست سرمایه‌ای بدست آورد و بدهی‌های خود را پرداخت کند؟<sup>۱</sup>

#### □ - نکوهش بی‌برنامگی

یکی از نکاتی که در سیره و سخن ائمه علیهم السلام خیلی برجسته مورد توجه واقع شده نکوهش سستی و بی‌برنامگی و بطالت عمر است، می‌بینیم برخی از مردم هیچ برنامه‌ای برای خود ندارند و قوتشان به بطالت می‌گذرد و با کسل بودن و بی‌حالی و بدون نشاط زندگی می‌کنند و از عمر خود استفاده و لذت چندانی نمی‌برند. ائمه اطهار علیهم السلام چنین افراد را

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۱۷.

نمی‌پسندیدند و آنان راد عوت به کار و تلاش می‌کردند و به خاطر این کوتاهی نصیحتشان می‌نمودند.

\* - ابو بصیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: **إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ كَثْرَةَ النَّوْمِ وَ كَثْرَةَ الْفَرَاغِ**.<sup>۱</sup> خداوند از کسانی که زیاد می‌خوابند و وقتشان رهاست و بی‌برنامه هستند، بدش می‌آید.

\* - محمد بن مسلم از امام باقر نقل نمود که می‌فرمود: من بدم می‌آید از افراد سست و بیحال چون کسی که نسبت به امور دنیا کسل و بیحال باشد، حتماً نسبت به امور معنوی و اخروی بی‌رغبت‌تر و بی‌حال‌تر خواهد بود.<sup>۲</sup>

\* - سعد بن ابی‌خلف از امام موسی کاظم علیه السلام نقل نمود که امام کاظم فرمودند: از پدرم شنیدم به بعضی از فرزندان می‌فرمود: **إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ**.<sup>۳</sup> از سستی و بی‌حالی برحذر باش زیرا آندو تو را از بهره دنیا و آخرت محروم می‌گرداند.

سستی و بی‌برنامگی، صفتی است که انسان را از رشد و ترقی باز و از همراهی دیگران عقب‌نگه می‌دارد و چنین افرادی تاثیر منفی خود را در روحیه دیگران خواهند گذاشت. به همین خاطر مشورت کردن با آنان درست نیست از این رو ائمه علیهم السلام مردم را نهی می‌کردند از اینکه با این

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۵۸.

۲- من کسب عن امر دنیاة فهو عن امر آخرته أكسل. وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۵۹.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۶۰.

افراد در امور زندگی مشورت نمایند.

\* - علی علیه السلام می‌فرمودند: نتیجه سستی، عجز و ناتوانی و نتیجه ناتوانی، فقر است.

\* - امام صادق علیه السلام فرمود: از بی‌تابی و ناتوانی، سستی و بی‌حالی پرهیز نمایید، **إِنَّهُمَا مِفْتَاحُ كُلِّ سُوءٍ إِنَّهُ مَنْ كَسِلَ لَمْ يُؤَدِّ حَقًّا وَ مَنْ ضَجِرَ لَمْ يَصْبِرْ عَلٰی حَقِّ**.<sup>۱</sup> زیرا ایندو، کلید هر بدی هستند زیرا هرکس سستی ورزد حق هیچ کس را نمی‌تواند ادا نماید و کسی بی‌تابی کند برای (پذیرش) حق بی‌صبر (ناتوان) خواهد بود.

تفریط، (کوتاهی کردن) از انجام وظایف نیز مورد نهی و نکوهش می‌باشد زیرا انسانی که از وظایف خود کوتاهی ورزد ناموفق خواهد شد و در نتیجه فرصت‌های مفید عمر از دستش خواهد رفت، چنین افرادی غالباً وقتی بیدار می‌شوند که می‌بینند فرصت از دست رفته و پشیمانی سودی ندارد. در حالی که اگر این کوتاهی را نداشتند دارای قدرت و موفقیت کامل بودند.

علی علیه السلام فرمود: **إِيَّاكُمْ وَ التَّفْرِيطَ فَتَقَعُ الْحَسْرَةُ حِينَ لَا تَنْفَعُ الْحَسْرَةُ**. از کوتاهی در انجام وظایف دوری کنید زیرا وقتی پشیمان می‌شوید که پشیمانی سودی ندارد. و فرمود: **ثَمَرَةُ التَّفْرِيطِ النَّدَامَةُ**. حاصل کوتاهی پشیمانی است.<sup>۲</sup>

بسیاری از افراد سست عنصر که نسبت به وظایف خود کوتاهی می‌کنند و آینده خود و فرزندان خود را تباه می‌کنند، نادان هستند و از آینده نکبت

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷ ص ۶۲.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۸۱.



بار خود غافل هستند. علی عليه السلام فرمود: لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفَرِّطاً او مُفَرِّطاً<sup>۱</sup>. نادان را نمی بینی مگر اینکه تندروی می کند یا کند.

### □ - برخی عوامل ناموفق بودن کار

گفتم، موفقیت در کار، منوط به فراهم بودن شرایطی است که برخی از آنها در بحث های پیشین مورد اشاره واقع شد، اینک برخی از آسیب های بازار کار را توجه نمایید:

- ۱- ضعف در نظام اقتصادی و مبتنی نبودن بر اصول علمی.
- ۲- نبود امنیت در سرمایه گذاری برای کسانی که قصد سرمایه گذاری در طرح های اقتصادی کلان را دارند، اگر تضمین های قانونی برای حمایت از صاحبان سرمایه جهت سرمایه گذاری در بخش های گوناگون وجود نداشته باشد مردم از سرمایه گذاری سرباز خواهند زد و بازار کار کساد خواهد شد.
- ۳- نبود توازن بین عرضه و تقاضا در امر تولید و بازار مصرف!  
در نتیجه خیلی از تولید کننده ها در بخش های مختلف کار خود را رها می کنند.
- ۴- فقدان امنیت شغلی بدلیل عدم ثبات سیاسی و اجتماعی و وجود تغییرات غیر منضبط در دولت و نظام سیاسی و روی کار آمدن سلاقی و تفکر های گوناگون.
- ۵- نبود نظامی صحیح جهت هدایت استعدادهای برای تحصیل در

رشته های مورد نیاز مملکت، چرا که موارد زیادی وجود دارد که افرادی در رشته ای به تحصیل مشغول می شوند در حالیکه زمینه کار برایش فراهم نیست!

۶- عدم استفاده از تخصص های صاحبان تخصص و فن!

۷- ضعف قانون در خصوص ایجاد اطمینان بین کارگر و کارفرما.

علی عليه السلام فرمود: آفَةُ الْمَعَاشِ سُوءُ التَّدْبِيرِ.<sup>۱</sup>

آفت معیشت، سوء مدیریت است.

۸- وجود شغل های کاذب. که بدلیل درآمدزا بودن شغل های کاذب و دشواری در دستیابی به کارهای مفید و آبرومندانه و نبودن سرمایه گذاری در بخش های حیاتی و مورد نیاز، برخی از مردم از شغل های محترمانه ناامید می شوند!

۹- ضعف در سیاست های حمایتی و تشویقی از کسانی که دل سوزانه خدمت می کنند و پایین بودن حمایت از مؤسسات و ادارات و نهادهای خدماتی که خدمت شایسته و صادقانه ارائه می کنند، چرا که عدم حمایت از شرکت ها و کارخانه هایی که تولید و رشد بهتری دارند موجب یاس و نومیدی و مانع رشد آنان خواهد گردید.

۱۰- عدم تضمین در اجرایی شدن قراردادهای اقتصادی و تجاری.

۱۱- روش تولید کننده ها و ارائه کننده خدمات اگر بر این منوال باشد که هر روز بر کیفیت تولیدات و سطح خدمات بیافزایند، در این صورت رضایت مردم و مشتری ها را جلب خواهند کرد، در نتیجه فروش بیشتر و

درآمد افزون تر خواهد شد اما اگر هر روز از کیفیت تولیدات و کیفیت خدمات کاسته شود عکس آن اتفاق خواهد افتاد! پس رکود اقتصادی و از دست رفتن بازار را در عملکرد خود باید جستجو کنیم، زیرا مردم با کسی عقد اخوت نبسته‌اند هر کس جنس بهتری ارائه دهد مردم سراغ آن خواهند رفت. اینست راز کلام مولی علی علیه السلام که فرمود: خیانت فقر را بدنبال دارد؟!<sup>۱</sup>

### پایان

پروردگارا! تو را می‌ستایم که جامهٔ خلقت به تنم کردی و از جمادی به زیور حیاتم آراستی و از نعمت عقل و اراده برخوردارم ساخته و نعمت‌های بی‌شماری را برای رشد و کمالم در اختیارم نهادی. تو را ثنا می‌گویم به خاطر اینکه رهبران آسمانی را برای هدایتم گسیل داشته و توفیق پیروی از مکتب متعالی اسلام و ولایت اهلیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به من ارزانی داشتی. و تو را شکر می‌گویم که توفیق خدمت به دینت و قدم نهادن در راه نشر معارف قرآن و اهلیت را نصیبم کردی. آفریدگارا! برای ادامهٔ راه و آیندهٔ زندگیم بیشتر از گذشته محتاج عنایت و هدایت توام! «إِنَّكَ وَوَلِيُّ التَّوْفِيقِ»

این کتاب در شب پنجم جمادی الاولی سال ۱۴۳۱ هجری قمری مطابق با ۳۱/۱/۸۹ هجری شمسی، که مصادف بود با شب میلاد فرخندهٔ

عقیلهٔ بنی هاشم حضرت زینب کبری علیها السلام حسن ختام یافت! به میمنت این شب مبارک، ثواب این اثر دینی را هدیه می‌کنم به روح بلند و حماسی آن بانوی قهرمان که با تلاش و کوشش بی‌نظیر خود، قیام حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام را به ثمر رسانید.

«رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»<sup>۱</sup>

حافظ نجفی

فروردین ۱۳۸۹

۱. سورهٔ بقره، ۱۲۷. ای پروردگار ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی.

# منابع و ماخذ

۱۷. صحیح مسلم، مسلم بن حجاج قشیری نیشابوری.
۱۸. غرر الحکم و درر الکلم، آمدی.
۱۹. کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
۲۰. کنز العمال، المتقی الهندی.
۲۱. گلستان، شیخ مصلح الدین سعدی.
۲۲. مجمع البیان، ابو علی فضل بن حسن طبرسی.
۲۳. معجم البلدان، یاقوت حموی.
۲۴. مستدرک الوسایل، محدث نوری.
۲۵. مکارم الاخلاق. حسن بن فضل طبرسی.
۲۶. المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی.
۲۷. نامه دانشوران.
۲۸. نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی علیه السلام، سید رضی.
۲۹. نور الثقلین، عروسی خویزی.
۳۰. وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی.

\* قرآن کریم.

۱. ارشاد القلوب، ابو محمد حسن بن محمد دیلمی.
۲. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی.
۳. بحار الأنوار، علامه محمد باقر مجلسی.
۴. تاریخ ابن عساکر.
۵. تحف العقول عن آل الرسول، حسن بن علی بن شعبه حرانی.
۶. تحریر الوسيله، امام خمینی.
۷. تعلیم و تربیت در اسلام، شهید مطهری.
۸. تنبیه الخواطر، ابو حسین ورام بن ابی فراس مالکی.
۹. خصال، شیخ صدوق.
۱۰. داستان راستان، شهید مطهری.
۱۱. در المنثور، جلال الدین سیوطی.
۱۲. دیوان اقبال لاهوری.
۱۳. زندگی امام صادق علیه السلام، گردآوری و ترجمه، موسی خسروی.
۱۴. زندگی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار، روحانی.
۱۵. سفینه البحار، شیخ عباس قمی.
۱۶. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی.